



دانشکده اصول الدین دزفول

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآن و حدیث

موضوع:

«نوآوری های آیت الله معرفت در علوم قرآنی از جمله

اعجاز بیانی و تحدی و نزول قرآن و شبهات مربوطه»

استاد راهنما:

دکتر سید محمد حسین میری

نگارش:

غلامرضا مومن زاده

مرداد

۱۳۹۴



فرع دزفول

کلیه دزفول لأصول الدین

قسم: علوم القرآن والحديث

رسالة الماجستير

العنوان:

« ابتکارات آیه الله معرفت فی علوم القرآن فی مجال الإعجاز الیانی و التحدی و نزول القرآن و دفع الشکوک حوله »

الاستاذ المشرف:

الدكتور سيد محمد حسين میری

الطالب:

غلامرضا مومن زاده

السنة ۱۳۹۴هـ ش

غلامرضا مومن زاده

تاریخ و امضاء

واگذاری حقوق:

کلیه حقوق برگرفته از نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشکده اصول الدین دزفول است.



تأییدیه ی صحت و اصالت نتایج

بسمه تعالی

اینجانب غلامرضا مومن زاده به شماره دانشجویی ۹۱۲۴۱۱۵۰۱۶ علوم قرآن و حدیث مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد ورودی ۹۲ - ۱۳۹۱ تایید می نمایم که در تاریخ / از پایان نامه / رساله خود تحت عنوان « نوآوری های آیت الله معرفت در علوم قرآنی از جمله اعجاز بیانی و تحدی و نزول قرآن و شبهات مربوطه» با کسب نمره و درجه بسیارخوب دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

۱) این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط این جانب بوده و در مواردی که از دستاورد های علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله، و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد نظر و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.

۲) این پایان نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده باشد.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع، و..... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهش و فناوری واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود؛ عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی دانشجو:



دانشکده اصول الدین دزفول

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

رشته علوم قرآن و حدیث

موضوع:

«نوآوری های آیت الله معرفت در علوم قرآنی از جمله اعجاز بیانی و

تحدی و نزول قرآن و شبهات مربوطه»

استاد راهنما:

دکتر سیدمحمدحسین میری

نگارش:

غلامرضا مومن زاده

مرداد

۱۳۹۴

نمره نهایی

تاریخ دفاع

استاد راهنما: دکتر سیدمحمدحسین میری

امضاء

سپاس‌گزاری:

ستایش آفریدگار جان و خرد راست، که حقیقت اندیشیدن و زیستن را عطا فرموده، تا بتوان در راه رسیدن به حقیقت گامی نهاد. در این بادیه راه خوف انگیز که معانی از واژگان جدا مانده اند از او یاری می‌طلبم تا قدرت تمییز و تشخیص درست را از نادرست به من عطا فرماید.

اینجانب بر خود لازم می‌دانم که از تمامی کسانی که مرا در نوشتن این پژوهش یاری نموده‌اند، خصوصاً استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر سیدمحمدحسین میری که در تمام این مدت با صبر و شکیبایی ایشان توانستم از تجربیاتشان بهره‌مند گردم تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از ریاست محترم دانشکده جناب آقای دکتر عطار و معاونین ایشان استاد حجت الاسلام حسین پور و استاد دکتر سعادت که در طول دوران تحصیل از محضر آنها خوشه‌چینی‌ها کرده‌ام، تشکر و قدردانی نمایم. در پایان از جناب آقای دکتر گلستانی مدیر محترم گروه تشکر می‌نمایم. همچنین از اساتید معزز: دکتر سعید فخاری و استاد دکتر حاجی خلف و دکتر لطفی و دکتر جمال نهایت تقدیر و تشکر را دارم.

باری تلاش من همیشه بر این بوده که شایستگی توجه و محبت استادان و دوستان و توان به انجام رساندن وظیفه‌ای که بر عهده گرفته‌ام را داشته باشم پس با خرسندی از آنچه توانسته‌ام و پوزش از آنچه نتوانسته‌ام. از خداوند تبارک و تعالی توفیق روز افزون و خیر دنیا و آخرت را برای همه این عزیزان مسألت دارم.

باتقدیم احترام

غلامرضا مومن زاده

تقدیم به:

ساحت مقدس پیامبر اکرم محمد مصطفی (ص) و فرزند برومندش امام زمان (عج)

چکیده:

پژوهش کنونی تحقیقی است تحلیلی توصیفی با عنوان: « نوآوری های آیت الله معرفت در علوم قرآنی از جمله اعجاز بیانی، تحدی و نزول قرآن و شبهات مربوطه» که در آن تلاش شده است بامحور قرار دادن دو کتاب ارزشمند "التمهید" و "علوم قرآنی" اثر گراسنگ این استاد فرزانه مباحث مربوط به اعجاز بیانی و تحدی و نزول قرآن را ضمن بیان و استناد به آراء دیگر مفسران نحله های متعدد مورد بررسی قرار گیرد.

آیت الله معرفت در التمهید و در تعقیب بحث اعجاز، به اعجاز بیانی قرآن می پردازند و عمده نظریات دانشمندان و مؤلفان جهان اسلام در موضوع اعجاز بیانی را همراه با ذکر شواهد قرآنی و توضیح تفصیلی عناصر مؤثر در اعجاز بیانی توضیح می دهند. وی در بخش پایانی این مجلد از دو جهت (اجمالی و تفصیلی) فصاحت قرآن را بررسی و توضیحاتی ارزشمند در این زمینه بیان داشته اند.

آیت الله معرفت در خصوص تحدی قرآن برای تحدی قرآن با توجه به مضامین آیات مراحل نیز در نظر گرفته است، از جمله: تحدی در برتری سخن، بطور مطلق سخنی همانند قرآن، اندازه ده سوره، یک سوره همانند قرآن، قاطعیت هرچه تمام تر، عجز و ناتوانی نهایی آنان، تحدی با تمام جن و انس، و در خصوص سر اعجاز نهفته در تحدی دلائلی نیز ذکر کرده است.

آیت الله معرفت در مورد نزول قرآن نیز پس از ذکر مباحث مختلفی در مورد آغاز نزول وحی، به اولین و آخرین آیات و سوره های نازل شده به موضوع نزول قرآن در شب قدر اشاره و با ذکر پنج قول در مسأله اعلام می دارند که بهترین راه حل میان آیاتی که نزول قرآن را در شب قدر می داند و آیاتی که نزول آن را در طول ۲۰ سال می شمرد، آن است که آغاز نزول قرآن در شب قدر بود، و این آغاز سه سال پس از بعثت پیامبر اکرم (ص) و به دنبال پدیده فترت وحی اتفاق افتاده است.

آیت الله معرفت در بخش اول کتاب به پاسخ شبهه مشهور شرق شناسان مبنی بر وجود مصادری برای قرآن، پرداخته اند. مستشرقان به دلیل تشابه برخی موضوعات کتاب های مقدس و قرآن مدعی شده اند که قرآن با استفاده از مطالب کتاب مقدس تألیف شده و وحی آسمانی نیست! ولکن استاد، وحی الهی را تنها مصدر قرآن شمرده و با بیان این نکته که شرایع ابراهیمی ریشه واحدی دارند.

کلیدواژه ها: قرآن کریم، آیت الله معرفت، اعجاز بیانی، تحدی، نزول، تفسیر، التمهید، علوم قرآنی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: کلیات کلیات تحقیق	۳
۱- ۱- بیان مسأله تحقیق	۴
۱- ۲- بیان اهمیت موضوع	۶
۱- ۳- بیان جنبه‌های مجهول و مبهم مسأله	۸
۱- ۴- پیشینه تحقیق	۱۲
۱- ۴-۱- پیشینه اعجاز بیانی	۱۲
۱- ۴- ۲- پیشینه بحث تحدی	۱۳
۱- ۴- ۳- پیشینه ی بحث نزول قرآن	۱۴
۱- ۵- معرفی اهمّ کتبی که با این عنوان یا عناوین مشابه	۱۴
۱- ۶- معرفی اهمّ پایان نامه هایی که با این عنوان یا عناوین مشابه	۱۶
۱- ۷- معرفی اهمّ مقاله هایی که با این عنوان یا عناوین مشابه در این موضوع نوشته شده است.	۱۷
۱- ۸- سؤالات تحقیق	۱۸
۱- ۹- فرضیه های تحقیق	۱۹
۱- ۱۰- بیان جنبه های نوآوری تحقیق	۱۹
۱- ۱۱- چارچوب تحقیق	۱۹
۱- ۱۲- معنی و مفاهیم و واژگان تحقیق	۲۰
۱- ۱۲-۱- اعجاز	۲۰
۱- ۱۲- ۲- اعجاز بیانی	۲۰
۱- ۱۲- ۳- نزول قرآن	۲۱
۱- ۱۲- ۴- مفهوم لغوی صرفه	۲۲
۱- ۱۲- ۵- مفهوم اصطلاحی صرفه	۲۲
فصل دوم بررسی نوآوری استاد معرفت در خصوص اعجاز بیانی قرآن کریم	۲۴

- ۲ - ۱ - تعریف اعجاز بیانی قرآن کریم ۲۵
- ۲ - ۲ - موارد اعجاز از نگاه دانشمندان علوم قرآنی ۲۶
- ۲ - ۲ - ۱ - دیدگاه بدر الدین زرکشی در باره اعجاز بیانی قرآن کریم ۲۶
- ۲ - ۲ - ۲ - دیدگاه جلال الدین سیوطی در باره اعجاز بیانی قرآن کریم ۲۸
- ۲ - ۲ - ۳ - دیدگاه سید قطب در باره اعجاز بیانی قرآن کریم ۳۵
- ۲ - ۲ - ۴ - دیدگاه علامه حسین طباطبایی در باره اعجاز بیانی قرآن کریم ۳۷
- ۲ - ۲ - ۵ - دیدگاه آیة الله خوئی در البیان در باره اعجاز بیانی قرآن کریم ۴۰
- ۲ - ۳ - اعجاز بیانی قرآن کریم از منظر استاد آیت الله معرفت ۴۲
- ۲ - ۳ - ۱ - دقت در بیان ۴۳
- ۲ - ۳ - ۲ - دیدگاه معرفت در باره ترادف در قرآن کریم ۴۶
- ۲ - ۳ - ۳ - سبک نو و شیوه جدید بیانی ۴۷
- ۲ - ۳ - ۴ - دلنشینی کلمات و روانی عبارات ۴۸
- ۲ - ۳ - ۵ - آراستگی نظم و هماهنگی نغمه‌ها ۴۹
- ۲ - ۳ - ۶ - نمایش معنا در آوای حروف ۵۱
- ۲ - ۳ - ۷ - به هم پیوستگی و انسجام در ساختار قرآن ۵۲
- ۲ - ۳ - ۸ - تشبیه‌های نیکو و تصویرهای زیبای قرآن ۵۳
- ۲ - ۳ - ۹ - استعاره‌های نیکو و زیباخیالی‌های قرآن ۵۴
- ۲ - ۳ - ۱۰ - کنایه‌ها و تعریض‌ها زیبای قرآن ۵۴
- ۲ - ۳ - ۱۱ - نکته‌های تازه و زیبای بدیعی در کتاب التمهید ۵۴
- ۲ - ۴ - نوآوری‌های استاد معرفت در خصوص اعجاز بیانی قرآن کریم ۵۵
- ۲ - ۴ - ۱ - مفهوم اعجاز از منظر استاد معرفت ۵۵
- ۲ - ۴ - ۲ - سر اعجاز ۵۶
- ۲ - ۴ - ۳ - دیدگاه‌های پیشینیان در باره اعجاز ۵۶
- ۲ - ۵ - شبهات در زمینه اعجاز بیانی ۵۷
- ۲ - ۵ - ۱ - شبهه تکرار در اعجاز بیانی ۵۸
- فصل سوم تحدی قرآن از دیدگاه آقای معرفت و بیان نوآوری ایشان در این مورد ۶۱

۶۲	۱ - ۳ - مفهوم تحدی
۶۵	۱ - ۱ - 1 - تحدی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی
۶۷	۱ - ۳ - دعوت جهانی قرآن به تحدی
۶۸	۲ - ۳ - تحدی قرآن از نظر استاد معرفت
۶۹	۱ - ۲ - ۳ - تحدی در قرآن
۶۹	۲ - ۲ - ۳ - مراحل تحدی
۷۰	۲ - ۳ - بطور مطلق سخنی همانند قرآن
۷۰	۲ - ۳ - اندازه ده سوره
۷۰	۲ - ۳ - یک سوره همانند قرآن
۷۱	۲ - ۳ - قاطعیت هرچه تمام تر، عجز و ناتوانی نهایی آنان
۷۱	۲ - ۳ - تحدی با تمام جن و انس
۷۴	۲ - ۳ - سر اعجاز نهفته در تحدی
۷۴	۲ - ۳ - دامنه تحدی در قرآن
۷۴	۲ - ۳ - تحدی در برتری سخن
۷۷	۳ - ۳ - نظریه صرفه
۷۷	۳ - ۳ - حقیقت مذهب صرفه
۷۹	۳-۳-۵ - قائلان به صرفه و دلایل آنان
۸۰	۳-۳-۶ - پاسخ دلایل قائلان به صرفه
۸۳	۳ - ۴ - نوآوری آیت الله معرفت در بخش تحدی قرآن و صرفه
۸۳	۳ - ۴ - ۱ - همآورد جویی قرآن یا تحدی
۸۴	۳ - ۴ - ۲ - شمول تحدی قرآن
۸۶	۳ - ۵ - شبهات درباره تحدی قرآن
۸۹	فصل چهارم: نزول از دیدگاه علما و بویژه از دیدگاه آقای معرفت و بیان نوآوری ایشان
۹۰	مقدمه
۹۰	۴ - ۱ - بررسی واژه انزال و تنزیل در لغت و قرآن
۹۲	۴ - ۱ - ۱ - نزول قرآن

- ۴ - ۱ - ۲ - فرود نخستین آیه ۹۳
- ۴ - ۱ - ۳ - فرود آخرین آیه ۹۳
- ۴ - ۱ - ۴ - فرود قرآن در ماه رمضان ۹۴
- ۴ - ۱ - ۵ - رابطه نزول قرآن با بعثت پیامبر(ص) ۹۳
- ۴ - ۱ - ۶ - مراحل نزول قرآن ۹۷
- ۴ - ۱ - ۷ - نوع نزول قرآن ۹۷
- ۴ - ۱ - ۸ - دلایل دیدگاه نزول تدریجی ۹۸
- ۴ - ۱ - ۹ - حکمت و آثار نزول تدریجی قرآن ۹۹
- ۴ - ۲ - نزول قرآن از دیدگاه دانشمندان علوم قرآنی ۱۰۰
- ۴ - ۲ - ۱ - دیدگاه طبرسی در خصوص نزول قرآن ۱۰۰
- ۴ - ۲ - ۲ - نزول قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی ۱۰۱
- ۴ - ۲ - ۳ - دیدگاه مکارم شیرازی در خصوص نزول قرآن کریم ۱۰۳
- ۴ - ۳ - دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص نزول قرآن کریم ۱۰۵
- ۴ - ۳ - ۱ - دیدگاه معرفت در خصوص آغاز نزول ۱۰۶
- ۴ - ۳ - ۲ - شب قدر - نزد امامیه ۱۰۶
- ۴ - ۳ - ۳ - دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص سه سال تأخیر نزول ۱۰۷
- ۴ - ۳ - ۴ - دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص مدت نزول ۱۰۷
- ۴ - ۴ - سه پرسش مهم در خصوص کیفیت نزول قرآن ۱۰۸
- ۴ - ۴ - ۱ - فاتحه الکتاب ۱۰۹
- ۴ - ۴ - ۲ - نزول قرآن در شب قدر و تعارض آن با نزول تدریجی ۱۱۰
- ۴ - ۴ - ۳ - تأخیر زمانی در ناسخ و منسوخ ۱۱۲
- ۴ - ۴ - ۴ - دو نزول فرضی دفاعی و تدریجی ۱۱۳
- ۴ - ۴ - ۵ - اسباب نزول ۱۱۳
- ۴ - ۴ - ۶ - نزول تدریجی قرآن کریم ۱۱۴
- ۴ - ۴ - ۷ - نزول به اندازه نیاز هر سال در شب قدر ۱۱۴
- ۴ - ۴ - ۸ - انزال در شأن ۱۱۴

- ۴ - ۴ - ۹ - نزول بیشتر آیات در شب قدر ۱۱۵
- ۴ - ۴ - ۱۰ - نزول دفعی در شب قدر و تدریجی در طول مدت نبوت ۱۱۵
- ۴ - ۴ - ۱۱ - توجیه نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم ۱۱۶
- ۴ - ۵ - دیدگاه معرفت در خصوص تأویلات نزول قرآن ۱۱۸
- ۴ - ۵ - ۱ - دیدگاه معرفت در خصوص اولین آیه و سوره ۱۱۹
- ۴ - ۵ - ۲ - اولین آیات سه یا پنج آیه از اول سوره علق ۱۱۹
- ۴ - ۵ - ۳ - نخستین سوره نازل شده را سوره مدثر ۱۱۹
- ۴ - ۵ - ۴ - اولین سوره نازل شده را سوره فاتحه ۱۲۱
- ۴ - ۵ - ۵ - دیدگاه استاد معرفت در خصوص سه نظریه ارائه شده ۱۲۱
- ۴ - ۵ - ۶ - سوره «سبعاً من المثانی» ۱۲۲
- ۴ - ۵ - ۷ - دیدگاه معرفت در خصوص آخرین آیه و سوره ۱۲۲
- ۴ - ۵ - ۸ - تقدم زمانی سوره نصر بر سوره براءت از دیدگاه معرفت ۱۲۴
- ۴ - ۵ - ۹ - آخرین سوره نازل شده از دیدگاه معرفت ۱۲۴
- ۴ - ۵ - ۱۰ - دیدگاه معرفت در خصوص سوره‌های مکی و مدنی و فواید شناخت آنها ۱۲۵
- ۴ - ۵ - ۱۰ - ۱ - شناخت تسلسل آیات ۱۲۵
- ۴ - ۵ - ۱۰ - ۲ - فهم آیه در استدلال‌های فقهی ۱۲۵
- ۴ - ۵ - ۱۰ - ۳ - بکارگیری آیات در استدلال‌های کلامی ۱۲۶
- ۴ - ۵ - ۱۰ - ۴ - شأن نزول آیه اطعام (انسان ۱۲-۷) ۱۲۶
- ۴ - ۶ - نوآوری علامه معرفت در خصوص مسئله نزول قرآن ۱۲۸
- ۴ - ۶ - ۱ - نزول قرآن ۱۲۹
- ۴ - ۶ - ۲ - شناخت مکی و مدنی ۱۳۰
- ۴ - ۶ - ۳ - اسباب نزول ۱۳۱
- ۴ - ۷ - شبهات وارده در خصوص نزول قرآن ۱۳۲
- ۴ - ۸ - شبهات پیرامون مصادر قرآن ۱۳۴
- ۴ - ۸ - ۱ - اهداف خاورشناسان ۱۳۵
- ۴ - ۸ - ۲ - استدلال خاورشناسان به قرآن ۱۳۸

۱۴۱	۴ - ۹ - رد شبه مصادر از سوی استاد معرفت
۱۴۲	۴ - ۹ - ۱ - توصیف شبهات
۱۴۲	۴ - ۹ - ۲ - تحلیل در مورد شبهات
۱۴۴	۴ - ۹ - ۳ - نشانه ای دیگر بر حقانیت رسالت پیامبر
۱۴۵	۴ - ۹ - ۳ - فصل پنجم: نتایج و پیشنهادات
۱۴۶	الف: نتیجه گیری
۱۵۱	ب: پیشنهادات
۱۵۳	فهرست منابع
۱۶۱	الملخص
۱۶۲	چکیده انگلیسی

مقدمه

استاد آیت الله معرفت (ره) از اندیشمندان دین شناس و از مفسران بزرگ معاصر و فقیهی توان اندیش است. دارای آثاری متعدد از جمله سه اثر بزرگ «التمهید» و «علوم قرآنی» و نیز کتاب «شبهات و ردود حول القرآن» هستند، که در این پژوهش محور کار تحقیق می باشند.

استاد معرفت در جلد پنجم «التمهید فی علوم القرآن» که به اعجاز بیانی اختصاص دارد، به ارائه نظریاتی بدیع در قالب وجوه ده گانه ای برای اعجاز بیانی پرداخته اند، که شامل: دقت در بیان، سبک نو و شیوه ی جدید بیانی، دلنشینی کلمات و روانی عبارات، آراستگی نظم و هماهنگی نغمه ها، نمایش معما در آوای حروف، بهم پیوستگی و انسجام در ساختار قرآن، تشبیه های نیکو و تصویر های زیبای قرآن، استعاره های نیکو و زیبا خیالی های قرآن، کنایه ها و تعریض های زیبای قرآن، نکته های تازه و زیبای بدیعی که از جمله نوآوری های آیت الله معرفت در حوزه اعجاز بیانی قرآن بشمار می رود.

آیت الله معرفت در بحث تحدی به ارائه نظراتی بدیع و نو(نوآوری هایی) در رابطه با مراحل تحدی که شامل مواردی مانند تحدی به مثل قرآن به صورت مطلق، تحدی به ده سوره، تحدی به یک سوره، عام یا خاص بودن دامنه تحدی، امکان پذیر بودن تحدی در سخن البته نه عین سخن بلکه سخنی که امتیازات سخن مورد ادعا را داشته باشد پرداخته است.

آیت الله معرفت در بحث نزول بعد از آوردن نظرات مختلف در رابطه با نزول قرآن و روشن نمودن نقاط ضعف آنها به ارائه ی نظراتی بدیع (نوآوری هایی) در رابطه با آغاز نزول، دوران فترت، مدت نزول، اولین آیه و سوره، آخرین آیه و سوره، سوره های مکی و مدنی و فواید شناخت آنها، معیار و ملاک تشخیص سوره های مکی و مدنی، شبهات وارده در باره مکی و مدنی بودن سوره ها، ترتیب نزول، سوره های مورد اختلاف، اسباب نزول، سبب نزول یا شان نزول، تنزیل و تاویل، استفاده فقهی از شان نزول و تنزیل و تاویل، تعداد سوره ها و آیات قرآن و همچنین حل تناقض بدوی میان شب مبعث یعنی شب ۲۷ رجب که بالطبع به معنای آغاز نزول قرآن است و شب قدر که بنا به تصریح قرآن کریم شب نزول قرآن است.

آیت الله معرفت معتقدند مقصود از «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر، ۱) آغاز نزول رسمی قرآن در شب قدر است و آنچه در شب مبعث اتفاق افتاد صرفاً برای اعلام آغاز رسالت بوده است و

همچنین اثبات بحث تدریجی بودن نزول و رد نزول دفعی قرآن پرداخته است. در این پژوهش تلاش بر این است که ضمن بررسی سه موضوع اعجاز بیانی و تحدی قرآن و نزول قرآن از لحاظ لغوی و اصطلاحی و با استناد به آراء مفسران، محور تحقیق کتاب های آیت الله معرفت و آراء نوین وی باشد.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ - بیان مسأله تحقیق

۱.۱ اعجاز بیانی

استاد آیت الله معرفت (ره) در جلد پنجم «التمهید فی علوم القرآن» که به اعجاز بیانی اختصاص دارد به ارائه نظریاتی بدیع در قالب وجوه ده گانه ای برای اعجاز بیانی پرداخته اند. این نظریان نوین شامل: دقت در بیان، سبک نو و شیوه ی جدید بیانی، دلنشینی کلمات و روانی عبارات، آراستگی نظم و هماهنگی نغمه ها، نمایش معما در آوای حروف، بهم پیوستگی و انسجام در ساختار قرآن، تشبیه های نیکو و تصویر های زیبای قرآن، استعاره های نیکو و زیبا خیالی های قرآن، کنایه ها و تعریض های زیبای قرآن، نکته های تازه و زیبای بدیعی که از جمله نوآوری های آیت الله معرفت در حوزه اعجاز بیانی قرآن بشمار می رود. که تا به حال کتابی به جامعیت و گستردگی آن در اعجاز بیانی تالیف نشده است. استاد از اعجاز بیانی تعبیر دیگری نیز دارند، با عنوان «بدیع نظمه و عجیب رصفه»، یعنی نظم نو و چینش شگفت قرآن که وجوه ده گانه در ذیل این عنوان آمده است^۱.

ب: تحدی قرآن از دیدگاه آیت الله معرفت:

آیت الله معرفت در بحث تحدی به ارائه نظرانی بدیع و نو(نوآوری هایی) در رابطه با مراحل تحدی که شامل مواردی مانند تحدی به مثل قرآن به صورت مطلق، تحدی به ده سوره، تحدی به یک سوره، عام یا خاص بودن دامنه تحدی، امکان پذیر بودن تحدی در سخن البته نه عین سخن بلکه سخنی که امتیازات سخن مورد ادعا را داشته باشد پرداخته است.

تحدی به معنای هم آورد خواستن است. قرآن مکرراً نا باوران را به مبارزه و هموردی خوانده، گوید: «اگر باور

ندارید که این قرآن سخن خدا باشد و گمان می برید ساخته و پرداخته دست بشر است، هر آینه آزمایش آن آسان است، سخن دانان و سخن وران خود را وادارید تا در این راستا نیروی خود را به کار گیرند و سخنی هم چون قرآن، زیبا و شیوا، محکم و استوار، و حکمت وار، بسازند و ارائه دهند؛ ولی هرگز چنین اقدامی نتوانید کرد، زیرا به خوبی می دانید که قرآن همانند سخن بشر نیست ..».

۱ - خرقانی حسن، اعجاز بیانی از دیدگاه آیت الله معرفت، سایت معارف وحی و خرد، maref.ir

قرآن کریم گام به گام مخالفان خود را به مبارزه طلبیده است که اگر تصور می‌کنید قرآن دست ساخته بشر است شما نیز گفتاری مثل آن بیاورید. سپس همین نمود که ده سوره ساختگی بیاورید. بار دیگر در تأکید بر ناتوانی آنان فرمود یک سوره نیز بیاورید کافی است و سرانجام با قاطعیت اعلام کرد که هرگز نخواهید توانست همانند قرآن بیاورید و اکنون تحدی قرآن به صورت عام متوجه تمامی بشریت است که اگر جن و انس گرد هم آیند، یارای مثل آوردن قرآن را ندارند.

در ادامه مباحث مربوط به تحدی استاد اثبات می‌کنند که دایره تحدی عام است و عصر حاضر را نیز شامل می‌شود و در بحث دیگری تبیین می‌کنند که تحدی در سخن امکان‌پذیر است؛ زیرا منظور آوردن عین آن سخن نیست بلکه سخنی است که امتیازات سخن مورد ادعا را داشته باشد^۱.

ج: دیدگاه آیت الله معرفت در باره نزول قرآن

نزول قرآن

آیت الله معرفت در بحث نزول بعد از آوردن نظرات مختلف در رابطه با نزول قرآن و روشن نمودن نقاط ضعف آنها به ارائه ی نظراتی بدیع (نوآوری‌هایی) در رابطه با آغاز نزول، دوران فترت، مدت نزول، اولین آیه و سوره، آخرین آیه و سوره، سوره های مکی و مدنی و فواید شناخت آنها، معیار و ملاک تشخیص سوره های مکی و مدنی، شبهات وارده در باره مکی و مدنی بودن سوره ها، ترتیب نزول، سوره های مورد اختلاف، اسباب نزول، سبب نزول یا شان نزول، تنزیل و تاویل، استفاده فقهی از شان نزول و تنزیل و تاویل، تعداد سوره ها و آیات قرآن و همچنین حل تناقض بدوی میان شب مبعث یعنی شب ۲۷ رجب که بالطبع به معنای آغاز نزول قرآن است و شب قدر که بنا به تصریح قرآن کریم شب نزول قرآن است ایشان معتقدند مقصود از انا انزلناه فی لیلہ القدر آغاز نزول رسمی قرآن در شب قدر است و آنچه در شب مبعث اتفاق افتاد صرفاً برای اعلام آغاز رسالت بوده است و همچنین اثبات بحث تدریجی بودن نزول و رد نزول دفعی قرآن پرداخته است.

آیت الله معرفت در پاسخ به این پرسش که چگونه نزول قرآن در شب قدر انجام گرفته است در حالی که در مدت ۲۳ سال نجومی؛ یعنی قطعه قطعه و در مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای

۱ - معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۰، ص ۳۰۹ تا ۳۱۵.

گوناگون نازل شده است؟ می‌نویسد: «ظاهر آیه شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... (بقره، آیه ۱۸۵) ابتدای نزول را می‌رساند، از این رو بیشتر مفسران آیه شریفه را این‌گونه تفسیر کرده‌اند ای بدأ نزول القرآن فیه.

آیت‌الله معرفت میان سبب نزول و شأن نزول تفاوت قائل شده است، به نظر ایشان سبب نزول عاملی است که در وقت حضور آیه حضور داشته است و شأن نزول اعم از آن است و لذا عاملی را که مربوط به گذشته است در بر می‌گیرد. شأن نزول مشکلی است که آیه در حل و توضیح آن یا عبرت‌گیری از آن نازل شده است، نظیر داستان‌های انبیاء گذشته. : آیت‌الله معرفت می‌نویسد: «عبارت «نزل فی کذا» در سخنان صحابه و تابعان اعم از سبب نزول است. گاهی مراد از آن سبب نزول، گاهی واقعه‌ای در گذشته و گاهی حکم شرعی است؛ چنانکه زرکشی و سیوطی نیز همین نظر را در گذشته داشته‌اند^۱ قرآن مجموعه آیات و سوره‌های نازل شده بر پیامبر اسلام است که پیش از هجرت و پس از آن در مناسبت‌های

مختلف و پیش آمده‌های گوناگون به طور پراکنده نازل شده است. سپس گردآوری شده و به صورت مجموعه کتاب درآمده است. نزول قرآن تدریجی، آیه آیه و سوره سوره، بوده و تا آخرین سال حیات پیامبر (ص) ادامه داشته است.

۱-۲- بیان اهمیت موضوع

الف: اعجاز بیانی

از مباحث مهم و پر دامنه در علوم قرآن که با مسائل اعتقادی و علم کلام نیز پیوند خورده است و دانش‌های گوناگون از جمله علوم ادبی را به خدمت می‌گیرد، مبحث «اعجاز قرآن» است. اعجاز بیانی عامل مهم جذابیت قرآن در سبک نظم و آهنگ آن است این عوامل سنگ بنیادین ساختار سحر انگیز قرآن را تشکیل می‌دهند. این ویژگی‌های قرآنی چنان به هم آمیخته و درهم ریخته‌اند که نمی‌توان نقش هریک را در جذابیت قرآن جدا نشانه رفت. دیدگاه اعجاز بیانی از مشهورترین و فراگیرترین رویکردها در حوزه اعجاز قرآن است که بازتاب و تأثیر فراوانی در حوزه مطالعات کلامی، ادبی و تفسیری داشته و مجموعه‌ای وسیع از مجادلات و مباحثات را گرد خود پدید آورده است.

۱ - همان، صص ۶۰-۶۱)

این دیدگاه بر این فرض استوار است که ساختار بیانی قرآن با برخورداری از ویژگی‌های مافوق بشری، عجز بشر از هماوردی با آن را در پی داشته و بی‌پاسخ ماندن تحدی قرآن که در بیشتر موارد ناظر به همین ساختار بیانی است، بهترین دلیل بر درستی این مدعاست، بنابراین اعجاز بیانی در واقع از وجوه تحدی به شمار می‌آید که نسبت به وجوه دیگر از شهرت و پشتوانه مطالعاتی بیشتری برخوردار است.

درباره وجوه اعجاز قرآن دیدگاه‌های گوناگون از گذشته وجود داشته است و در عصر حاضر توسعه چشمگیری یافته و وجوه گوناگون دیگری به آن افزوده شده است. از جمله جلال‌الدین سیوطی بسیاری از انواع علوم قرآن را که در الاتقان خود آورده است، در کتاب معترک الاقران فی اعجاز القرآن^۱ به عنوان وجوه امتیاز قرآن شماره می‌کند و در عصر حاضر تک‌نگاری‌های فراوانی در موضوعاتی همچون اعجاز علمی، اعجاز طبّی، اعجاز ریاضی یا عددی، اعجاز روانشناسی و ... به چشم می‌خورد.

البته، اعجاز بیانی قرآن در سبک عالی و نظم زیبا و آرایه‌های لفظی منحصر نیست. این همه جزئی از زیبایی و شکوه قرآن است و در پس این قالب زیبا سببی قوی‌تر وجود دارد که همان معنای بلند و روح جانفزای قرآن است. چنین ترکیبی در دیگر سخنان کمیاب بلکه نایاب است. استاد هادی معرفت از اندیشمندان، و دین‌شناسان و عالمان به علم تفسیر در عصر کنونی است که توانسته از طریق تالیفات متعدد خود در زمینه تفسیر و علوم قرآنی مطالب پیچیده و محل توافق و موارد اختلاف مفسران را به ویژه اعجاز بیانی قرآن را در کتاب مشهور خود "التمهید فی علوم القرآن" به شکلی دقیق مورد بررسی خود قرار دهد.^۱

ب: تحدی

مهمترین دلیل بر اعجاز قرآن بحث تحدی است که قرآن نیز به آن اشاره دارد که ابتدا از آوردن کتابی مانند قرآن شروع می‌شود و بعد به چند سوره و یک سوره و در نهایت به یک آیه منتهی می‌شود اما تاکنون بعد از ۱۴۰۰ سال از آن ماجرا دیده می‌شود که چنین امری هرگز اتفاق نیفتاده و اتفاق نخواهد افتاد.

۱ - نصیری، علی؛ معرفت قرآنی (یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)) جلد سوم، تهران: سازمان انتشارات

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ش، ص ۵

براساس دیدگاه یاد شده موضوع تحدی آوردن «مثل قرآن» است و قرآن همانند هر سخنی دارای دو بخش است: شکل ظاهری کلام که در قالب الفاظ و واژگان پدیدار می‌شود و معانی و مدلول‌هایی که در دل واژگان و عبارات کلام جای دارد. زمانی که برای شناخت حقیقت قرآن به توصیف‌ها و تعبیرهای این کتاب آسمانی درباره خود رجوع می‌کنیم درمی‌یابیم که قریب به اتفاق این اوصاف بیانگر ویژگی‌ها و جنبه‌های مربوط به محتوا، مدلول و معنای قرآن است و نه وصف واژگان و عبارات و جنبه‌های ادبی - زبانی آیات. به سخنی دیگر هدایت‌گری، بیانگر همه چیز بودن، حکمت‌آمیز بودن، نور و بصائر بودن و ... ویژگی‌های علوم و معارفی است که در قالب آیات و سوره پدید آمده است.

نکته بسیار مهم این است که فراگیر بودن تحدی قرآن که شامل امت‌های غیر عرب‌زبان می‌شود نیز از دلایل این نظر یاد شده است.

براساس نظر استاد آیت الله معرفت (ره) این امر به نوع مخاطبان بستگی دارد. آنجا که خطاب متوجه عرب‌زبانان به ویژه اعراب آن دوران است که سخنوری پیشینه آنان بود، تحدی قرآن مخصوص جنبه فصاحتی و بلاغتی و نظم نو و سبک شگفت آن است اما پس از آن که ندای قرآن به تمامی بشریت رسید و همگی مخاطب قرآن واقع شدند، تحدی قرآن به تمامی وجوه اعجاز آن تعلق گرفته است؟ زیرا قرآن معجزه اسلام برای همه دوران‌ها همه نسل‌ها و تمامی اقشار مردم با همه دانش‌ها، هنرها و فرهنگ‌ها است.

ج: نزول قرآن

از مهمترین و بلکه اصلی‌ترین مباحث علوم قرآنی است. که اندیشمندان و دین‌شناسان به ویژه استاد معرفت در کتاب التمهید خود به آن پرداخته و دیدگاه‌های متفاوت مفسران و نویسندگان را مقایسه و نتیجه‌گیری کرده است.

۱-۳- بیان جنبه‌های مجهول و مبهم مسأله

شکی نیست که سه مسئله، اعجاز بیانی، تحدی و نزول قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی و علم کلام نیز بشمار می‌آیند. از آغاز پیدایش مباحث علوم قرآنی تا کنون این سه مسئله مهم در میان مفسران و اندیشمندان دینی مورد بحث و کنکاش بوده و پیرامون آن اختلاف نظرهای متعدد و گاهی متفاوت وجود صورت گرفته و تاکنون نیز ادامه دارد.

الف: جنبه های مجهول اعجاز بیانی قرآن کریم

اینکه اعجاز بیانی در میان وجوه اعجاز قرآن چه جایگاهی دارد که این مسئله مبتنی بر مسئله ی تحدی قرآن است. قرآن که دیگران را به مبارزه می طلبد که همانند ان بیاورند ناظر به چه بعدی از ابعاد این کتاب کریم است ایا این تحدی تمامی ابعاد را شامل میشود اعم از بیانی، علمی، اخبار غیبی، محتوایی و تشریحی عدم اختلاف و ناسازگاری و دیگر وجوهی که اعجاز پژوهان بدست آورده اند یا شامل بعد خاصی است که مثلا بیانی یا محتوایی باشد. که بر اساس نظر استاد آیت الله معرفت (ره) این امر به نوع مخاطبان بستگی دارد. آنجا که خطاب متوجه عرب زبانان به ویژه اعراب آن دوران است که سخنوری پیشینه آنان بستگی دارد. آنجا که خطاب فصاحتی و بلاغتی و نظم نو و سبک شگفت آن است اما پس از آن که ندای قرآن به تمامی بشریت سید و همگی مخاطب قرآن واقع شدند، تحدی قرآن به تمامی وجوه اعجاز آن تعلق گرفته است؟ زیرا قرآن معجزه اسلام برای همه دوران ها همه نسل ها و تمامی اقشار مردم با همه دانش ها، هنرها و فرهنگ ها است.

استاد معرفت در زمینه ضرورت بحث در علوم قرآنی می نویسد: ضرورت بحث از آن جهت است که تا قرآن کاملا شناخته نشود، و ثابت نگردد که کلام الهی است، پی جوئی محتوای آن مورد ندارد، برای رسیدن به نص اصلی که بر پیامبر (ص) نازل شده، باید روشن کرد که آیا تمامی قرائت ها یا برخی از آنها است که ما را به آن نص هدایت می کند؟ همچنین در مسأله نسخ، تشخیص آیه منسوخ از ناسخ یک ضرورت است. البته نسخ به معنی اعم که شامل تخصیص و تقیید نیز می باشد، چنانکه در کلام پیشینیان نیز آمده است، همچنین مسأله تشابهات در قرآن که بدون تشخیص این جهت در آیات، استنباط احکام و استفاده از مفاهیم عالیه قرآن به درستی ممکن نیست و هر یک از مسائل علوم قرآنی در جای خود نقش مهمی در بهره گیری از محتوای قرآن ایفاء می کند، برخی از این مسائل از مبادی تصویری و برخی از مبادی تصدیقیه به شمار می روند.^۱

استاد معرفت در کتاب «التمهید فی علوم القرآن» و دیگر آثار خود، علوم قرآن را به سبک بررسی های تاریخی مورد کاوش قرار داده است.

۱ - معرفت محمدهادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۰، ص ۸.

ولی هیچ کدام نمی‌تواند بیانگر ماهیت علوم قرآن باشد، چرا که علوم قرآن، حتی به معنای خاص آن، در اساس متنوع، و دارای چیستی‌های مختلف است، و طبعاً همه آن‌ها نمی‌تواند یک ماهیت داشته باشد، و در حقیقت علوم قرآن مجموعه‌ای است از علوم عقلی و نقلی. دانش‌های صرف، نحو، لغت و بلاغت جنبه نقلی دارند. مباحث تاریخ قرآن، شناخت آیات، اسباب النزول و تفسیر روایی نیز نقلی است. مباحث ضرورت وحی، تحریف ناپذیری، اعجاز و تفسیر قرآن، آمیزه‌ای از عقل و نقل است. مباحث مربوط به علم کلام، در بخش توحید، و بسیاری از مباحث علم اصول الفقه عقلی است. علوم مستفاد از قرآن، از مقوله همان علمی است، که از قرآن استنتاج شده است. بنابراین در هر یک از مباحث قرآنی می‌بایست، شیوه خاص آن دانش را پی گرفت، تا دچار سردرگمی و اشتباه نشویم^۱.

ب: جنبه های مجهول تحدی در قرآن کریم

در این پژوهش سعی شده است نوع و ماهیت و ابعاد تحدی قرآن مورد بررسی قرار گیرد. مطالبی از قبیل: انواع تحدی و هم‌آورد طلبی، کل قرآن، ده سوره قرآن، یک سوره، تحدی قرآن به علم و معرفت، تحدی به اینکه در آن اختلافی نیست، تحدی به اخبار غیبی ضمن مراجعه به کتب علوم قرآنی و تبیین دیدگاه معرفت در خصوص تحدی مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

یکی از نقدهای استاد این بود که اگر تنها محتوا ملاک باشد تمام آنچه را انبیاء(ع)، پیامبر اسلام(ص)، حضرت امیر و امامان معصوم(ع) آورده‌اند قابل تحدی است حتی آنچه را حکما آورده‌اند در زمان خود قابل تحدی است.

چالش دیگری که بر سر راه اعجاز بیانی قرار دارد آن است که آیا اصولاً تحدی در برتری سخن امکان‌پذیر است یا خیر؟ این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که توان سخنوری و شیوه گفتاری در همه مردم یکسان نیست و این امر بر حسب ذوق و سلیقه و نحوه اندیشه و بینش هر فرد و نیز بهره‌های خدادادی و اکتسابی او تفاوت می‌کند؛

از این‌رو، شیوه‌های گفتاری و نوشتاری هر نویسنده با دیگری همسان نخواهد بود. لذا چگونه می‌توان مردم را به آوردن همانند قرآن فراخواند و حال آن که آنان از هم‌آوردی با یکدیگر نیز عاجزند.

۱ - میدی، محمد فاکر، علوم قرآنی از دیدگاه آیت الله معرفت، نشریات پیام جاویدان، ۱۳۹۱، ص ۳

در جواب باید گفت که هم‌اوردی خواستن در آن نیست که سخنی همسان و همانند سخن خدا بیاورند، به‌گونه‌ای که در شیوه بیان و نحوه تعبیر کاملاً همانند باشد؛ زیرا این‌گونه همانندی جز با تقلید امکان‌پذیر نیست. بلکه مقصود از تحدی آوردن سخنی است که همچون قرآن از نظر معنویت والا بوده و در درجه اعلا فصاحت و بلاغت قرار گرفته باشد.

دانشمندان علم بیان براساس معیارهایی مشخص مراتب سخن را در پستی و بلندی معین نموده‌اند و برتری سخنی بر سخن دیگر بر پایه همین معیارها سنجیده می‌شود. آنچه در این‌جا مطرح است همسان بودن در درجه و رتبه فضیلت کلام است، همان‌گونه که دو قصیده شعری یا نوشته ادبی مقایسه و برتری یکی بر دیگری روشن می‌شود. چنین مقایسه‌ای بر پایه قدرت بیانی و رسایی سخن و اعمال نکات و دقایق سخنوری و سخن‌سنجی استوار است.^۱

ج: جنبه های مجهول نزول

در این پژوهش به جنبه های مجهول مسئله از لحاظ نزول قرآن پرداخته می‌شود. در خصوص نحوه نزول قرآن، تاریخ نزول قرآن، کیفیت و شأن نزول قرآن میان مفسران و دین پژوهان اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد. از جمله:

قرآن متضمن ناسخ و منسوخ نیز هست. و این مطلب نیز اقتضا می‌کرد که قرآن به تدریج نازل گردد. همچنین قرآن حاوی پاسخ به پرسش‌ها و یا انکار موضوعاتی است که گاه در ذهن‌ها پدید می‌آید و به آن پرسش یا انکار جواب می‌دهد. تمام این‌ها اقتضا می‌کند که نزول قرآن تدریجی باشد. البته در علم خدای تعالی راجع به تدریجی بودن نزول آیات حکمت‌های دیگری هم هست که ما هنوز به آن احاطه علمی نیافته‌ایم.^۲

در این پژوهش تلاش بر این است که معنای انزال و تنزیل که در تبیین ماهیت نزول قرآن تاثیر دارد با استناد به برخی از آیات و کتب لغت و تفسیر مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. زیرا در لغت تنزیل یعنی فرو فرستادن، ولی در اصطلاح عبارت از ظهور قرآن بر حسب احتیاج امت اسلامی است به واسطه جبرئیل بر قلب پیامبر اکرم. و فرق میان انزال و تنزیل که هر دو در قرآن مجید آمده است این است که انزال را در مورد امری ناگهانی و دفعی بکار می‌برند در حالی که

۱ - معرفت، محمدهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، صص ۲۷-۲۵؛ آیت الله معرفت، محمدهادی معرفت

علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۰، صص ۳۷۳-۳۷۱.

۲ - رادمنش، آشنایی با علوم قرآنی، ص: ۹۹.

تنزیل در تدریج به کار می‌رود. ^۱ مفسران و اهل لغت گفتند: آنجا که «انزال» فرمود اشاره به روایت معروف است که نخست همه قرآن یکباره بر آسمان دنیا فرود آمد، و از آنجا بود که به تدریج و پاره پاره «نجم نجم» بر پیامبر اکرم فرود می‌آمد، و از این مرحله به «تنزیل» عبارت کرد. برای روشن شدن مطلب بخشی از شرح آیه ۱۸۵ سوره بقره را با هم می‌خوانیم: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، چون قرآن به ماه رمضان فرود آمد به دگر ماه‌ها چه آمد؟ گفت: خدای تعالی قرآن در ماه رمضان در شب قدر از لوح محفوظ به آسمان دنیا فرستاد به یک بار، آنکه جبرئیل از آنجا نجم نجم می‌آورد به حسب حاجت و مصلحت در بیست و سه سال.^۲

۴-۱- پیشینه تحقیق

۴-۱-۱- پیشینه اعجاز بیانی

مسأله «اعجاز قرآن» از دیر زمان مورد بحث و نظر دانش مندان بوده است. شاید اولین کسی که در این زمینه بحث کرده و مسأله را به صورت کتاب یا یک رساله درآورده - طبق گفته ابن ندیم - محمد بن زید واسطی (متوفای ۳۰۷) است. وی از بزرگان اهل کلام می‌باشد و کتاب‌هایی در این زمینه به نام «الإمامه» و «اعجاز القرآن فی نظمه و تألیفه» نگاشته است. برخی پیش از او، ابو عبیده معمر بن المثنی (متوفای ۲۰۹) را یاد می‌کنند؛ او کتابی در دو مجلد درباره اعجاز قرآن نوشته است. هم‌چنین ابو عبید قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۴) کتابی در اعجاز قرآن دارد. اما این نوشته‌ها اکنون در دست نیست. قدیمی‌ترین اثری که در این زمینه در دست است، رساله «بیان اعجاز القرآن» نوشته ابو سلیمان حمد بن محمد بن ابراهیم خطابی بُستی (متوفای ۳۸۸) است این اثر ضمن مجموعه‌ای با عنوان «ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن» اخیراً به چاپ رسیده است. مؤلف این رساله، مسأله اعجاز القرآن را از بُعد «بیانی» با شیوه‌ای جالب مطرح ساخته و درباره انتخاب واژه‌ها در قرآن و نکته‌سنجی‌ها متناسب و هم‌آهنگ سخن گفته و برجستگی قرآن را در این انتخاب و چینش شگفت‌آور کاملاً آشکار ساخته و به خوبی از عهده آن برآمده است.^۳

۱ - جرجانی، تعریفات، ۶۰-۶۱. در مفردات راغب ۴۸۹

۲ - حلبی، آشنایی با علوم قرآنی، ص: ۲۵.

۳ - عائشه عبد الرحمن بنت الشاطی، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶،

ص ۲۳۷-۲۳۳

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و سه گفتار است. مؤلف در مقدمه کتاب به بیان سیر اجمالی آراء و نظریات و تألیفاتی که در این عرصه خود را نشان داده‌اند و همچنین به معرفی کتاب خود می‌پردازد. وی در گفتار اول مسائل معجزه، اعجاز و تحدی قرآنی، وجوه اعجاز و بیان قرآن، و تلاشهای علمای بلاغت در زمینه پرده برداشتن از اعجاز قرآن و وجوه آن را مورد بحث قرار می‌دهد و خود نظریه اعجاز به بیان و بلاغت را بر می‌گزیند و آن را تقویت و تبیین می‌کند.

۱-۴-۲ - پیشینه بحث تحدی

در خصوص تحدی که از ویژگی‌های اعجاز قرآن کریم است در بررسی علوم قرآن اغلب نویسندگان و محققان به ویژه اهل تفسیر به صورت ضمنی و گاهی مستقل مطالب ارزنده‌ای به رشته تحریر در آوردند. از جمله:

۱ - محمد هادی معرفت، تحدی قرآن، کتاب علوم قرآنی،

در این قسمت از کتاب در باره تحدی، دامنه تحدی، مراحل تحدی، تحدی در برتری سخن، دلائلی نیز با استناد به آیات و روایات و ایده‌های مفسران و دین پژوهان نوع تحدی در قرآن را یاد آور شده است و بیان می‌دارد:

تحدی و هم آورد خواستن قرآن فراگیر است، همه جهانیان را شامل می‌شود و دامنه آن برای همیشه گسترده است، همان گونه که برای دیروز بوده برای امروز و فردا نیز پابرجا است ولی برخی را گمان است که تحدی قرآن مخصوص همان دوره اول بوده، مخاطبین آن عهد مورد تحدی قرار گرفته‌اند و این امر تا امروز گسترش ندارد، گرچه دلیل اعجاز قرآن - که همان عجز عرب آن روز است - برای همیشه است یعنی امروزه برای اثبات اعجاز قرآن، به عجز فصحای عرب معاصر نزول که از مقابله و معارضه با آن ناتوان بودند، استدلال باید کرد، و هرگز فصحا و سخن دانان همه دوره‌ها مورد تحدی قرار نگرفته‌اند^۱

۲ - فتح الله نجارزادگان، محمد مهدی شاه مرادی، معیار شناسی مثلیت در آیات تحدی قرآن، شماره ۸۸ - بهار و تابستان ۱۳۹۱ش. مجله قرآن پژوهی.

تحدی قرآن شامل صورت و محتوا، به خدایی بودن آن ناظر است و مثلیت در آیات تحدی یعنی هم‌عیاری و هم‌وزنی با آیات قرآن در آنچه آورده می‌شود.

۱ - (معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، التمهید، چ اول، ۷۸، ص ۳۷۲).

۳ - سید مصطفی فاطمی کیا، مراحل و اقسام تحدی در قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۳۰ /۱۱/ ۱۳۹۰ ش.

در این مقاله آمده است: یکی از دلایل اعجاز قرآن کریم تحدی است که دانشمندان علوم قرآن در ضمن مبحث اعجاز به آن پرداخته‌اند. مبارزه طلبی قرآن، به دو صورت کلی و جزئی بیان شده است

۴ - عبدالعزیز عبدالمعطی عرفه: قضیه الاعجاز القرآنی و اثرها فی تدوین البلاغۃ العربیة، بیروت، عالم الکتاب، ص ۶۱، مجله پژوهش های قرآنی
در این کتاب، نظریات مختلف درباره علل تفاوت (متحدی به) در این آیات را بیان می کند و سپس دیدگاه برگزیده را ارائه می دارد: .

۱- ۴- ۳- پیشنهادی بحث نزول قرآن

این بحث توسط پیشینیان همچون صدوق با اعتقاد به نزول دفعی و تدریجی مطرح شده و شیخ مفید بر ضد وی سخن گفته و سید مرتضی نیز در «ذُررالقلاند» بسیار در این باره سخن گفته است. چنان که فیض کاشانی معتقد است نزول قرآن در شب قدر، به معنای تفسیر آن برای امام عصر است. علامه طباطبایی نیز در المیزان، از آیات بسیاری برداشتی عرفانی می کند که: قرآن حقیقتی غیر قابل فهم برای بشر عادی است (لا یمسّه الا المطهرون) و همین حقیقت بر پیامبر در شب قدر فرو فرستاده شده است.

۱- ۵ - معرفی اهمّ کتبی که با این عنوان یا عناوین مشابه

۱ - السیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، کتاب الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۹۹۱ م.

اثر جامع و عالمانه‌ای است در معرفی علوم قرآنی و جنبه‌های گوناگون مطالعه و پژوهش درباره قرآن مجید. این کتاب، از جامع‌ترین و کامل‌ترین کتب در زمینه علوم قرآن و تحقیقات وابسته به آن است.

۲ - زرکشی، بدرالدین محمدبن بهادر، البرهان فی علوم القرآن زرکشی، محقق: مرعشلی، یوسف عبدالرحمن، بیروت: دار المعرفة، ۱۹۹۸ م.

نخستین کتاب مستقل درباره علوم قرآنی تألیف بدرالدین محمدبن بهادر زرکشی (۷۴۵-۷۹۴). این کتاب، که چکیده ای از آرای محققان متقدم است و به زبان عربی تألیف شده، مشتمل است

بر: مقدمه، دو فصل، و ۴۷ باب. فصل اول درباره کلیات تفسیر، مانند انواع تفسیر، و فصل دوم درباره علوم قرآنی و منشأ آن است که بر مبنای نظریات مختلف علما، وجوه گوناگونی درباره آن مطرح شده است.

۳ - بنت الشاطبی، عائشه عبد الرحمن، الاعجاز البیانی، القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۸۴م.

الاعجاز البیانی للقران الکریم و مسائل ابن ازرق، ۱۳۴۱ ش / ۱۹۶۲، و چاپ جدید آن با اضافات در ۱۳۶۳ ش / ۱۹۸۴. وی در این کتاب پس از بررسی تاریخچه بحث اعجاز بیانی و بلاغی قرآن، آن را تنها و مهمترین نوع اعجاز مورد اتفاق در میان دانشمندان می داند و سپس می کوشد با ذکر نمونه هایی از بلاغت قرآن نشان دهد که هیچ مترادفی در واژگان قرآن یافت نمی شود و جایگزینی کلمات با یکدیگر امکان ندارد؛ هیچ حرفی زائد یا صرفاً مؤکد نیست و یا برای پیوند کلمات یا تصحیح وزن کلام نیامده است، بلکه همه حروف نقشی معنایی دارند.

۴ - آیت الله معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۳۷۳ ش. در موضوع علوم قرآن و در شش مجلد به رشته تحریر در آمده است.

جلد اول علاوه بر مقدمه، شامل دو بخش می باشد. استاد بخش اول را با نام «الوحی و القرآن» «وحی و قرآن» به بررسی دو پدیده وحی و نزول قرآن اختصاص داده اند. ایشان در بخش دوم با نام «تاریخ القرآن» «تاریخ قرآن»، دوران جمع آوری قرآن و یکسان سازی مصاحف را بررسی کرده اند. جلد دوم کتاب نیز در دو بخش تنظیم شده و در آن موضوع «قراءات» و «نسخ» بررسی شده است.

آیت الله معرفت در جلد سوم کتاب التمهید به موضوع محکم و مشابه در قرآن پرداخته است. آیت الله معرفت در جلد چهارم به بحث انواع و ابعاد اعجاز قرآن پرداخته است همچنین مباحثی از قبیل مفهوم اعجاز، مراحل تحدی، ابعاد قرآنی، و مباحث دیگر را ذکر و قول به صرفه مورد بررسی قرا داده است.

در جلد پنجم به بیان ابعاد اعجاز بیانی در حوزه نظم و چینش عجیب قرآن پرداخته و همگام با برخی از اصحاب فنون بلاغی و قراءات بر آهنگ درونی کلمات و آیات قرآنی و نیز سازی های زنده قرآن به عنوان جلوه هایی از اعجاز بیانی قرآن تاکید می کنند.

ایشان در جلد ششم التمهید به موضوع اعجاز علمی و اعجاز تشریحی قرآن پرداخته اند.

۶- معرفی اهمّ پایان نامه هایی که با این عنوان یا عناوین مشابه

پایان نامه کارشناسی ارشد: نویسنده اکبر زرگرزاده، «تحلیل و بررسی دیدگاه آیت الله معرفت در زمینه کارایی قرآن در دوره معاصر، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه قم - دانشکده الهیات و معارف اسلامی . ۱۳۹۰

این پژوهش درباره کارایی قرآن در عصر معاصر می باشد . در فصل کلیات برای اثبات کارایی قرآن در دوره معاصر به سه موضوع نسخ، جاودانگی و خاتمیت پیامبر اسلام (ص) پرداخته شده است. در ادامه در پژوهش به بررسی موضوعاتی نظیر کارایی قرآن درباره آیات گذشته، کارایی قرآن در زمینه آیات به ظاهر مخالف علم، کارایی قرآن درباره آیات مخالف حقوق بشر و عدم دسترسی غیر خدا به علم این امور با توجه به آیه آخر سوره لقمان بحث شده است. همچنین در این بخش درباره چگونگی سخن گفتن مورچه، عمومیت در قانون زوجیت، مراحل شکل گیری جنین انسان، پرتاپ شدن شهاب ها به شیاطن در آسمان، آسمان های هفتگانه و زمین، به بررسی نظرات آیت الله معرفت پرداخته شده است. با توجه به ملاکات کلی و اغراض معارف و احکام قرآن و کارآمدی قرآن در دوره ی معاصر تایید می شود.

پایان نامه کارشناسی ارشد: نویسنده مریم فخاری، «بررسی تطبیقی اعجاز قرآن از دیدگاه علامه طباطبای و آیت الله معرفت»، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، دانشکده اصول دین، ۱۳۹۲

در این پژوهش که به بررسی اعجاز قرآن اختصاص دارد برای اولین بار کوشش شده است تا با جمع آوری و بررسی تطبیقی دیدگاه های دو دانشمند بزرگ قرآنی، علامه طباطبائی و آیت الله معرفت این ویژگی منحصر به فرد قرآنی به تفصیل - والبته با بضاعت نگارنده - تبیین شود. بنابراین فصول پنج گانه زیر طراحی شده است: در فصل اول، کلیات پژوهش است، که پس از بیان مسائل بنیادین پژوهشی با نگاهی گذرا برزیست نامه ی آن دو بزرگوار پرداخته شده است . آن گاه معنای لغوی و اصطلاحی اعجاز بررسی شده است. از فصل دوم به بعد، کوشش شده است تا مهمترین وجوه اعجاز معرفی و بررسی شود، که نخستین آن - بی تردید - اعجاز بیانی است . فصل دوم اعجاز بیانی را از دیدگاه علامه و آیت الله در بر دارد، که مفهوم، پیشینه، ابعاد و جنبه های اعجاز بیانی و در پایان مهمترین شبهات این حوزه تحلیل و بررسی شده است . فصل سوم به یکی دیگر از وجوه اعجاز، اعجاز علمی پرداخته شده است، در این میان علاوه بر بیان مفهوم، پیشینه، و نظریات علامه و آیت الله در پردازش، تبیین و ارائه ی شواهد کافی در میان مجموعه

نگاران علوم قرآنی برجسته میشود. فصل چهارم، به یکی دیگر از جنبه های اعجاز، که البته شاید به راحتی نتوان برای آن پیشینه ای دامنه دار را جستجو کرد، یعنی اعجاز تشریحی پرداخته شده است. که باید آن را بیشتر در میان پژوهش های ارزنده و خجسته محققان معاصر جستجو کرد، علامه و آیت الله نیز بدان استدلال کرده اند و آن را از برجسته ترین جنبه های اعجاز بر شمرده اند. در نهایت در فصل پنجم خاتمه و نتیجه گیری نتایج کلی پژوهش که برآیند نظریات این دو دانشمند قرآنی در اعجاز قرآن منعکس است.

پایان نامه دکترا: دانشجو: عبدالزهرا جلالی، بررسی تطبیقی و نقد وجوه اعجاز از دیدگاه طبرسی و آلوسی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه قم - دانشکده الهیات و معارف اسلامی. ۱۳۸۹ ش.

۱-۷- معرفی اهم مقاله هایی که با این عنوان یا عناوین مشابه

۱ - میدی، محمد فاکر علوم قرآنی از دیدگاه آیت الله معرفت، نشریات پیام جاویدان، 1391 ش.

در این مقاله ضمن بیان فرق علوم قرآنی در آراء اندیشمندان به بحث گذشته شده است و دیدگاه آیت الله معرفت نیز مورد بررسی قرار گرفته شده است. قسم دیگر مقاله به بررسی مرزهای علوم قرآن می پردازد و گستره مباحث علوم قرآن مطرح شده است. فرق علوم و معارف قرآن نیز بخش دیگر از مقاله را به خود اختصاص داده است. در این مقاله زوایای مختلف مباحث علوم قرآن چون علوم لفظی و معنوی، تاریخی و تفسیری، برون قرآنی و درون قرآنی، علوم متصل و مفاسد از قرآن از تقسیمات علوم قرآن دانسته شده است. مؤلف در این مقاله به بحث های دیگری در این باره به اختصار اشاره کرده است که از جمله آنها، ارتباط عترت با علوم قرآن، شیوه بحث در این حوزه می باشد.

۲ - علی معدلی، بررسی و نقد دیدگاه آیه الله معرفت در نزول قرآن، چهارشنبه بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۸۹ ش. مجله پژوهش های قرآنی.

در این مقاله این چنین مطرح شده است علاوه بر نزول تدریجی، آیا نزول دفعی هم برای قرآن بوده یا نه؟ مرحوم استاد محمد هادی معرفت بر این نظر است که قرآن دارای نزول دفعی نمی باشد. ایشان آیه ی نخست سوره ی قدر را به معنای شروع نزول، معنا نموده و دلایلی بیان می نمایند. نظر استاد از این پرسش سرچشمه گرفته است که نزول دفعی به بیت المعمور چه فایده

ای دارد. این نوشته به بررسی موضوع و پاسخ دلایل انحصاری نزول به نزول تدریجی پرداخته است.

مقاله رویکردهای اعجازشناسانه - بیانی قرآن کریم در پنج قرن اول هجری، دکتر احمد پاشا زانوس، دکترای زبان و ادبیات عربی و عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) و خانم منیژه سعیدی.

روش کار در این مقاله تحلیلی - تاریخی است، به این صورت که ابتدا به تعریف معنای لغوی و اصطلاحی اعجاز پرداخته شده است. و سپس رویکردهای قرآن پژوهشان را در خصوص اعجاز قرآن مورد بررسی قرار گرفت. اعجاز بیانی متن قرآنی با روش‌های مختلفی اثبات شده و مهمترین عناصر اعجاز بیانی که اعجاز بلاغی و نظمی است. در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و همچنین در این مقاله عنوان می‌شود که قرآن علی رغم استفاده از اسالیب متداول زبان عربی، تدوینی نو به خود گرفت و شاهکاری ادبی به شمار رفت و به نوعی از قواعد متداول این زبان خروج کرد و این خروج به بهترین شکل در این کتاب نمود یافته است. خروجی که از مظاهر اعجاز در قرآن به شمار می‌رود.

۳ - ناصحیان، علی اصغر؛ جلائیان اکبر نیا، علی؛ بررسی و نقد دیدگاه آیه الله معرفت در نزول قرآن، مجله: الهیات و حقوق « زمستان ۱۳۸۶ - شماره ۲۶، (۲۸ صص ۱۵۱ تا ۱۷۸) علاوه بر نزول تدریجی، آیا نزول دفعی هم برای قرآن بوده یا نه؟ مرحوم استاد محمدهادی معرفت بر این نظر است که قرآن دارای نزول دفعی نمی‌باشد. وی آیه نخست سوره قدر را به معنای شروع نزول، معنا نموده و دلایلی بیان می‌نماید. نظر استاد از این پرسش سرچشمه گرفته است که نزول دفعی به بیت المعمور چه فایده‌ای دارد. این نوشته به بررسی موضوع و پاسخ دلایل انحصار نزول به نزول تدریجی پرداخته است.

۸-۱ - سؤالات تحقیق

الف - سؤال اصلی تحقیق

آقای معرفت چه نوآوری‌های در علوم قرآنی به ویژه اعجازبیانی و تحدی و نزول آورده است؟

ب - سؤالات فرعی تحقیق

۱. آیت الله معرفت در اعجاز بیانی بیشتر به چه سر فصل‌های پرداخته است؟

۲. آیا آیت الله معرفت اعجاز قرآن را محدود در اعجاز بیانی می‌داند؟

۳. تفاوت دیدگاه آیت الله معرفت با سایرین در رابطه با تدریجی یا دفعی بودن نزول قرآن چیست؟

۴. آیت الله معرفت دامنه ی تحدی را تا چه حد می داند؟

۱- ۹ - فرضیه های تحقیق

۱. آیت الله معرفت انواع نوآوری های در علوم قرآنی بویژه اعجاز بیانی و تحدی و نزول آورده است.

۲. آیت الله معرفت در چند سر فصل به اعجاز بیانی و ساختارهای علوم بلاغی پرداخته است.

۳. آیت الله معرفت اعجاز قرآن را محدود در اعجاز بیانی نمی داند.

۴. تفاوت دیدگاه آیت الله معرفت با سایرین در رابطه با تدریجی یا دفعی بودن نزول قرآن است.

۱- ۱۰ - بیان جنبه های نوآوری تحقیق

این پژوهش با توجه به بررسی آراء استاد آیت الله معرفت در خصوص اعجاز بیانی و تحدی و نزول قرآن و تبیین دیدگاه های نقد گونه وی و جنبه های پاسخ گویی آیت الله معرفت به شبهات مطرح شده، جدید و تازه می باشد.

۱- ۱۱ - چارچوب تحقیق

فصل اول: کلیات که شامل بیان و پیشینه و مفاهیم

فصل دوم: اعجاز بیانی از دیدگاه برخی از علما و به ویژه از دیدگاه آیت الله معرفت و بیان نوآوری ایشان در این مورد.

فصل سوم: تحدی از دیدگاه برخی از علما و به ویژه از دیدگاه آیت الله معرفت و بیان نوآوری ایشان در این مورد.

فصل چهارم: نزول از دیدگاه برخی از علما و به ویژه از دیدگاه آیت الله معرفت و بیان نوآوری ایشان در این مورد.

فصل پنجم: جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادات.

۱۲-۱- معنی و مفاهیم و واژگان تحقیق

۱۲-۱-۱- اعجاز

اعجاز مصدر ثلاثی مزید از باب افعال به معنی ناتوان ساختن است در فرهنگ های لغت آمده است: «أَعْجَزَهُ اعْجَازاً [عجزاً] ة»: او را ناتوان کرد یا ناتوان یافت «أَعْجَزَهُ عَنِ الْفَهْمِ»: او را از دریافت مطلب ناتوان کرد، - الشیءُ: آن چیز از او گذشت و بر او دست نیافت، - فی الکَلَامِ: با بهترین روش به سخن پرداخت و ادای معنا کرد.^۱

۱۲-۱-۲- اعجاز بیانی

از مباحث مهم علوم قرآنی، کلام اسلامی و ادبیات عرب است که به دلایل معجزه بودن قرآن می پردازد که در بین متکلمان به عنوان روشن ترین دلیل پیامبری محمد (ص) مطرح است. اعجاز در لغت به معنی عاجز ساختن است و گرچه در قرآن مستقیماً به کار نرفته، اما قرآن مخالفان را دعوت به آوردن ده و حتی یک سوره مشابه سوره های قرآن می کند (تحدی) و تاکید می کند که هرگز کسی نخواهد توانست این کار را انجام دهد.^۲

قرآن پژوهان چندین بعد برای اعجاز بیانی قرآن بیان کرده اند، از جمله: فصاحت (شیرینی و روانی الفاظ، جایگزین و مترادف ناپذیری در الفاظ قرآن و...)، بلاغت (آرایه هایی چون تشبیه، کنایه، تمثیل و...)، حسن بیان، نیکویی تشبیه، زیبایی کنایه، موسیقی ویژه قرآن و... می باشد.^۳

۱۲-۱-۳- تحدی در قرآن کریم

تحدی در لغت: تَحَدَّى تَحَدَّيًّا [حدی] ة: وتحداه: باراه و نازعه، با او مسابقه داد و بر او چیره شد «تَحَدَّى خَصْمَةً»: از دشمن خود خواست تا با وی مسابقه دهد، - فلاناً. به فلانی اخطار کرد تا در آن کار جرأت و دلیری نکند زیرا توانائی آن را ندارد، - الموت: آهنگ مرگ کرد.^۴

تحدی در اصطلاح: یعنی مبارزه طلبی و معارضه کردن و در اصطلاح یک واقعیت تاریخی است که عبارت است از امر خداوند به مخالفان و منکران وحی قرآنی و صدق نبوت حضرت محمد

۱ - ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، لسان العرب، ج ۵، ص: ۳۶۹

۲ - معرفت. التمهید، دفتر نشر اسلامی (جامعه مدرسین). ج ۵ ص ۶۳.

۳ - فتحی گوش، فاطمه، اعجاز بیانی قرآن کریم، ص ۱۴

۴ - ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، لسان العرب، ج ۴، ص: ۶۳

(ص) که اگر طبق ادعای خود قرآن را مجهول و پیش ساخته و اساطیر الاولین می دانند نظیر آن را بیاورند.^۱

- نزول: اصل نزول به معنای فرود آمدن است چنان که در مفردات و مصباح و اقرب گفته اند. آن عبارت راغب چنین است: «النزول فی الأصل: هو انحطاط من علو» در باره ی باران آمده: «أَنتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ» (واقعه / ۶۹) آیا شما آنرا از ابر فرود آورده اید یا ما فرود آوردگانیم؟^۲

۱-۱۲-۴- نزول قرآن

مقصود از نزول قرآن محید این است که قرآن دارای حقیقتی بس متعالی است که مرتبه ای از علم خداوند است و در مرتبه بالائی از وجود در لوح محفوظ است، و برای آنکه قابل فهم ما انسان ها شود از آن مرتبه در مراحل متعددی تنزل یافته، تا در نهایت، در قالب الفاظ و عبارات، که مرتبه ای بس فروتر و ضعیف تر از مرتبه «عند الهی» است تجلی کرده است. و به بیانی دیگر چنانکه در روایات دانیه وجود است. فتجلی سبحانه لهم فی کتابه من غیر أن یكونوا راوه ۰۰۰»^۳. در خصوص نحوه و زمان نزول قرآن کریم سه آیه شریفه در قرآن ذکر شده است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ» (بقره/۱۸۵). ماه رمضان، که در آن برای راهنمایی مردم و بیان راه روشن هدایت و جدا ساختن حق از باطل، قرآن نازل شده است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (دخان / ۳). ما آن را در مبارک شبی نازل کردیم. ما بیم دهنده بوده ایم.

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر / ۱). ما در شب قدرش نازل کردیم.

از آیا فوق بدست می آید که قرآن مجید در ماه رمضان و در یک شب- شب قدر- نازل شده است.

از سوی دیگر علاوه بر آنکه از نظر تاریخی و روایی مسلم است که قرآن به تدریج در طی سالیان زیاد (بیست و سه سال) بر پیامبر r نازل شده است، برخی از آیات قرآن نیز دلالت بر تدریجی

۱ - جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۷۷.

۲ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت : دارالعلم دارالشیاه، ۱۴۱۲ق ص ۷۷۹.

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۱۴۵

بودن نزول آن دارد. آیات قرآن تدریجاً نازل شده است، ولی از آنجا که ابتدا نزول آیات در ماه رمضان و در شب قدر بوده گفته شده است، قرآن در شب قدر و ماه رمضان نازل شده است.^۱

۱-۱۲-۴ - مفهوم لغوی صرفه

کلمه صرف به معنای بازگرداندن، رد کردن و دفع کردن می‌باشد، انصراف مطاوعه صرف و به معنای بازگشتن است.

مؤلف لسان العرب می‌نویسد: صرف به معنای بازگرداندن چیزی از جهت آن است. ۲
راغب اصفهانی نیز درباره معنای صرفه این‌گونه آورده است: رد الشيء من حالة الى حالة و ابداله بغيره (برگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر و تبدیل آن به حالتی دیگر) ۳.

از معانی مذکور روشن می‌گردد این کلمه متعدی است، در کتاب المنجد ضمن تصریح به تعدی این کلمه آن را به معنای «رد کردن و دفع نمودن» دانسته است.^۴ قرآن کریم دو کلمه صرف و انصراف را درباره منافقین به کار برده است: ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم بانهم قوم لا يفقهون ۵ شهرت قول به «صرفه» به این نام به جهت وجود تعبیر فوق نظریه پردازان این دیدگاه می‌باشد، عبارات افرادی چون نظام، مفید و سید مرتضی این کلمه (صرف) خالی نیست.

۱-۱۲-۵ - مفهوم اصطلاحی صرفه

سیوطی در تفسیر صرفه می‌نویسد: «صرفه [به این معناست که] خداوند اعراب را از معاوضه قرآن منصرف نموده است و خرد و اندیشه آنها را زدوده است. [معاوضه با قرآن] برای آنان مقدور و دستیاب بودن ولی مانع خارجی (صرفه) آنان را منع نموده و از این روی قرآن مانند سایر معجزات شد. ۶. خداوند خداوند می‌فرماید: «ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (توبه، ۱۲۷). (سپس بازگشتند، خداوند دل‌های آنان را باز گردانده است [چرا که] بی‌گمان آنان گروه نادان هستند.)

۱ - فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۸۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۳۲ ص ۲۸؛ نصیری، علی، معرفت قرآنی، ج ۱۰، ص ۵۱۸.

۲ - ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ج ۳۲۸/۷.

۳ - الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، قم، اسماعیلیان ۲۸۷

۴ - معلوف، لويس، المنجد فی اللغة و الادب و العلوم، ۱۹۸۳م، ۴۲۳/۴.

۵ - (سپس بازگشتند، خداوند دل‌های آنان را باز گردانده است [چرا که] بی‌گمان آنان گروه نادان هستند.)

۶ - السیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، منشورات رضی، ج ۷/۴

زرقانی نیز ضمن ارائه تعریف مشابهی با ذکر یک مثال به روشن شدن بیشتر این مطلب کمک می‌کند. وی می‌نویسد: «صرفه» [بدین معنا است که] خداوند متعال در حالیکه قرآن کریم در بلاغت از حد توان بشری خارج نبوده اعراب را از معاوضه با قرآن باز داشته و منصرف نمود.^۱ بر این تعریف این گونه مثال زده‌اند: «انسان چه بسا که کاری از کارهای اختیاری را ترک می‌کند که در قدرت و توان اوست به این دلیل که اصولاً انگیزه چنین کاری را ندارد باینکه [پس از فراهم شدن انگیزه و داعی] کسالت و تنبلی به او اصابت می‌نماید و همت او را زمینگیر می‌کند و یا حادثه ناگهانی و ناآشنایی که قبلاً با آن مأنوس نبوده پیش می‌آید و ابزار و وسایل لازم برای آن عمل را ناکار کرده و بطور قهری قدرت او را از بین می‌برد، گر چه هم انگیزه انجام آن را داشته و هم اراده انجام آن را در سر پرورانده است ۲

۱ - قاضی زاده، کاظم، نگرشی به نظریه صرفه، فصلنامه نامه مفید، شماره ۳، ۱۳۸۸ش.

۲ - الباقلانی، محمد بن طیب، اعجاز قرآن، ص ۲۸۹.

فصل دوم
نوآوری آیت الله معرفت
در خصوص اعجاز بیانی
قرآن کریم

۲-۱- اعجاز بیانی قرآن کریم

با نزول قرآن، عرب کلامی تازه و سخنی نو شنید: نه شعر بود و نه نثر؛ ولی آهنگی زیباتر از شعر و بیانی رساتر از نثر داشت. لذتی که قرآن به آنها می‌داد، غیر از آن بود که تا آن وقت از سایر انواع سخن می‌بردند. اعجاز بیانی: بیش تر به جنبه های لفظی و عبارات به کار رفته و ظرافت ها و نکته های بلاغی نظر دارد، و از معروف ترین وجوه اعجاز قرآن است، که در تمام آیه ها، سوره ها و سطر سطر قرآن قابل مشاهده است.

۱. **اعجاز بیانی در فصاحت:** فصاحت در لغت به معنای روشن و آشکار می باشد و در اصطلاح، کلامی است فصیح و روان، که از حسن و زیبایی برخوردار باشد، و کلام فصیح عبارتی است که واژگان آن علاوه بر فصاحت، هماهنگی و تناسب کامل با یکدیگر داشته باشند^۱

۲. **اعجاز بیانی در بلاغت:** بلاغت در لغت به معنی وصول، رسیدن و انتها است و در اصطلاح عبارتست از کلام فصیحی که مطابق با مقتضی حال باشد^۲

۳. **اسلوب بدیع قرآن:** قرآن سبک و شیوه ای ارائه نموده، که دارای ظرافت شعر، آزادی مطلق نثر و حسن و لطافت سجع می باشد، بسیاری از علماء، این سبک قرآن را از برجسته ترین ابعاد اعجاز ادبی و بیانی آن دانسته اند^۳.

اعجاز بیانی قرآن را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف- گزینش کلمات ب- سبک و شیوه بیان ج- نظم آهنگ قرآن د- وحدت موضوعی یا تناسب معنوی آیات و- پیراستگی از عیب‌ها، از تناقض و اختلاف ه- نکته ها و ظرافت ها^۴
اگر چه الفاظ و کلماتش همان الفاظ و کلماتی بود که خود به کار می‌بردند و از یکدیگر می‌شنیدند و از همان حروف ۲۸ گانه ترکیب شده بود؛ ولی الفاظ و لغات به طوری منتخب و گلچین شده و خوب و به موقع و به مورد به کار رفته بود که جلوه مخصوصی داشت. آهنگ ها

۱ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، س ۱۳۲۴ هـ، چ اول، ص ۳۸۰.

۲ - تفتازانی، سد الدین، شرح مختصر، دارالحکمه، س ۱۳۷۳ ش، چ پنجم، جزء اول، ص ۱۲ به بعد.

۳ - معرفت محمد هادی، علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید، س ۱۳۷۸ ش، چ اول، ص ۳۵۷ و ۳۵۸.

۴ - عایشه عبد الرحمن بنت الشاطی، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، صص ۱۶۱، ۲۱۹ و ۲۵۵.

بکر و جذاب جمله‌بندی شگفت‌انگیز و سبک، ممتاز به صورت آیات و سور که عرب تا آن زمان نظیرش را ندیده و نشنیده بود.

اما از حیث مفاهیم و معانی و مقاصد و اغراض به کلی از دیگر سخنان عرب ممتاز و برای آنها بی سابقه بود، افکار را تکان می‌داد. خرده‌ها را برمی‌انگیخت، دل‌ها را روشن می‌کرد، فطرت دینی آنها را بیدار می‌نمود، نفوس را تزکیه و اخلاق را تهذیب نموده، عقاید پاک و اعمال صالحه به آنها می‌آموخت. به نیکی فرمان می‌داد و از زشتی و بدی بازمی‌داشت؛ آنچه پاک و پاکیزه بود، بر آنان حلال و هر چه پلید بود، بر ایشان حرام می‌ساخت. بارهای سنگین اوهام و خرافات و رسوم و عادات زشت را از آنان فرو می‌نهد و عقول و افکارشان را از قید و بندها آزاد می‌فرمود. اگر تعصبات و جهالات مردم و کبر و نخوت رؤسا و جاه‌طلبی و مال‌دوستی صاحبان زور و زر مانع نمی‌شد، جمیع طوائف عرب به سرعت دین جدید را می‌پذیرفتند و عموم افراد حکومت قرآن را گردن می‌نهادند؛ زیرا همگی با شنیدن آیات مجذوب و مفتون و منقلب و متأثر می‌شدند و با دیده تحسین و اعجاب به آنها می‌نگریستند و شواهد خرق عادت و اعجاز در آنها مشاهده می‌نمودند و نیک می‌فهمیدند که هیچ مخلوقی قادر به چنین سخنی نیست و آن جز کلام خدا نمی‌تواند باشد.^۱

۲-۲- موارد اعجاز از نگاه دانشمندان علوم قرآنی

دیدگاه اعجاز بیانی از مشهورترین و فراگیرترین رویکردها در حوزه اعجاز قرآن است که بازتاب و تأثیر فراوانی در حوزه مطالعات کلامی، ادبی و تفسیری داشته و مجموعه‌ای وسیع از مجادلات و مباحثات را گرد خود پدید آورده است.

در بسیاری از تفاسیر و تکنگاری‌هایی که در موضوع اعجاز قرآن به نگارش در آمده است، موارد فراوانی از ادعای اعجاز بیانی وجود دارد که آنها را نقل و بررسی می‌کنیم.

۲-۲-۱- دیدگاه بدر الدین زرکشی در باره اعجاز بیانی قرآن کریم

بدر الدین محمد بن عبد الله زرکشی (ت ۷۹۴ هـ)، از صاحب نظران اهل سنت در علوم قرآنی است و بدین جهت کتاب مبسوط «البرهان فی علوم القرآن» را تدوین نموده. ایشان در نوع سی و

۱ - شریعتی، محمدتقی، تفسیر نوین، پژوهشکده باقر العلوم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع) (تاریخ:

۹۲/۲/۱۰)

هشتم کتاب خود در مجلد دوم به بحث اعجاز قرآن پرداخته و پس از ذکر یازده قول، نظر اهل تحقیق را، که خود نیز آن را تایید می‌کند، ذکر می‌نماید^۱، که بدین شرح است:

۱- قول نظام، که او معتقد است خداوند مردم را از به ماندآوری قرآن، بازداشت و عقل آنها را در تحقیق چنین امری ناتوان ساخت. زرکشی پس از نقل این قول، آن را نادرست می‌داند و معتقد است چنین قولی با آیه شریفه دعوت به تحدی که می‌فرماید: «لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ» (اسراء/ ۸۸) «نمی‌توانند به مانند قرآن بیاورند»، سازگاری ندارد.^۲

۲- اعجاز، مربوط به تالیف خاص قرآن است، تالیفی که حکایت از اعتدال و سازگاری ویژه‌ای بین کلمات و حروف آن هست.

۳- اخبار از غیب، نسبت به آینده که در شأن شخص عادی نیست، چنین اخباری را ذکر کند، مانند آیه غلبه روم که محقق شد. زرکشی پس از نقل این قول، آن را برای اعجاز قرآن کافی نمی‌داند؛ زیرا چنین اعجازی عمومیت نداشته و تنها مربوط به آیات خاصی می‌شود.^۳

۴- اخبار از قصص پیشین قرآن، حکایت کسی که آن را مشاهده نموده است. این وجه هم، مانند وجه قبل عام نیست.

۵- اخبار از ضمائر و درون افراد، مانند آیه شریفه: «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا» (آل عمران/ ۱۲۲). «(و نیز به یادآور)» زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند» (و از وسط راه بازگردند)» که مربوط به جنگ احد و سستی گروهی از اوس و خزرج می‌باشد.

۶- کلام ابن عطیه که گفته، تحدی قرآن مربوط به نظم، صحت معانی و توالی فصاحت آن است، کاری که در عهده شخص خاصی نبوده است؛ عرب در زمان خود اوج فصاحت بود و از چنین کاری عاجز شد.

۷- کلام فخر رازی که حکایت از فصاحت، غرابت اسلوب و سلامت قرآن از تمامی عیوب است. درحالی‌که با تحدی همراه بوده است.

۱ بیان الاقوال المختلف فی وجوه الاعجاز و قد اختلف فیہ علی اقوال. ر. ک به البرهان فی علوم القرآن. بدر الدین

زرکشی. ج ۲، ص ۹۳ تا ۱۰۶.

۲ البرهان فی علوم القرآن، زرکشی ۹۳/۲.

۳ همان، ص ۹۶.

۸- کلام قاضی ابو بکر، که حاصل آن، اعجاز در نظم، تالیف و ترکیب عبارات قرآنی است که خارج از تمامی اشکال زبان عربی است.

۹- کلام سگّاک، که می‌گوید اعجاز قرآن امری ذوقی، که قابل درک هست ولی نمی‌توان تمام زوایای آن را توصیف نمود. ملاحظت و صوت زیبای قرآن، قابل آن نیست که زبان بتواند آن را بیان نماید.

۱۰- کلام حازم که بیان می‌دارد، اعجاز قرآن مربوط به استمرار فصاحت و بلاغت آن در تمامی زمانها است و کلام عرب گرچه در مقطعی کوتاه، فصیح بوده، اما فصاحت آن تا زمان های دیگر، استمرار نداشته است.

۱۱- کلام خطّابی که می‌گوید: اعجاز قرآن منحصر در بلاغت قرآن است زیرا، کلام دارای اشکال متفاوت است و هرکدام با دیگری در مرتبه فصاحت یکسان نیست. برخی فصیح و برخی فصیح‌تر؛ قرآن کلامی است که در اوج فصاحت است.

۱۲- قول اهل تحقیق که معتقدند: اعجاز قرآن مربوط به همه اموری است که ذکر شد، یعنی اعجاز قرآن محدود و منحصر به امر یا موضوع خاصی نیست. بلکه تمامی آنها در کنار هم، بیانگر اعجاز است و نه هریک به تنهایی. زیرا چه بسا برخی از کلام فصحاء، بتواند با یکی از وجوه مذکور مقابله نماید، اما هیچ‌کس نمی‌تواند کتابی بیاورد که تمامی وجوه مذکور را در کنار هم دارا باشد. و لذا قرآن همواره و همه جا شاداب و سرزنده است و همیشه حیات دارد، حیاتی که نشان اعجاز آن است.

بدر الدین زرکشی قول دوازدهم را، صحیح‌ترین نظریه در اعجاز قرآن می‌داند و آن را به اهل تحقیق و نظر نسبت می‌دهد و خود نیز آن را تأیید و حمایت می‌کند. از این رو دیدگاه زرکشی، عالم قرن هشتم هجری در مباحث اعجاز قرآن، کاملتر از دیگران بوده است. اما نمی‌باید از این نکته نیز، غفلت کرد که وجوه مذکور، تنها وجوه اعجاز قرآن را تشکیل نمی‌دهند، بلکه قرآن از وجوه دیگری نیز در اعجاز برخوردار است که در بخش پایانی، مورد بررسی واقع خواهد شد.^۱

۲-۲-۲- دیدگاه جلال الدین سیوطی در باره اعجاز بیانی قرآن کریم

جلال الدین سیوطی در کتاب الاتقان خود در باب ۶۴ مربوط با اعجاز قرآن در خصوص نوع و کیفیت اعجاز قرآن نکارت ارزنده را بیان فرموده است:

۱ - مودب، رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت ع و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۳۰

جلال الدین سیوطی (ت / ۹۱۱) از مفسران و صاحب نظرانی است که در مورد اعجاز قرآن کتاب «معتزک الاقرآن فی اعجاز القرآن» را نگاشته و برای اعجاز قرآن سی و پنج قول را بیان نموده است^۱ و در تفصیل هر کدام به مواردی از آیات استشهاد نموده است که به اختصار به غالب آنها اشاره می‌شود:

۱- ایشان نخستین وجه اعجاز را مربوط به علومی می‌داند که از قرآن استنباط می‌شود. زیرا قرآن دارای علوم و معارف فراوانی است که در هیچ یک از دیگر کتاب‌ها، وجود ندارد. به ویژه که این علوم در عباراتی کوتاه و موجز بیان شده است.

ایشان این مطلب را از قرآن الهام گرفته است که خداوند متعال می‌فرماید: «مَا فَطَرْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام / ۳۸). «ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم». و همینطور کلام خداوند متعال که می‌فرماید: «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / ۸۹). «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است». ابن مسعود هم نقل می‌کند که هر کس بخواهد بر علوم روزگار مطلع شود، می‌باید به قرآن مراجعه نماید، زیرا قرآن، دربرگیرنده همه علوم است. سیوطی می‌گوید قرآن، ریشه تمامی علوم حتی، طب، جدل، هیئت، هندسه و ... می‌باشد.

۲- صیانت قرآن از تحریف به زیادی و همچنین کاستی در آیات آن؛ زیرا قرآن با گذشت زمان، دچار تغییر و تحریف نشده است، نه چیزی بر آن افزوده شده و نه چیزی از اصل آن کاسته شده. برخلاف دیگر کتب که دستخوش تغییراتی در جهت زیادی یا نقصان شده‌اند. ایشان این مطلب را از آیه شریفه «حفظ» الهام گرفته است که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر / ۹). «ما قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم». از این رو هیچ‌کسی بر خود جرأت نمی‌دهد، که نسبت به تغییر آن، اقدامی نماید.

۳- زیبایی تالیف قرآن؛ زیرا قرآن از کلماتی زیبا و عباراتی جاذب و سازگار با یکدیگر برخوردار است که موجب فصاحت آن شده است، آن هم برای گروهی از عرب که خود در علم فصاحت و بلاغت، پیشتاز بوده. در آن صورت، قرآن برای فصحاء با ساختار کلماتش، فاصله آنها و ختم آیات و ... بسیار شگفت بود.

۱ - معتزک الاقرآن فی اعجاز القرآن، جلال الدین سیوطی، ج ۱، ص ۱۲-۳۸۷.

جلال الدین سیوطی، اضافه می‌کند که، کسی بر خود نمی‌دید تا بتواند عباراتی به مانند قرآن را بیاورد. زیرا هر عالم بلیغی وقتی خطبه یا قصیده‌ای را می‌آفریند، وقتی با دید نقد و بررسی به آن می‌نگریست، او را کامل می‌نمود و هر چه زمان می‌گذشت، دچار تحول و تغییر می‌شد، تا کاملتر شود و این نگاه نقدی، همواره ادامه داشت و به مرحله‌ای ختم نمی‌شد. درحالی‌که قرآن اگر کلمه‌ای از آن کاسته می‌شد، جایگزین بهتری برای آن ممکن نبود؛ زیرا هر کلمه و هر عبارتی در جای خود از استواری و فصاحت خاص خود، برخوردار بوده است.^۱

۴- مناسبت آیات و سوره‌های قرآن. ارتباط بین آیات قرآن و سوره‌های آن، به شکلی است که همه آنها مانند کلمه واحدی هستند. معانی نیز مرتبط به هم و در یک جهت می‌باشند. علم مناسبت آیات، خود از علومی است که برخی از مفسرین بر آن عنایت داشته، مانند فخر رازی که بیان می‌دارد، بیشترین لطایف قرآن، مربوط به روابط آیات و سوره‌ها است که خود دارای اسبابی است، مانند: مضاده^۲، تنظیر^۳، استطراد^۴ و شریفه: «وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ»^۵.

۵- وجود ناسخ و منسوخ از دیگر ویژگیهای اعجاز قرآن است و از اختصاصات قرآن به حساب می‌آید، که برخی از آیات، ناسخ دیگر و به جهت حکمت‌های مانند، تیسیر بر امت بوده است.
۶- تقسیم آیات قرآن به آیات محکم و آیات متشابه، از دیگر برجستگی های قرآن است. آیات متشابه هم خود دارای سه گروه هستند:

الف: گروهی که هیچ راهی برای معرفت آنها نیست، مثل زمان قیامت.

ب: گروهی که برای انسان قابل فهم است مانند الفاظ غریب و احکام مغلق.

ج: گروهی هم متشابه نسبی است یعنی راسخین در علم از آن آگاه هستند ولی بقیه از آن بی‌خبرند.

۱۰- اختلاف حروف قرآن از نظر قرائت هم از معجزات به شمار آمده است به شکلی که تحمل قرائت سبعة و دیگر قرائت را دارا است، که در کتابهای دیگر چنین نیست.

۱ - اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت ع و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ص: ۱۱۹

۲ - مقصود از مضاده، علاقه و رابطه ضد بین دو شیء است مانند، صفت ایمان و کفر،

۳ - مقصود از تنظیر این است که دو موضوع که نظیر و همانند هم هست، یکی به یکدیگر ملحق می‌شود،

۴ - مقصود از استطراد آن است که پس از ذکر مطلبی که در حوزه خاصی است، آن را در حوزه عامتری بیان کند،

۵ - در آن هنگام برخی با برخی دیگر سؤال و جواب می‌کنند.

ج: عامی که بر عمومیت خود باقی است مانند: «إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (مجادله / ۷): «خدا بر همه چیز دانا است.» که علم خداوند، ابدی و در همه جا است.^۱

۱۵- اجمال و تبیین در آیات، به شکلی که برخی از آیات مجمل و بقیه به تبیین آنها پرداخته است. مانند، اجمال در آیات ذیل:

الف: «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ» (تکویر / ۱۷): «قسم به شب هنگامی که پشت کند و به آخر رسد.» که به علت اشتراک فعل «عسعس» در معنی روی نمودن و پشت کردن، آیه مجمل شده است.

ب: «وَتَرَعْبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ» (نساء / ۱۲۷): «می‌خواهید با آنها ازدواج کنید.» که به جهت حذف حرف «فی» و یا حرف «عن» معنی آن مجمل شده است.

ج: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۲. که به علت اختلاف در مرجع ضمیر در کلمه «یرفعه» که آیا به الله برمی‌گردد یا به عمل. و مثال تبیین مانند آیات ذیل: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ»^۳ که معنی آن با آیه شریفه: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر / ۱۰):

«سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد.» «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام، ۱۰۳) «چشمها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را در می‌یابد، و او لطیف آگاه است.» روشن شده است.

۱۶- استدلال بر مفهوم آیات و بر منطوق آنها. در استدلال بر منطوق و ظاهر آیات، مانند آیه شریفه که در مورد اعمال حج نازل شده است و می‌فرماید: «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ» (بقره، ۱۹۶) «سه روز در حج روزه بگیرد و هفت روز هنگام بازگشت.» که بیانگر آن است که حاجی می‌باید در صورت عدم توانائی بر قربانی نمودن، ده روز، روزه بگیرد که سه روز در ایام حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن.

۱۷- تنوع در خطابهای قرآن، از دیگر وجوه اعجاز آن است. زیرا خطابها، گاهی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم مانند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ» (مائده، ۶۷) «ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن» و گاهی برای غیر پیامبر (ص) مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

۱ - مودب، رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت ع و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲۲

۲ - فاطر / ۱۰: سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد.

۳ - قیامت، ۲۲: در آن روز قیامت عده‌ای شادان به خدای خود نظر می‌کنند.

كَفَرُوا» (تحریم، ۷). «ای کسانی که کافر شده‌اید» و گاهی عام، یعنی برای پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و غیر آن هست مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۸۳) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید... برخی خطابه‌های قرآن نیز شامل خطاب عام، جنس، نوع، مدح، ذم، کرامه، تعجیز، تهییج و ... می‌باشد.

۱۸- وجود اخبار غیبی قرآن، مانند: خبر ورود به مکه که خداوند می‌فرماید: «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ» (فتح، ۲۷) «هر آینه شما مؤمنان با دلی امن وارد مسجد حرام خواهید شد.» آیه شریفه، بیانگر خبر غیبی در مورد فتح مکه می‌باشد.

۱۹- اخبار غیبی برای گذشتگان و ملت های پیشین مانند قصه‌های انبیاء، با آن که پیامبر هنگامی که این اخبار را نقل نموده است، فرد امی بوده است، یعنی نزد کسی تعلیم ندیده بوده و لذا در قرآن خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ» (مائده، ۱۵) «ای اهل کتاب پیامبر ما به‌سوی شما آمد و بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان کردید، روشن می‌سازد».

۲۰- قرآن به‌هنگام استماع آن، نفوذ و تأثیر شگفت‌آوری بر دلها دارد، تأثیری که به‌هنگام گوش دادن، نوعی خشیت و ترس را در قلب انسان ایجاد می‌نماید.

۲۱- استماع قرآن برای شنونده به همراه ملال و رنجش نیست و هرچه قرآن تلاوت شود، گرچه به‌صورت تکرار هم باشد، موجب ملالت، برای شنونده نمی‌شود.^۱

۲۲- حفظ نمودن قرآن، امری است که به آسانی انجام می‌گیرد، برخلاف کتاب های دیگر که در مقایسه با قرآن، حفظ نمودن آنها، سهل و هموار نیست. این مطلب را سیوطی از آیه شریفه: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ» (قمر، ۲۲) «ما قرآن را برای تذکر آسان کردیم.» الهام گرفته است.

لذا، خردسالانی به حفظ قرآن به صورت کامل، مبادرت نموده‌اند و حافظ کل قرآن گردیده‌اند.

۲۳- بهره‌مندی قرآن از حقائق و مجازات که در قرآن به تناسب از آنها استفاده شده است.

۲۴- تشبیهات و استعارات قرآن نیز از بلاغات قرآن به حساب آمده است و در قرآن، بی‌مانند است.

۱ - مودب، رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت ع و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲۵

۲۵- کنایات قرآن و همچنان، ایجاز و اطناب در آیات قرآن از اقسام بلاغات به حساب آمده و قرآن در بهره‌مندی از آنها سرآمد روزگار است. همچنان که دیگر اقسام بدایع، مثل ایهام، استخدام، التفات و ... از برجستگی‌های قرآن است.

۲۶- بکار بردن انواع شکل‌های خبری و انشایی در قرآن در مرتبه خود شگفت‌آور است مانند: تعجب، وعد و وعید، نفی، انکار، توبیخ، تهدید و ...

۲۷- از دیگر مزایای معجزآسای قرآن، عبارات قسم‌های قرآن است که خداوند بر خود یا مخلوقات هستی، مانند خورشید، ماه، شب و ... قسم یاد نموده است.

۲۸- مشتمل بودن قرآن بر انواع برهان‌ها، مانند استدلال بر وجود خدا، به طریق برهان تمنع در آیه شریفه: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء، ۲۲) اگر در آسمان و زمین به جز خدای یکتا، خدایانی وجود داشت، همان خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌یافت. و همچنین بهره‌مندی قرآن از دیگر شکل‌های استدلال.

۲۹- وجود امثال گوناگون در قرآن، چه امثال ظاهره و چه امثال مضمرة، که از شگفتی‌های قرآن است مانند: آیه شریفه: «لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (اعراف / ۱۶۱) بگوئید خداوندا، گناهان ما را بریز و از در بیت المقدس با تواضع وارد شوید. اگر چنین کنید، گناهان شما را می‌بخشم. در نماز، تو صدا را نه بسیار بلند و نه بسیار آهسته گردان، بلکه حد میانی را اختیار کن. این آیه شریفه دلالت بر مثل معروف، حد میانه و رعایت اعتدال در هر امری را دارد.

۳۰- فراگیر بودن قرآن، از نظر آیات عدل الهی، رجاء الهی، خوف الهی و در کنار هم بودن هم آنها، مثل آیه شریفه: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله، آیات ۷ و ۸) پس در آن روز هرکس به قدر ذره‌ای کار نیک کرد، پاداش آن را خواهد دید، و هرکس به اندازه ذره‌ای کار زشت مرتکب شد، آن هم به کیفرش خواهد رسید.^۱

همچنین فراگیر بودن قرآن از جهت وجود نامهای اسماء اشیاء، ملائکه، القاب، اسماء قبایل، بلاد، کواکب، جبال و ... مانند: یاجوج، مأجوج، عاد، ثمود، قریش، روم، مدین، شمس، شعری، فردوس، کوثر، سلسبیل، سجین، ادریس، آزر، احمد و ...

۱ - مودب، رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت ع و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲۱

دیدگاه سیوطی در مورد اعجاز قرآن، که حاصل اقوال و آراء دیگران نیز بود، تنها اشاره به برخی از وجوه اعجاز قرآن دارد و برخی از وجوه دیگر، از نظر ایشان مورد غفلت مانده است که به تبیین آن پرداخته خواهد شد. از طرفی برخی از وجوه مذکور با برخی دیگر قابل جمع نیز می‌باشند و به عنوان مثال، اعجاز بلاغی قرآن، می‌تواند شامل وجه، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ... باشد.

۲-۲-۳ - دیدگاه سید قطب در باره اعجاز بیانی قرآن کریم

قرآن در زمانی نازل شد که ادبیات عرب در اوج خود بود و فصحا و شعرای عرب، اشعار و خطبه‌های فصیح و بلیغ خویش را بریکدیگر می‌خواندند و بر هم مفاخرت می‌کردند و دیگر خطبا و شعرا را به تحدی و مبارزه طلبی فرا می‌خواندند. آنگاه که بر دیگران پیروز می‌شدند، اشعارشان را به دیوار کعبه می‌آویختند و به این کار مباهات می‌کردند با نزول قرآن بر قوم عرب، آنان مجذوب زیباییهای قرآن شدند.

قرآن به عنوان معجزه ادبی بزرگ، دارای حلاوتی خاص بود و آهنگی دلپذیر داشت. آهنگی که آنان را به شوق می‌آورد، لرزه بر اعضایشان می‌انداخت و زنگ غفلت را از دل‌هایشان می‌زدود، زنگ حیات تازه و نوری را برایشان می‌نواخت و رنگ کهنگی و جهالت را از قلوبشان می‌زدود.

سیمای جذاب قرآن باعث شد پیرامون پیغمبر اسلام (ص) جمع شوند و به نوای دلنواز قرآن گوش فرا دهند و قلب خویش را با زلال وحی بشویند. آنان که به زبان و لغت و شعر و خطبه و بیان خویش می‌بالیدند، به راحتی و سهولت دریافتند قرآن چیز دیگری است، شیرینی و حلاوتی دارد که در جان‌ها نفوذ می‌کند و آنان را به وجد می‌آورد. آنان در پیشگاه قرآن خاضع گشته، سر تسلیم فرود آوردند... عظمت قرآن در پیش چشم آنها مجسم شد و یک کلمه از آن به مقدار یک قصیده و یا یک خطبه مهم در دل آنها تأثیر کرد^۲.

این گونه بود که خیل عظیمی از مردم عرب، مجذوب قرآن شدند و قرآن در عمق جان‌ها و قلب‌های آنان نفوذ کرد. سید قطب در این باره می‌نویسد: عرب معاصر با نزول قرآن، هنگام برخورد با قرآن به شدت مات و مبهوت شدند و دیوانه گون گردیدند. در آن حال، مؤمنان و کافران فرقی با هم نداشتند، اینان مات ماندند و جذب شدند و ایمان آوردند. آنان مبهوت ماندند و ناتوان شدند و فرار کردند و خود را از حوزه جاذبیت قرآن بیرون بردند^۱

۱ - سید قطب؛ تصویر فنی؛ نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمد علی عابدی، تهران مرکز نشر انقلاب، ص ۴۴

او این مرحله از اعجاز قرآن را اولین وجه اعجاز می‌داند که در سوره‌های کوچک قرآن و اولین سوره‌های نازل شده که در آن‌ها نه از تشریح قانون گفتگو رفته و نه از اخبار غیبی و نه از علوم جهانی، تنها نفوذ و تأثیر آیات بود که بسیاری از مردم به اسلام ایمان آوردند و یا برخی مثل ولید بن مغیره مبهوت عظمت قرآن شدند و در نهایت با تکبر و نخوت و خود خواهی آن را سحر خواندند.^۱

به عقیده او قرآن به آسانی در جان‌ها نفوذ می‌کند و در برخورد کلید هایش با درهای بسته، آنها را باز می‌کند و محل‌های تأثیر گذاری (قلب‌ها) را به جنبش و تکان وامی‌دارد. مشکلات و معضلات را در نهایت سادگی درمان می‌کند.^۲ بنابراین اعراب معاصر پیامبر (ص)، به طور فطری اعجاز قرآن را دریافتند. از گفته آن‌ها چنین برمی‌آید که همگی از بیان منشأ تأثیر آیات قرآنی ناتوان بوده‌اند.

به نظر سید قطب قرآن، نه تنها در لفظ و تعبیر و اسلوب بیان معجزه است، بلکه اعجازی مطلق دارد که پژوهشگران در زمینه‌های مختلف مانند: جامعه شناسی، قوانین حقوقی، روانشناسی و امثال آن، به آن دست می‌یابند.^۳

به نظر او کسانی که به علم بیان و نحوه آن آگاهی دارند، بیشتر از همه اعجاز بیانی قرآن را درک می‌کنند و کسانی که به مطالعه اندیشه‌های اجتماعی و اخلاقی و انسانی عموماً می‌پردازند، بیشتر از دیگران محدوده اعجاز قرآن را در این موضوعات می‌یابند.^۴

او می‌گوید: «کسانی که بلاغت زبان قرآن را درک و زیبایی‌های فنی و تناسب موجود در آن را احساس می‌کنند، پی می‌برند که این تناسب خارج از توان بشری است».^۵

به نظر سید قطب، این مرحله از اعجاز را فقط علمای فن و متخصصان علوم درک می‌کنند. اما تلاش آن‌ها در حد جزئی و همان نصوص مفرد باقی مانده است. او می‌گوید: تلاش‌هایی که در تفسیر قرآن در مباحث بلاغت و اعجاز صورت گرفته همه در همان حدود عقلی، و نقد ادبی

۱ - همان مأخذ، صص ۲۵ و ۲۷ و ۳۵.

۲ - سید قطب؛ فی ظلال القرآن، قاهره دارالشروق، دهم، ج ۵، ص ۲۵۸۴.

۳ - همان مأخذ، ج ۳، ص ۱۷۸۶.

۴ - همان مأخذ، همان صفحه .

۵ - همان مأخذ، ج ۳، ص ۱۷۸۴

عربی قدیم متوقف شده‌اند و در این حدود عقلی جزئی فرومانده‌اند که هر لفظی، یا هر عبارتی را به تنهایی و علی حده بررسی می‌کنند و جمال فنی را در آن یک عبارت تنها نشان می‌دهند.^۱

۲-۲-۴- دیدگاه علامه محمد حسین طباطبائی در باره اعجاز بیانی قرآن کریم

علامه سید محمد حسین طباطبائی (ت ۱۴۰۵ ه. ق) مفسر گرانقدر قرن معاصر، فیلسوف و متکلم زبردست جهان تشیع، بحث اعجاز قرآن را در ذیل آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره، مطرح می‌نماید و معتقد است که آیات تحدی در قرآن، دلالت بر اعجاز قرآن دارد و تحدی قرآن عام و در همه جهات می‌باشد مانند تحدی عام در آیه شریفه: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ» (اسراء آیه ۸۸). که می‌فرماید: «ای پیامبر بگو اگر تمامی جن و انس همه جمع شود، نمی‌توانند به مانند قرآن را بیاورند» که حکایت از اعجاز قرآن در جنبه‌های گوناگون دارد.^۲

ایشان، بیان می‌دارد که اگر تحدی، فقط در بلاغت قرآن و اسلوب زبانی آن بود، نمی‌باید از حد عربهای خاص فراتر برود، درحالی‌که آیه شریفه، همه انس و جن را مورد خطاب قرار داده بود، معلوم می‌شود که اعجاز قرآن تنها از نظر اسلوب زبانی نیست و همینطور اگر صفت خاصی غیر از بلاغت و جزالت اسلوب به تنهایی موردنظر تحدی قرآن بود، می‌باید خطاب قرآن متوجه گروه خاصی باشد، در حالی که تحدی عام و برای همه می‌باشد.

عمومیت خطاب تحدی، حکایت از آن دارد که خداوند همگان را به همانند آوری دعوت کرده است و لذا قرآن برای همه معجزه است و اختصاصی به گروه خاصی ندارد و غیر از بلاغت قرآن، جهت خاص دیگری به تنهایی، مانند معارف، اخلاق، قوانین صالح، اخبار غیبی و ... موردنظر قرآن نیست، چون هریک از آن جهات را، گروه خاصی از انس و جن می‌فهمند.^۳ لذا ایشان در مورد اعجاز قرآن می‌فرماید:

بنابراین قرآن کریم، هم برای بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین افراد، در فصاحت و بلاغت معجزه است و هم برای حکماء در حکمت‌های آن و هم برای علماء در مطالب علمی و هم برای عالم اجتماعی، در مسائل اجتماعی و هم برای قانون‌گذاران، در قوانین و مقررات و هم برای سیاست‌گذاران، در

۱ - تصویر فنی، ص ۵۳.

۲ - طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی، ۱/ ۵۹.

۳ - همان، ص ۶۰.

سیاست و هم برای حکام، در حکومت و خلاصه برای همه عالمین در آن حقایقی که راهی برای کشف آن ندارند، مانند امور غیبی و مواردی که انسان در شناخت رسیدن به آن حقائق، دچار سردرگمی است.^۱

ایشان مجدداً تأکید می‌کند که اعجاز قرآن، از تمامی جهات است و قرآن از هر جهت برای خود، دعوی اعجاز می‌نماید، برای تمامی افراد انس و جن، عوام و خواص، عالم و جاهل، مرد و زن، متخصصان و افراد عادی و ... و هر انسانی این فطرت را

دارد که فضیلت را تشخیص دهد و کم و زیاد آن را درک می‌کند.^۲ ایشان می‌گویند:

آیا هیچ عاقلی به خود جرأت می‌دهد که کتابی بیاورد و ادعای آن داشته باشد که آن کتاب هدایت برای تمامی مردم عالم است و آن‌گاه در آن اخبار غیبی از گذشته و آینده و از امت‌های گذشته و آینده، نه یکی، و نه دو تا، آنهم در باب‌های مختلف از داستان‌ها گذشتگان و امور غیبی نسبت به آینده، به شکلی که هیچ یک از آنها، کوچکترین تخلفی از واقع نداشته است.^۳

و ایشان، سپس بیان می‌دارد که انسان عاقل و کسی که می‌تواند این معانی و قضایا را تحلیل و تعقل کند، شکی برای او باقی نمی‌ماند که این مزایای کلی و غیر آن که قرآن مشتمل بر آن است، فوق طاقت بشری و بیرون از حیطه وسایل طبیعی و مادی است.^۴

مرحوم علامه طباطبائی، در مورد عمومیت اعجاز قرآن برای همه، این نکته را نیز بیان می‌دارد که اگر کسی بگوید، فایده عمومیت تحدی برای همه در چیست؟

و تحدی عموم مردم چه فایده‌ای دارد؟ باید خواص بفهمند که قرآن معجزه است و کافی خواهد بود، زیرا عوام مردم در مقابل هر دعوتی، زود تسلیم می‌شوند و زود باورند، مگر همین عامه مردم نبودند که در برابر دعوت امثال «بهاء» و «قادیانی» و «مسيلمه» کذاب خاضع شده و تسلیم آنها شدند، درحالی که آنچه آنها آورده بودند، به هذیان و بیهودگی بیشتر شبیه بود.

۱ - علامه طباطبائی: فالقرآن آیه للبلیغ فی بلاغته و فصاحته و للحکیم فی حکمته و للعالم فی علمه و للاجتماعی فی اجتماعه و للمقننین و للسياسین فی سیاستهم و للحکام فی حکومتهم و لجمع العالمین فیما لا ینالونه جمیعاً کالغیب و الاختلاف فی الحکم و العلم و البیان. ر. ک. به همان

۲ - همان.

۳ - همان، ص ۶۱.

۴ - همان.

سپس ایشان در پاسخ می‌گویند: باید توجه نمود که برای اعجاز عمومی، جز این راهی نیست، و برای تشخیص و تمییز کمال، در موضوعی که از درجات و مراتب متعددی برخوردار است، راهی غیر از این وجود ندارد. لکن چون مراتب فهم افراد در تشخیص کمالات، متفاوت است، و کمالات هم دارای مراتبی است، برای تشخیص برتری و تفوق امری بر امر دیگر، صاحب‌نظران هر فن می‌باید ارائه نظر نمایند و دیگران به آنها مراجعه نمایند.

ضمن آن‌که فطرت و غریزه انسانی نیز در این موارد به یاری انسان می‌شتابد و او را یاری می‌رساند. به ویژه که اعجاز عمومی قرآن از سنخ رؤیت بصری یا حادثه خاصی نیست که مربوط به زمان و مکان خاصی باشد، بلکه از سنخ علم و معرفت است و از این جهت، زمینه اظهار نظر در مورد آن برای همه صاحبان معرفت و در همه ایام مقدور و ممکن است و هرکس به قدر توانش، زمینه معرفت آن را دارد. پس تحدی و تعجیز قرآن عمومی و معجزه بودنش برای هر فرد بشر و برای تمام اعصار می‌باشد.^۱ مرحوم علامه طباطبائی، پس از بیان اعجاز عمومی قرآن، به برخی از جهات و وجوه اعجاز قرآن می‌پردازد، که دیدگاه ایشان به اختصار، چنین است:^۲

- «اعجاز علمی قرآن»
- «اعجاز قرآن از جهت شخصی که بر او نازل شده»
- «اعجاز قرآن از نظر اخبار غیبی»
- «اعجاز قرآن از نظر عدم وجود اختلاف در آن»
- «اعجاز قرآن از نظر بلاغت»

مرحوم علامه طباطبائی، بیان می‌دارد که از جمله وجوه اعجاز قرآن، بلاغت آن است، زیرا عرب آن روز، تنها بهره‌ای که از علم و فرهنگ داشت، سخندانی و بلاغت در آن بود و تاریخ گواه بر آن است که عرب خالص آن روز، قبل از آن‌که زبانش با اقوام دیگر مختلط شود و اصالت خود را از دست بدهد، در زبان به اوج خود رسیده بود و در جزالت نظم و وفاء لفظ و رعایت مقام و سهولت منطوق، بی‌نظیر بود و لذا قرآن آنها را به شدیدترین شکل دعوت به همانندآوری در الفاظ قرآن و بلاغت آن نمود و در آیات فراوانی مانند: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ

۱- همان.

۲- اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ص: ۷۹

مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود، ۱۳)، آنها را به مبارزه طلبی دعوت کرد.

از سوی دیگر تحدی قرآن، یکبار و دوبار نبوده، تا عرب آن را فراموش کند، بلکه در مدتی طولانی انجام شد و عرب آن زمان با آن برجستگیهای زبانی، نتوانست برای تسکین حمیت و غیرت خودکاری را صورت دهد، و ناتوانی و عجز خود را در برابر قرآن اعلام نمود.

این تحدی که تاکنون ادامه دارد، هنوز کسی نتوانسته، کتابی نظیر آن را بیاورد و اگر کسی به میدان آمده خود را رسوا و مفتضح نموده است.^۱ مانند گفتار مسیلمه کذاب که در مقام معارضه با سوره فیل، برآمده و چنین گفته است: «الفیل و ما الفیل و ما أدریک ما الفیل له ذنب و بیل و خرطوم طویل» یعنی: فیل، چه فیلی؟ نمی دانی چه فیلی؟ دارای دم زمختی و خرطوم طویلی.^۲

علامه طباطبائی^۳ نیز اعجاز بیانی را در سه بخش، قابل ملاحظه می داند:
الف: تسلط بر زبان و واژه‌ها و شناخت آنها.

ب: قدرت بیان.

ج: قدرت فکر و لطافت ذوق.

۲-۲-۵- دیدگاه آیه الله خوئی در البیان در باره اعجاز بیانی قرآن کریم

سید ابو القاسم خوئی، زعیم حوزه علمیه نجف، فقیه و اصولی بزرگ، مفسر و متکلم برجسته، عالم و اندیشمند گرانقدر معاصر و صاحب کتاب پرفایده «البیان فی تفسیر القرآن» بحث مبسوطی در اعجاز قرآن بیان داشته و معتقد است که اعجاز قرآن به جهت خاصی مربوط نمی شود و قرآن از جهات گوناگون معجزه و بی نظیر است.

ایشان نخست تأکید می کند که دین پیامبر اسلام، دین جاویدان است و لذا معجزه او نیز می باید جاویدان باشد و از این جهت قرآن، معجزه همه اعصار و قرون است^۴ و لذا، قرآن بالاترین معجزه

۱ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۶۸.

۲- همان.

۳ همان، ۱/ ۷۱.

۴ - خویی آیه الله سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء / ۱۹۹۸م، ص ۵۴

است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم معجزات دیگری نیز داشت ولی از نظر رتبه و ارتقاء، قرآن از بالاترین معجزات است.^۱

ایشان مهمترین و بالاترین و رایج‌ترین وجه اعجاز قرآن را در صدر اسلام، اعجاز بلاغی قرآن می‌داند، زیرا عرب آن زمان، خود را در بلاغت سرآمد روزگار می‌دانست و طبیعی است که معجزه هر پیامبری می‌باید در حوزه‌ای باشد که کارآمدترین موضوع آن زمان قرار گیرد و لذا اعجاز قرآن در نخستین نگاه، همان بلاغت است. ایشان استشهد به روایت امام رضا علیه السلام می‌نمایند که فرمود: در وقت ظهور پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم علم غالب بر آن دوران، خطب و کلام بود.^۲

ایشان تأکید می‌نمایند که عرب جاهلی آن وقت، با دیدن عظمت قرآن در باب فصاحت و بلاغت، سر تسلیم فرود آورد و به آن اذعان نمود و جمع زیادی بدین جهت به شرف اسلام آوردن نائل شده و مسلمان شدند، گرچه جمعی هم راه مبارزه و عناد را برگزیده و مقاومت نمودند، لکن عجز آنها در میدان همانندآوری قرآن، امری روشن بود و ایشان می‌گویند:

حال که روشن شد، قرآن معجزه الهی در بلاغت و اسلوب آن می‌باشد، بدان که اعجاز آن منحصر به آن نمی‌باشد، بلکه قرآن معجزه ربّانی و برهان صدق بر پیامبری از جهات گوناگون است.^۳ ایشان پس از وجه بلاغت، وجوه دیگر اعجاز قرآن را تا آنجا که تاکنون شناخته شده و دانشمندان بر آن اعتراف دارند، به شرح ذیل می‌داند:

- «قرآن و معارف
- «قرآن و دوری مطالب آن از تناقض»
- «نظام نوین مقررات و تشریح قرآن»
- «استواری و صلابت مطالب قرآن»
- «قرآن و اخبار از غیب»
- «قرآن و مطالب علمی شگفت‌انگیزش»

۱ - همان، ص ۱۱۷.

۲ - الکلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۴.

۳ - خویی آیه الله سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء / ۱۹۹۸ م.، ص ۵۶

آیت الله خوئی در تعریف معجزه می‌گوید: «ان یأتی المدعی لمنصب من المناصب الالهیه بما یخرق نوامیس الطبیعه و یعجز عنه غیره شاهدا علی صدق دعواه»، معجزه آن است که فردی که ادعای منصبی از مناصب الهی می‌نماید (مانند پیامبر) کاری را انجام بدهد که فراتر و برتر از قوانین طبیعت باشد، دیگران نیز از انجام آن عاجز و ناتوان باشند ضمن آن‌که، آن کار گواهی بر درستی ادعای او نیز باشد^۱

اعجاز در اصطلاح ممکن است به دو معنی آورده شود معنی اول: کاری که تمام نوع بشر را از آوردن نظیر آن مطلقاً عاجز و ناتوان سازد، چه یک گروه باشند و چه یک فرد^۲ معنی دوم آنکه: مدعی برای اثبات منصبی الهی کاری را بعنوان شاهد صدق ادعای خود ارائه دهد که خارق قوانین طبیعت باشد. یعنی قانون های طبیعت را درهم شکند، و غیر او هم از انجام آن کار ناتوان باشد.^۳

۲-۳- اعجاز بیانی قرآن کریم از منظر آیت الله معرفت

استاد معرفت اعجاز بیانی قرآن کریم را در ده ویژگی بلاغی با استناد به علم بلاغت و صاحب نظران این فن به شکل تطبیقی و با استناد به شواهد آیات و برخی ابیات شعر عربی فصیح و شاهد مثال های قرآنی مرتبط با موضوع به صورتی گویا و پر محتوی تبیین نموده است.

در واقع، جلد پنجم التمهید و دومین مجلد از مجموعه اعجاز به اعجاز بیانی اختصاص دارد و نموده های اعجاز در سبک بیانی قرآن را به طور مبسوط شرح می‌دهد و نمونه‌آوری می‌کند که در بحث محورهای اعجاز بیانی به آن خواهیم پرداخت.^۴

استاد معرفت با استناد به این آیه قرآنی به بیان اهمیت اعجاز بیانی قرآن کریم می‌پردازد: «وَ کَذَٰلِکَ اَوْحِیْنَا اِلَیْکَ رُوْحًا مِّنْ اَمْرِنَا مَا کُنْتَ تَدْرِی مَا الْکِتَابُ وَ لَا الْاِیْمَانُ وَ لَکِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِیْ بِهٖ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَ اِنَّکَ لَتَهْدِیْ اِلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ» (الشوری / ۵۲)

۱ - خوئی، ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۳.

۲ - زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱ ص ۶۶- و به تعریف گذشته اضافه کرده و گفته است: و یا امری است خارق العاده و خارج از اسباب و وسایل شناخته شده. و خدای تعالی آن را بر دست پیامبرش خلق و ایجاد می‌کند و پیغمبر خدا آن را بعنوان شاهد صدق ادعای خویش به مردم ارائه می‌دهد.

۳ - خوئی، البیان، ج ۱- ص ۳۴-

۴ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۷

استاد آیت الله معرفت (ره) در جلد پنجم التمهید فی علوم القرآن که به اعجاز بیانی اختصاص دارد، وجوه ده‌گانه‌ای را برای اعجاز بیانی یاد می‌کنند. استاد از اعجاز بیانی تعبیر دیگری نیز دارند، با عنوان «بدیع نظمه و عجیب رصفه»؛ یعنی نظم نو و چینش شگفت قرآن، که وجوه ده‌گانه در ذیل آن یاد می‌شود.

استاد معرفت در این زمینه می‌نویسد: « وتلك زهوره الباسقات، جاءت في حقول عشرة مکتملات، نقدّم لک إجمالها قبل بیان التفصیل^۱»:

۱. دقت در بیان (دقیق تعبیره و رقیق تحبیره).
۲. سبک نو و شیوه جدید بیانی (طرافه سبکه و غرابه اسلوبه).
۳. دلنشینی کلمات و روانی عبارات (عذوبه لفظه و سلاسه عباراته).
۴. آراستگی نظم و هماهنگی نغمه‌ها (تناسق نظمه و تناسب نغمه).
۵. نمایش معنا در آوای حروف (تجسید معانیه فی أجراس حروفه).
۶. به هم پیوستگی و انسجام در ساختار قرآن (تلاؤم فرائده و تآلف خرائده (الترابط و التناسق المعنوی)).
۷. تشبیه‌های نیکو و تصویرهای زیبای قرآن (حسن تشبیه و جمال تصویره).
۸. استعاره‌های نیکو و زیباخیالی‌های قرآن (جوده استعارته و روعه تخبیله).
۹. کنایه‌ها و تعریض‌ها زیبای قرآن (لطیف کنایته و ظریف تعریضه).
۱۰. نکته‌های تازه و زیبای بدیعی (طرائف و ظرائف).

۲-۳-۱ - دقت در بیان

برجستگی قرآن نسبت به دیگر سخنان، دقت خارق‌العاده‌ای است که در تعبیرات قرآنی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچیز در جای قرار دارد و تمامی مناسبت‌های آوایی و معنایی در واژگان به کار رفته رعایت شده است و به تعبیرات در اوج زیبایی است.

این ساختار به قدری دقیق و حساب شده است که یک پیکره و قالب به هم پیوسته‌ای را تشکیل داده است که در آن هیچ واژه‌ای را نه می‌توان برداشت و نه جای آن را تغییر داد و نه واژه‌ای

۱- همان، ص: ۱۰

دیگر را جایگزین آن کرد. و اگر چنین کاری صورت گیرد به رساندن مقصود و نظم سخن آسیب می‌رساند.^۱

این مسأله فزون بر آن که نشانه اعجاز است، خود از استوارترین دلایل مصون ماندن قرآن از تحریف است.

بسیاری از بزرگان ادب و بلاغت گزینش و چینش کمالات قرآن را در حد اعجاز ستوده‌اند. از جمله بستی به گستردگی و نیکویی درباره این ویژگی قرآن سخن گفته است.

شیخ عبدالقاهر جرجانی می‌گوید: ادیبان و بلیغان از دقت در چینش و گزینش کلمات قرآنی، کاملاً فریفته و مجذوب گردیدند؛ زیرا هرگز کلمه‌ای را نیافتند که متناسب جای خود نباشد، یا واژه‌ای را که در جایی بیگانه قرار گرفته باشد، یا کلمه دیگری شایسته‌تر یا مناسب‌تر یا سزاوارتر باشد. بلکه آن را با چنان انسجام و دقت لفظی یافتند که مایه حیرت صاحب خردان و عجز همگان گردیده است.^۲

عبدالله دراز واژگان را به مواد اولیه ساختمان تشبیه می‌کند که هنر مهندسان و بنایان در گزینش مصالح مناسب و خوب و در چگونگی به کارگیری و شکل‌دهی آنهاست. آنچه در زبان قرآن تازگی دارد آن است که به هر موضوعی که می‌پردازد برترین مواد، مناسب‌ترین آنها برای ادای مقصود، پوشش دهنده‌ترین و سازگارترین آنها با دیگر موارد را گزینش کرده است.^۳

دقت در انتخاب و گزینش کلمات، به دو شرط اصلی بستگی دارد که وجود آنها در افراد عادی عادتاً غیرممکن است: اول، احاطه کامل بر ویژگی‌های لغت به طور گسترده و فراگیر، که ویژگی هر کلمه بخصوصی را در سرتاسر لغت بداند و بتواند بدرستی در جای مناسب خود به کار برد. شرط دوم، حضور ذهنی بالفعل، تا در موقع کاربرد واژه‌ها آن کلمات مدنظر او باشند و در گزینش الفاظ دچار حیرت و سردرگمی نشود؛ حصول این دو شرط در افراد معمولی غیرممکن به نظر می‌رسد.

مبرد در تفسیر قول خداوند: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» نوشته است، که «شرعه» و «منه‌اجاً» عطف گرفته شد؛ زیرا شرعه به معنای آغاز و شروع چیزی است اما منه‌اج به قسمت

۱ - همان، ج ۵، ص: ۱۳

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۱۴

۳ - همان، ج ۵، ص: ۲۲

عمده و گسترده آن اطلاق می‌شود شاهد این مسأله آن است که عرب زمانی که کسی کاری را آغاز کند می‌گوید: «شرع فلان فی کذا» و زمانی که پارگی در لباس گستردگی یابد، می‌گوید: «انہج البلی فی الثوب».^۱

برای نمونه می‌توان مثال‌های بسیار دیگری از واژگان به ظاهر مترادف را یاد کرد که میان آنها تفاوت‌های ظریفی وجود دارد. مانند: حمد و شکر، شح و بخل، نعت و صفت، و بلی و نعم.^۲ قرآن در وصف زمین، پیش از آن که باران ببارد و گیاهان از آن برآید، گاه با واژه «هامده» یعنی مرده و زمانی با کلمه «خاشعه» یعنی فروتن و فرمان‌بردار یاد کرده است:

– «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (حج، ۲۵) و زمین را خشکیده می‌بینی و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنی‌های] نیکو می‌رویند.

– «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَرَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ» (فصلت، ۳۹) و از [دیگر] نشانه‌های او این است که تو زمین را فسرده می‌بینی و چون باران بر آن فروریزیم به جنبش درآید و بردم‌د. آری، همان کسی که آن را زندگی بخشید قطعاً زنده‌کننده مردگان است. در حقیقت، او بر هر چیزی تواناست.

برخلاف آنچه برخی می‌پندارد، این فقط نوعی تنوع در تعبیر نیست. بلکه با تأملی سریع در سیاق این دو، روشن می‌شود که در صحنه نخستین، جو رستاخیز مراد بوده است و هماهنگ با آن لفظ «هامده» آمده است که زمین افسرده با آمدن باران به جنبش در آمده و آماده پروردن سبزه و گل گردیده است. ولی در صحنه دوم، جو عبادت و خشوع است. لذا هماهنگ با این جو «خاشعه» آمده است و به «اهتزت و ربت» اکتفا شده و بیش از آن بر رویدن گل و گیاه تکیه نشده است. گسترده‌ترین وجه از وجوه اعجاز بیانی که استاد آیت الله معرفت به آن پرداخته‌اند همین وجه نخست است ایشان افزون بر نمونه‌های بسیاری از تفاوت دقیق میان واژگان در لغت، و شواهد بسیاری از دقت قرآن کریم در واژه‌گزینی که یاد کرده‌اند، چند بحث لغوی و قرآنی را نیز بررسی کرده‌اند.

۱ - همان، ص: ۲۷

۲ - همان ج ۵، ص: ۲۷

براساس آن هرچه حروف به کار رفته در یک واژه بیشتر باشد، معنای نهفته در آن واژه نیز بیشتر خواهد بود از این دست است.

۲-۳-۲ - دیدگاه معرفت در باره ترادف در قرآن کریم

همچنین بحث اشتراک و ترادف، به نظر استاد اشتراک یا وضع یک واژه برای چند معنا با حکمت وضع سازگار نیست؛ زیرا لفظ نشانه‌ای برای معناست تا آنها را از هم جدا سازد. از این رو به نظر می‌رسد اشتراک به خاطر چندگانگی و دوری سرزمین‌ها به وجود آمده است. ترادف یا وضع چند واژه برای یک معنا نیز برخلاف حکمت وضع است؛ زیرا برای رساندن یک معنا اشاره با یک لفظ کافی است پس وجود دیگر الفاظ بیهوده و لغو خواهد بود. در پی درمان این مشکل، این نتیجه به دست آمده است که در واقع ترادفی وجود ندارد و واژگانی که گمان می‌رود برای یک معناست، در حقیقت حالت‌ها و صفاتی است که بر آن معنا عراض می‌شود از این رو نام‌ها و صفاتش گوناگون است.

در بسیاری از مواردی که گمان می‌رود اشتراک لفظی وجود دارد، در واقع اشتراکی نیست چون یک وضع بیشتر وجود ندارد و در دیگر موارد به خاطر وجود مناسبتی این لفظ به کار رفته است و به صورت مجازی بوده است. سپس به تدریج این استعمال غلبه پیدا کرده است و حقیقت دومی را به وجود آورده است. بنابراین از قبیل وضع تعینی است نه وضع تقیینی. مانند: عین که وضع اولیه آن تنها برای چشم بوده است سپس در جاسوس، چشمه، و سران قوم به مناسبت و مشابهت به کار رفته است. در مقابل با وجود تفاوت‌هایی که در هر واژه لحاظ می‌شود، ترادفی وجود ندارد.^۱

از مباحث قرآنی مطرح شده در این بخش، آیات متشابه یا آیات همانند است که براساس آن زمانی که یک موضوع در قرآن تکرار می‌شود در هر جا همراه با ظرافت‌ها و نکته‌های دقیقی است که نشانگر اعجاز بیانی قرآن است.

آیا در قرآن واژه‌ای غریب و دشوار وجود دارد؟ بیشتر واژگان به کار رفته در قرآن زودفهم و پرکار بودند و در مقابل الفاظ غریب و دشوار در آن بسیار نادر است. این در حالی است که در خطبه‌های فصیحان و شعرهای شاعران نامی پر از واژگان دشوار و نادر است. غریب دو گونه است:

۱ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۴۷

الف: پیچیده و دور از فهم

ب: واژه و سخن قبایل پراکنده و دور از مرکز. غریب در قرآن از نوع دوم است از این رو مخلّ به فصاحت آن نیست. سبک قرآن فراتر از سطح عامه است که پیش پافتاده سخن می‌گویند. بنابراین احاطه کامل به واژگان و عبارات والا و ارزنده دارد و کلمات زیبا و غریب در آن چشم‌نواز است. قرآن با کاربرد لغات تمامی قبایل آنها را با لغت یکدیگر آشنا کرد و یک وحدت و یکپارچگی در زبان عربی به وجود آورد. استاد سپس نام قبایل و واژگانی را قرآن از آنان برگرفته است براساس آنچه سیوطی در الاتقان از قاسم بن سلام یاد می‌کند، آورده است.

۲-۳-۳- سبک نو و شیوه جدید بیانی

قرآن سبکی منحصر به فرد را عرضه داشت که در هیچ یک از شیوه‌های سخنوری عرب نظیر آن وجود نداشت؛ نه نثر، نه شعر و نه سجع و در عین حال امتیازات تمامی این انواع ادبی را در برداشت و از روانی نثر، زیبایی شعر، فشردگی و استواری سجع برخوردار بود. عرب آن روزگار خود به این مسأله گواهی داد. چنان که ولید بن مغیره گفت: در شگفتم از آنچه او می‌گوید. به خدا سوگند که سخن او نه شعر است و نه سحر و نه به یاوه‌های دیوانگان می‌ماند. گفته او سخن خداست.^۱

ولید در پاسخ کسی که گمان کرده بود قرآن شعر است گفت: کسی از شما از من داناتر به اشعار نیست. من رجز، قصیده و اشعار جن را از همه بهتر می‌شناسم. آنچه او می‌گوید به هیچ یک از اینها شبیه نیست. عتبه بن ربیع و انیس بن جناده که در شاعری توانا بود نیز از این مسأله در شگفت بودند که قرآن در هیچ یک از قالب‌های موجود نمی‌گنجد.^۲

محمد عبدالله دراز می‌نویسد: اسلوب قرآن نه نرمی سخن شهرنشینان را دارد و نه خشونت سخن بادیه‌نشینان. وزن مقطع‌ها در آن بیش از نثر و کمتر از شعر است. نثر آن نیز ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. واژگان در آن گزینش شده‌اند و پیش پافتاده و یا زشت نیستند بلکه بلند مرتبه و زیبایی‌مند. جمله‌ها در قرآن به گونه‌ای ترکیب شده‌اند که در کمترین کلمات معانی فراوان و گسترده‌ای تعبیه شده است. تعبیرها فشرده است اما وضوح آن حیرت‌زاست به گونه‌ای که

۱ - کاشف‌الغطاء، محمدحسین، الدین و الاسلام او الدعوة الاسلامیه، محقق، ساعدی، محمد، تهران: مجمع جهانی اهل

بیت (ع)، ۱۳۹۱ش، ج ۲ ص ۱۰۷.

۲ طبری، تفسیر الطبری: ج ۲۹ ص ۹۸.

کم‌سوادترین مردم به آسانی می‌تواند آن را بفهمد. در قرآن ژرفایی وجود دارد که به آن این شایستگی را بخشیده است که پایه و پیش‌زمینه علوم و ادبیات اسلامی و مذهب‌های فقهی و اعتقادی گردد.^۱

استاد معرفت در ادامه بحث خود از سبک قرآن، درباره وزن و قافیه در اشعار و نیز تکلفات سجع در روزگان قدیم سخن می‌گوید تا تفاوت قرآن با این اسوب را روشن سازد و به شبهاتی که درباره این بُعد اعجاز بیانی طرح شده است،^۲

۲-۳-۴ - دلنشینی کلمات و روانی عبارات

با تدبیر در نظام واژگانی قرآن، مشاهده می‌شود که واژگان به گونه‌ای ترکیب شده‌اند که همانند یک واژه به نظر می‌رسند که اصوات در آن با هم سازمندانند و بافت موسیقایی همخوانی را به وجود آورده‌اند. در این نظام گاه حرکات یک کلمه به تنهایی دشوار و ناخوشانید است اما زمانی که در قرآن به کار می‌رود، شگفت آن است که صداها و حروف پیشین زمینه‌ای را فراهم می‌سازند که آن واژه در جای خود لطیف و دلنشین به نظر می‌رسد.^۳

از باب نمونه، واژه «نُذِرُ» به سبب در پی هم آمدن دو ضمّه و خشن بودن ذال تلفظش بر زبان دشوار است، اما در بافت آیه «وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ» فضای آیه به گونه‌ای است که تلفظ ضمّه‌ها آسان می‌شود و این به سبب قلقله دال در لقد ... و طاء در بطشتنا و فتحه‌های متوالی است که در میانشان حرف مدّ فاصله افتاده و از سبکی آن کاسته است. راء «تماروا» نیز تکیه‌گاهی برای راء نذر شده است و غنه‌های به کار رفته در نون و میم انذرهم که پیش از آن طاء آمده و غنه پیش از ذال نذر نیز بر شگفتی این توازن‌ها افزوده است.^۴

واژگان طولانی مانند: «لَيْسَتْخَلِفْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ» که به خاطر مقطع‌دار بودن آسان شده است، کاربرد حروف به ظاهر زائد مانند ما در: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ» و به کار رفتن صیغه‌های خاص از برخی کلمات، در این راستا قابل مطالعه است.^۵

۱ الجندی، أنور، الفصحی لغة القرآن، ص ۴۰.

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۱۳۴

۳ - همان، ج ۵، ص: ۱۵۲

۴ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۱۵۳

۵ - همان، ج ۵، ص: ۱۵۳

۲-۳-۵ - آراستگی نظم و هماهنگی نغمه‌ها

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن، نظم‌آهنگ واژگانی آن است. این جنبه چنان زیبا و شکوهمند است که عرب را ناچار ساخت، از همان روز نخست اقرار کنند که کلام قرآن از توانایی بشر خارج است و تنها می‌تواند سخن خداوند باشد.^۱

تمامی کسانی که راز موسیقی و فلسفه روانی قرآن را درک می‌کنند، معتقدند که هیچ هنری نمی‌تواند با تناسب طبیعی الفاظ قرآن و آوای حروف آن برابری یا رقابت کند و هیچ‌کس نمی‌تواند حتی بر یک حرف آن ایراد بگیرد. دیگر این که قرآن از موسیقی بسیار برتر است و این خصوصیت را داراست که اصولاً موسیقی نیست.

سید قطب درباره نظم‌آهنگ قرآن می‌گوید: چنین نوایی در نتیجه نظام‌مندی ویژه و هماهنگی حروف در یک کلمه و نیز همسازی الفاظ در یک فاصله پدید آمده و از این جهت قرآن، هم ویژگی نثر و هم خصوصیات شعر را توأمأ دارد؛ با این برتری که معانی و بیان در قرآن، آن را از قید و بندهای قافیه و افاعیل بی‌نیاز ساخته و آزادی کامل بیان را میسر ساخته است. در همین حال از خصوصیات شعر، موسیقی درونی آن، و فاصله‌هایی که نوعی وزن را پدید می‌آورند، گرفته است.

در هنگام تلاوت قرآن آهنگ درونی آن کاملاً حس می‌شود. این آهنگ در سوره‌های کوتاه، با فاصله‌های نزدیکش و به طور کلی در تصویرها و ترسیم‌ها بیشتر نمایان است و در سوره‌های بلند کمتر، اما همواره نظام‌آهنگ آن ملحوظ است. گفته‌اند: این جنبه از اعجاز قرآن در درجه نخست به احساسات مبهمی برمی‌گردد که در قلب خواننده یا شنونده برمی‌انگیزد. به عبارتی دیگر، حروف به شکل بی‌نظیری در کنار هم قرار می‌گیرند که به هنگام شنیدن، بدون وجود دستگاه‌های موسیقی و بدون وجود قافیه یا وزن و بحر، چنین آهنگ باشکوهی از آن به سمع می‌رسد. به عنوان نمونه آیاتی از سوره نجم را مرور می‌کنیم:

« وَاللَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ * وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ * ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ * فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ * مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ * أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ * وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ * إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ * مَا زَاغَ

۱ - همان، ج ۵، ص: ۱۵۸

الْبَصْرُ وَمَا طَعَى * لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى * أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى *
* أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى * تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى» (نجم، ۱ - ۲۲)

این فاصله‌ها وزنی تقریباً مساوی دارند، اما نه براساس نظام عروض عرب، و قافیه نیز در آن رعایت شده است و از همسازی حروف واژگان و هماهنگی کلمات در درون جمله‌ها یک ریتم موسیقایی پدید آمده است.^۱

نظم‌آهنگ جمله در اینجا به پیروی از نظام موسیقی نه کوتاه است و نه بلند و طولی میانه دارد و با تکیه بر حرف «روی» فضایی سلسه‌وار و داستان‌گونه یافته است. تمام این ویژگی‌ها لمس شدنی است و در برخی فاصله‌ها بسیار نمایان‌تر است. مانند: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى» اگر «اخری» نباشد از دست می‌ورود و به آهنگ لطمه می‌خورد و اگر «ثالثه» نباشد وزن مختل می‌شود. همچنین در فرموده خداوند: «أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى * تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى» اگر إذن نباشد آهنگ کلام که با آن قوام یافته مختل می‌شود. البته این سخن بدین معنی نیست که کلمات زاید است و فقط برای پر کردن وزن و قافیه آمده است.^۲

یکی از ویژگی‌های هنری قرآن آن است که کلمه هم برای رساندن معنی ضروری است و هم آهنگ را قوام می‌بخشد و هر دوی این وظایف در یک سطح انجام می‌گیرند.

استاد معرفت بیشتر مباحث این بخش را در علوم قرآنی فارسی خود با نام نظم‌آهنگ آورده‌اند. موسیقی باطنی قرآن و خواندن قرآن با آواز خوش از مباحثی است که در ادامه یاد می‌شود.

پس از آن به مناسبت بحثی فقهی درباره جواز موسیقی طرح می‌شود این بحث در علوم قرآنی چاپ مؤسسه فرهنگی تمهید آمده و در علوم قرآن چاپ سمت نیامده است. استاد در التمهید رساله‌ای از سید ماجد حسینی بحرانی از عالمان قرن دوازده با عنوان ایقاظ النائمین را منتشر کرده‌اند و در ویرایش جدید التمهید با توجه به گشوده شدن فضا و انتشار آثار مستقل فقهی درباره موسیقی قصد حذف آن را داشتند.

۱ - همان ص: ۱۶۲

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۱۶۲

۲-۳-۶ - نمایش معنا در آوای حروف

از شگفتی‌های نظم و زیبایی‌های سبک نوین قرآن آن است که آوای حروف واژگان آن با معنایی که در جان مخاطب جای می‌دهد همساز است. گویا لفظ و معنا در رساندن مقصود بر هم پیشی می‌جویند و یکی بر گوش و دیگری بر دل فرود می‌آید. هنگامی که در مقام بزرگداشت و تکریم سخن می‌گوید، الفاظ زیبا و نیکو و زمانی که بیم می‌دهد و هراسناک سخن می‌گوید واژگان سهمگین است.^۱

زمانی که می‌خوانیم: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ» فرود آمدن عذاب و کوبش باد و برکندن اشیاء و انسان‌ها از زمین، در فشار آوای واژگان هنگام برخورد با گوش نمایان است: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا * وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا * وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذُّكْرَى» در هم کوبیده شدن زمین و رژه فرشتگان به همراه غریو برخاسته از دوزخ در ریخت به هم پیوسته لفظی این آیات به نمایش در آمده است.^۲

در ادامه این مبحث استاد به مناسبت درباره صفات حروف براساس شافیه ابن حاجب مطالبی را یاد می‌کنند.

۲-۳-۷ - به هم پیوستگی و انسجام در ساختار قرآن

بی‌تردید زیبایی سخن در تناسب میان اجزای آن نهفته است. چنین تناسب زیبایی میان آیات استوار کتاب الهی نیز وجود دارد. این کتاب را می‌توان در یک آیه و تناسب صدر و ذیل آن لحاظ کرد یا در آیاتی که در یک نوبت و به مناسبتی ویژه نازل شده‌اند و یا در آیاتی که درون سوره گرد هم آمده‌اند و وحدتی موضوعی آنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. برخی این مناسبت را میان پایان هر سوره و سرآغاز سوره بعد نیز دنبال کرده‌اند.^۳

استاد آیت الله معرفت مباحث این بخش را با تناسب میان آیات آغاز می‌کنند و سپس به بحث وحدت موضوعی در سوره می‌پردازند و پس از آن از تناسب فواصل آیات با مضمون آن و فواصل آیات سخن می‌گویند. در ادامه بحث سرآغازها و پایان سوره و حسن مطلع و حسن ختام

۱ - همان ص: ۲۲۲

۲ - همان، ج ۵، ص: ۲۲۳

۳ - همان، ج ۵، ص: ۲۳۹

در سوره مطرح می‌شود و به مناسبت مباحث به حروف مقطعه و اعجاز حسابی در آنها و مطلق اعجاز عددی کشانده می‌شود. استاد تناسب میان سوره‌ها را نمی‌پذیرند.^۱

از میان این مباحث، در علوم قرآنی فارسی بحث وحدت موضوعی سوره یا تناسب هنری میان آیات آورده نشده است.

به عنوان نمونه تناسب از تناسب فاصله با مضمون آیه در سخن خداوند در سوره مائده «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» می‌توان یاد کرد که سه بار تکرار شده است و در بار نخست به «فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» ختم شده است؛ زیرا مورد این آیه اصول اعتقادی و نشانه‌های توحید است و هرکس با آن به مخالفت برخیزد به آیات الهی کفر ورزیده است. در مرتبه دوم به «فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ختم شده است؛ زیرا سخن درباره داوری به حق است و کسی که از حدود الهی در این باره درگذرد ستم کرده است و سومین بار به «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» پایان یافته است؛ زیرا مورد آیه در باره عمل به شریعت الهی و وظایف مقرر دین است و هرکس از آن تخلف کند، فاسق است.^۲

۲-۳-۷- تشبیه‌های نیکو و تصویرهای زیبای قرآن

تشبیه تصویرگری معنا در پوشش نگارین از خیال است و به هر اندازه که تشبیه در رساندن مقصود کارسازتر باشد، زیبایی آن افزون‌تر خواند بود. دقت و لطافت تعبیر، خوبی و کمال آن را نیز فراتر می‌برد. حکایت تشبیهات قرآنی چنین است و این در حالی است که بزرگان ادب گام‌هایشان در وادی تشبیه لغزیده است و با استفاده بیشتر از تشبیه کارشان دشوارتر شده و خطایشان بیشتر گشته است. در تشبیه سه ویژگی مبالغه، روشنی و ایجاز نهفته است. تشبیه انواعی دارد و اغراضی را دنبال می‌کند که در علوم بلاغت برشمرده‌اند.^۳

از نمونه تشبیهات منحصر به فرد قرآن، تشبیه شب به لباس است: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا» شب همچون پوششی افراد را از یکدیگر نماند می‌دارد و فرصتی برای گریز و کمین و آنچه هست که خواسته شود، پنهان باشد.

۱- معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۲۴۶

۲- همان، ج ۵، ص: ۲۶۴

۳- همان، ج ۵، ص: ۳۳۳

همچنین قرآن زن و مرد را به پوشش یکدیگر تشبیه کرده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» همان‌گونه که لباس زینت انسان است و نادیدنی‌های اندام او را می‌پوشاند و او را از گزند سرما و گرما مصون می‌داد، همسر انسان نیز زینت بخش زندگی او و پوشش زشتی‌های اوست و همسر خود را از بدی‌ها و آلودگی‌ها نگاه می‌دارد.

در ادامه بحث تشبیهات قرآن، استاد آیت الله معرفت (ره) بحث تصویر هنری در قرآن را مطرح می‌کند و درباره تمثیل در قرآن سخن می‌گویند. ایشان از این مباحث در «امثال قرآن» ذیل عنوان «انواع تمثیل در قرآن» یاد کرده‌اند.^۱

۲- ۳- ۹- استعاره‌های نیکو و زیباخیالی‌های قرآن

استعاره‌گونه‌ای مجاز است که در آن رابطه معنای حقیقی با معنای مجازی شباهت میان آن دو است و به پیروی از تشبیهی که در نفس صورت می‌گیرد لفظی که برای مشبه‌به وضع شده است در مشبه به کار می‌رود.^۲

از استعاره با انواع مختلف آن به طور گسترده در قرآن کریم استفاده شده است. قرآن آفاقی جدید از معنا را در برابر چشمان عرب گشود و توان خارق‌العاده‌ای در بهره‌برداری از لغت برای ترسیم معانی را به نمایش گذاشت که اعراب تا آن روز نظیر آن را به خاطر نداشتند و این خود بُعدی از ابعاد اعجاز بیانی را تشکیل می‌دهد.^۳

– «إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (حاقه، ۱۱) ما، چون آب طغیان کرد، شما را بر کشتی سوار نمودیم.

در داستان موسی غضب او را به انسانی پرخروش تشبیه می‌کند که آرام می‌گیرد و ساکت می‌شود: – «وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُوسَى الْغَضَبُ» (اعراف، ۱۵۴) و چون خشم موسی فرو نشست، الواح را برگرف لهیب دوزخ را به خشم انسان تشبیه می‌کند که از شدت عصبانیت خونسش به جوش آمده و نزدیک است بند از بندش بگسلد:^۴

۱ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۳۳۷

۲ - همان، ج ۵، ص: ۳۸۴

۳ - همان، ج ۵، ص: ۳۸۵

۴ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص: ۳۹۲

۲- ۳- ۱۰ - کنایه‌ها و تعریض‌ها زیبای قرآن

کنایه پوشیده و در پرده سخن گفتن است و به جای تصریح به چیزی استفاده از معادلی که لازمه آن است. تعریض گوشه زدن و انتقال به مقصود از طریق مفهوم سخن است. در قرآن کریم کنایه‌ها و تعریض‌های زیبایی در اغراض گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است:^۱ خداوند متعال در مقام تهدید می‌فرماید: «قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا» یعنی اگر به بهانه گرمای هوا، جهاد را ترک گویند آتش جهنم نصیبتان خواهد شد که حرارتش بسیار سوزناک‌تر است. در مقام مذمت می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» این گوشه زدن به کافران است که همانند بهایماند و پند نمی‌گیرند. قرآن در آنجا که واژگانی است که تصریح به آنها زشت است از کنایه‌هایی زیبا استفاده می‌کند؛ از جمله همبستر شدن با زنان از تعبیراتی چون لمس کردن، نزدیکی و به خلوت رفتن یاد می‌کند.^۲

۲- ۳- ۱۱ - نکته‌های تازه و زیبای بدیعی در کتاب التمهید

بسیاری از لطایف علم بدیع، زیبایی لفظی صرف نیست، بلکه قدر و منزلت سخن را بالا می‌برد و خود استوانه‌ای از استوانه‌های بلاغت و پایه‌ای از پایه‌های فصاحت است. قرآن کریم از ظرافت‌ها و زیبایی‌های بدیعی پر است که بُعدی از ابعاد اعجاز بیانی آن است.^۳ در پایان جلد پنجم التمهید دو متن درباره اعجاز قرآن آمده است:

۱ - بخشی از کتاب الطراز یحیی بن زید علوی تحت عنوان: فصاحت قرآن در کفه ترازو. این بحث به طور فشرده تمامی جوانب بلاغت و فنون بدیع در قرآن را در بر دارد. (استاد در ویرایش جدید التمهید، به دلیل در اختیار قرار گرفتن کتاب الطراز، قصد حذف این بخش را داشتند.)
۲ - رساله‌ای از زمخشری درباره اعجاز سوره کوثر.

استاد وجوه ده‌گانه‌ای را که در جلد پنجم آورده‌اند در علوم قرآنی خود در پنج وجه خلاصه کرده‌اند و وجه پنجم آن نکته‌ها و ظرافت‌ها نام دارم که جایگزین چهار وجهی آخری است که در التمهید آمده است. البته نمونه‌هایی که یاد می‌کنند تنها به بحث تشبیه اختصاص دارد.^۴

۱ - همان، ج ۵، ص: ۴۱۶

۲ - همان، ج ۵، ص: ۴۱۹

۳ - همان، ص: ۴۳۰

۴ - همان، ص: ۴۳۱

۲-۴- نوآوری های آیت الله معرفت در خصوص اعجاز بیانی قرآن کریم

اعجاز قرآن در میان آثار استاد فقید آیت الله معرفت از جایگاه والایی برخوردار است. نیمی از کتاب ارجمند التمهید فی علوم القرآن، یعنی سه جلد از شش جلد آن به بحث اعجاز قرآن اختصاص دارد. این بخش از نظر گستردگی، جامعیت، عمق و استواری مجموعه کم نظیر بلکه بی نظیری را در میان آثار مربوط به اعجاز قرآن شکل داده است که شایان توجه و اندیشه‌گری بیشتر است. نگارش مجموعه‌ای با این حجم و با تبعی گسترده، حوصله‌ای طاقت‌فرسا را می‌طلبد که جز با عشق و علاقه خدمت به قرآن و توفیق الهی برای کسی میسر نمی‌شود^۱.

افزون بر این، استاد در جلد دوم از دو مجلد «تلخیص التمهید» این مباحث را خلاصه کردند^۲. در کتاب «علوم قرآنی» نیز با قلم فارسی و روان فشرده مباحث مهم آن را آوردند و گاه مطالب جدیدی نیز افزوده‌اند. مقالاتی نیز در برخی مباحث مربوط به حوزه اعجاز در دست اقدام داشتند. راهنمایی و مشاورت رساله‌های حوزوی و دانشگاهی در مقوله اعجاز و تدریس‌های فراوان استاد در این زمینه که افزون بر متون یاد شده همراه با بیان‌های تازه و مطالب جدید در حال پژوهش بود نیز یادکردنی است.

استاد معرفت در علوم قرآنی فارسی خود، در آغاز بحث اعجاز دو مطلب را افزوده‌اند که در التمهید منعکس نشده است:

۱. پیشینه اعجاز که در آن به اجمال گزارشی از آثاری که در گذشته و حال درباره اعجاز گذاشته شده است، آمده است.
۲. یکی از مباحث مورد علاقه استاد که بر آن تأکید داشتند و در برخی نوشته‌های خود آورده‌اند، این بحث است که معجزه یک ضرورت دفاعی است و برای اثبات اصل نبوت، نه یک ضرورت تبلیغی و برای اثبات محتوای دعوت آنان؛ زیرا دعوت انبیاء عین حق و دمساز با فطرت اصیل و عقل سلیم انسانی است.

۲-۴-۱- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص اعجاز قرآن

عجز یعنی ناتوان و اعجاز به معنای ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن است. معجزه در اصطلاح امری است بر خلاف جریان عادی نظام هستی که با دعوت به مبارزه همراه باشد، اما کسی نتواند با آن

۱ - خرقانی، حسن، اعجاز بیانی قرآن از دیدگاه آیت الله معرفت، ص ۲

۲ - معرفت، محمد هادی التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، صص ۱۷۱-۱۷۲.

رویاری کند و خداوند آن را بر دست پیامبران جاری می سازد تا نشانه درستی رسالتشان باشد.^۱

معجزات پیامبران با توجه به سطح فرهنگی و اجتماعی امت هایی که به سوی آنان فرستاده می شوند متفاوت بود. آخرین معجزه الهی، پیشرفته ترین و برترین آن ها است و متناسب با جاویدان بودن شریعت اسلام و به تمامی بشریت در هر عصر و نسل که باشند، عرضه شده است و بر سایر معجزات امتیازهایی همچون عقلی بودن و همراهی اعجاز با کتاب قانون گذاری و هدایت دارد.^۲

۲ - ۴ - ۲ - سر اعجاز

در خصوص سر اعجاز در این بحث استاد آیت الله معرفت (ره) فشرده نظرات عالمان را در رمز و راز اعجاز قرآن بیان می کنند که در نه محور خلاصه می شود:^۳

۱. فصاحت و بلاغت بی نظیر؛ ۲. نظم آهنگ شگفت؛ ۳. معارف والا؛ ۴. قانون گذاری های همه جانبه نگر؛ ۵. شیوه استدلال ۶. خبرهای غیبی؛ ۷. اشاره های علمی؛ ۸. استواری بیان و پیراستگی از اختلاف؛ ۹. صرفه.^۴

۲ - ۴ - ۳ - دیدگاه های پیشینان در باره اعجاز

آیت الله معرفت (ره) در بحثی مبسوط که کمی بیش از صد صفحه را به خود اختصاص داده است، مهم ترین دیدگاه های اندیشمندان جهان اسلام را درباره چگونگی و وجوه معجز بودن قرآن، بیان می کند. در این بخش، آرای عالمان شیعه و اهل سنت همپای هم آورده شده است. نظرات، انتخابی و سنجیده اختیار شده و به صورتی نیکو سامان یافته و گفته های ارزشمندی را در خود جای داده است و سیر اندیشه اعجاز را در تفکیر اندیشمندان مسلمان به خوبی روشن می سازد که خور مطالعه است.^۵

۱. همان، ص ۵۳۷.

۲. ر. ک: همان، صص ۲۰-۱۶.

۳ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۳۶۵.

۴ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، صص ۳۶۶-۳۵۶.

۵ - معرفت، علوم معرفت قرآنی، ج ۳، ۵۳۹ - ۵۴۰.

۲-۵- شبهات در زمینه اعجاز بیانی

بطبق نوشته های آیت الله معرفت درباره وجوه اعجاز قرآن دیدگاه های گوناگون از گذشته وجود داشته است و در عصر حاضر توسعه چشمگیری یافته و وجوه گوناگون دیگری به آن افزوده شده است. از جمله جلال الدین سیوطی بسیاری از انواع علوم قرآن را که در الاتقان خود آورده است، در کتاب معترک الاقران فی اعجاز القرآن» به عنوان وجوه امتیاز قرآن شماره می کند و در عصر حاضر تکنوگاری های فراوانی در موضوعاتی همچون اعجاز علمی، اعجاز طبّی، اعجاز ریاضی یا عددی، اعجاز روانشناسی و ... به چشم می خورد.

کدامیک از این وجوه را می توان به درستی از وجوه اعجاز قرآن شمرد و جایگاه اعجاز بیانی در این میان چیست؟ این مسأله مبتنی بر مسأله تحدّی قرآن است. قرآن که دیگران را به مبارزه می طلبد و از آنان می خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارند همانند آن بیاورند، ناظر به چه بُعدی از ابعاد این کتاب کریم است؟ آیا این تحدّی تمامی ابعاد را شامل می شود؛ اعم از بیانی، علمی، اخبار غیبی، محتوایی و تشریحی، عدم اختلاف و ناسازگاری و دیگر وجوهی که اعجاز پژوهان به دست آورده اند یا شامل بُعد خاصی است که مثلاً بیانی یا محتوایی باشد.

آن استاد فقیه در عین تلاش گسترده ای که در شناساندن امتیازات و زیبایی های بیانی قرآن داشت، سهم عمده را به محتوا و معارف قرآن می داد اما انحصاری اعجاز در معارف را نادرست می دانست و در مجال های گوناگون به نقد این دیدگاه انحصار می پرداخت. از جمله در درس اعجاز قرآن دوره دکترا که نگارنده خود در آن حضور داشت، استاد به طرح نظر شیخ مجتبی قزوینی و بررسی آن پرداخت.^۱

یکی از نقدهای استاد این بود که اگر تنها محتوا ملاک باشد تمام آنچه را انبیاء(ع)، پیامبر اسلام(ص)، حضرت امیر و امامان معصوم(ع) آورده اند قابل تحدّی است حتی آنچه را حکما آورده اند در زمان خود قابل تحدّی است.^۲

۱ - خرقانی حسن، اعجاز بیانی از دیدگاه آیت الله معرفت، سایت معارف وحی و خرد، marefa.ir

۲ - نصیری، علی، معرفت قرآنی (یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره)) جلد سوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۶۷

دستاوردهای علوم بلاغی، در مقایسه با سایر وجوه اعجاز قرآن، به جهت تناسب موضوعی، بیشترین نقش را در پاسخ‌گویی به شبهات اعجاز بیانی دارند؛ از این رو این دسته از شبهات در ابتدای بیان نمونه‌ها قرار گرفته‌اند که در ذیل به برخی از آنها می‌پردازیم:

۲- ۵- ۱- شبهه تکرار در اعجاز بیانی

یکی از شبهاتی که پیوسته مخالفان، در باره بخش‌های مختلف قرآن، طرح کرده‌اند، شبهه تکراری بودن برخی مطالب یا آیات - اعم از تکرار لفظ آیه یا معنای آن - و ناسازگاری تکرار، با فصاحت و بلاغت است. این شبهات را می‌توان در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

۱. تکرار در بیان و نقل برخی حوادث تاریخی؛ مثلاً قرآن کریم داستان حضرت آدم(ع) را در سوره‌هایی متعدد، و در ابعاد گوناگون بیان کرده است؛ شبیه چنین وضعیتی نسبت به سایر پیامبران ذکر شده در قرآن نیز با نوسان در فراوانی، مشاهده می‌شود.^۱ یکی از اشکالات پیامد این موضوع، اختلاف در تعبیر و گزارش قرآن از حوادثی معین است که شبهه ناسازگاری بیانی و ناهماهنگی در نقل را نیز به وجود آورده است.

۲. مکرر آمدن بعضی از آیات خاص، مانند تکرار سی و یکباره کریمه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در سوره الرحمن، یا بیان دهگانه کریمه «فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ» در سوره مرسلات. دانشمندان بلاغی و قرآن‌پژوهان، در هریک از این موارد، توجیهاتی برای اثبات ضرورت یا دست‌کم، فائده داشتن تکرار، ارائه کرده‌اند.

اما در خصوص تکرار قصه‌های قرآنی، از دیرباز، قرآن‌پژوهان برای یافتن توجیهی منطقی در این باره، اهتمام داشته‌اند.

اما در خصوص پاسخ آیت الله معرفت به شبهات تکرار و حکمت تکرار در قصه‌های قرآن آمده است:

تکرارهای صورت‌گرفته در قرآن به گوناگونی هدف‌هایی برمی‌گردد که قرآن در پی آن است. یک قصه ممکن است دارای ابعادی چند باشد و با یک بار گفتن، پیام‌های هدایتی و تربیتی آن پایان نیابد؛ از این رو در مناسبت‌های پیش‌آمده، هر بار به لحاظ بُعدی از آن تکرار می‌شود و در نوبت دیگر، این مناسبت تغییر می‌کند و مناسبتی دیگر جایگزین آن می‌شود.

۱ - محمدیان، محمد، الفهرست الموضوعی لآیات القرآن، ج ۲ ص ۴۶۵-۲۲۳.

بیشترین تکرار در داستان موسی و فرعون و سرگذشت بنی اسرائیل صورت گرفته است. سرّ این مسأله از یک سو به همجواری و آشنایی عرب ها با یهود و منزلت یهود در نزد آنان برمی گردد و از سوی دیگر، سرگذشت بنی اسرائیل و رفتار آنان با پیامبران به اوضاع و احوال مردمان معاصر ظهور اسلام بیشتر شباهت داشت؛ بنابراین رابطه ی نزدیکی میان تاریخ گذشته، یهود و رفتار عرب وجود داشته است.^۱

از نکته های قابل توجه در تکرار داستان حضرت موسی (علیه السلام) تفاوت روح کلی آن در سوره های مکی با سوره های مدنی است. در سوره های مکی، سمت و سوی داستان، مبارزه و گفت و گوهای موسی (ع) با فرعون و اطرافیان او است و به رابطه ی بنی اسرائیل با موسی (علیه السلام) پرداخته نمی شود، مگر در دو مورد که درباره ی انحراف های اعتقادی آنان است، اما در سوره های مدنی بیشتر رابطه ی موسی (علیه السلام) و بنی اسرائیل و مشکلات اجتماعی و سیاسی آنان حکایت می شود.^۲

این نکته ما را به این مسأله رهنمون می شود که تکرار داستان در سوره های مکی برای کمک به پیامبر (ص) و مسلمانان در رویارویی با مشرکان و تقویت روحیه ی آنان بود. البته بر آورده شدن هدف قرآن، تنها به رابطه ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ستمگران زمان او محدود نمی شود، بلکه در هر دوره از تاریخ، ممکن است چنین وضعیتی وجود داشته باشد و مؤمنان با ستمگران و صاحبان زر و زور، در شرایط دشواری رویارو باشند و تاریخ، همیشه در حال تکرار است.

داستان دیگر پیامبران مانند نوح و ابراهیم (ع) نیز همین گونه است و سمت و سوی داستان با توجه به فضای حاکم بر دعوت اسلامی و شرایط پیش روی مسلمانان در مکه و مدینه تفاوت دارد.

اگر از دیدگاه ادبی به این تکرارها بنگریم، در می یابیم که قرآن هرگاه قصه ای را تکرار می کند، با نکته ها و ظرافت هایی همراه است که برحسب مناسبت ها لحاظ می شود. این مسأله نمودی از اعجاز بیانی قرآن و بلاغت برتر آن است؛ زیرا نشان دهنده ی توان بالای قرآن در گزارش یک داستان به گونه های مختلف است و هر بار نیز به شیوه ای شگفت حکایت می شود؛ به طوری که

۱ - معرفت، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، صص ۵۲۹.

۲ - همان صص ۵۲۹.

شنونده از شنیدن دوباره و چند باره ی آن دل زده نمی شود و هر بار در آن، تازگی و طراوتی لذت بخش می یابد^۱.

فصل سوم
تحدی قرآن
از دیدگاه آیت الله معرفت
و
بیان نوآوری ایشان در این مورد

از جمله مباحث مهم علوم قرآنی مبحث تحدی قرآن کریم است. تحدی به معنای مبارزه طلبی و یا هم‌آوردی در خصوص آوردن شبیه قرآن در آیات متعددی از قرآن کریم در مناسبت های متفاوت گاهی خطاب به تمام انس و جن و گاهی در خطاب به مشرکان و معاندان و گاهی برای اهل زبان ذکر شده است. در این قسمت از پژوهش تلاش شده است ابتدا مسئله تحدی قرآن و آیات مربوط به تحدی و نظر برخی از مفسران به عنوان قسمت نخست فصل، تبیین، و در قسمت های بعدی دیدگاه استاد معرفت در خصوص تحدی که در کتاب ارزشمند خود التمهید بیان کرده مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- مفهوم تحدی در قرآن

تحدی، مبارزه طلبی و معارضه کردن، دال بر یک واقعیت تاریخی قرآنی است که عبارت است از امر خداوند به مخالفان و منکران وحی قرآن و صدق نبوت حضرت محمد - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - که اگر طبق ادعای خود، قرآن را مجعول و پیش خود ساخته و اساطیر الاولین می‌دانند، نظیر آن را بیاورند.^۱

آیات تحدی در قرآن به دو صورت مطرح گردیده‌اند: ^۲ الف. تحدی به صورت عام و کلی؛ ب. تحدی به صورت خاص و جزئی؛

آیاتی که تحدی به صورت کلی در آن ها مطرح شده است به ترتیب نزول از این قرارند:

۱. «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^۳ «بگو اگر جن و انس اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد، هر چند یکدیگر را در این کار کمک کنند».^۴

۲. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۵. «آیا آن‌ها می‌گویند: «او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است»؟ بگو: «اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید، و غیر از خدا هر کس را می‌توانید (به یاری) طلبید!»

۱ - خرمشاهی، بهاء الدین: قرآن پژوهی، تهران، دوستان، چ اول، ۷۷، ج ۱، ص ۴۸۱.

۲ - جوان آراسته، درسنامه علوم قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۷۷.

۳ - اسراء، آیه ۸۸.

۴ - در ترجمه آیات، از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی استفاده شده است.

۵ - یونس، آیه ۳۸.

۳. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بَعْشَرَ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» «آیا می‌گویند: «او به دروغ این قرآن را به خدا نسبت داده و ساختگی است؟» بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره‌ی ساختگی همانند این قرآن را بیاورید؛ و تمام کسانی را که می‌توانید، - غیر از خدا - برای این کار دعوت کنید!».

۴. «أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَاْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»^۱ «یا می‌گویند: قرآن را به خدا افترا بسته؟ ولی آنان ایمان ندارند، اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند.»

۵. «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^۲ «و اگر درباره آن چه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید، و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید اگر راست می‌گویید. پس اگر چنین نکردید - که نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، (بدن‌های مردم (گنجه‌کار) و سنگها (بتها) است، و برای کافران آماده شده است!».

در آیات قرآن کریم، گاه تحدی به کل قرآن، گاه به ده سوره و گاه به یک سوره از آن صورت گرفته است. این گونه تحدی زمینه ساز این سؤال شده است که راز این درخواست‌ها و همانند خواهی‌های متفاوت چیست؟

پاسخی که معمولاً داده می‌شود این است که قرآن با این شیوه، تحدی از اشد به اخف نموده است تا اعجاز قرآن بهتر به کرسی نشیند. در آغاز درخواست کرده تا همانند کل قرآن را بیاورند. پس از آن که تلاش برای همانندآوری کل قرآن صورت گرفت و ناتوانی بشر از آوردن همانند آن روشن شد، ده سوره همانند سور قرآن را می‌طلبد و پس از تلاش و اثبات عجز آنان از آوردن ده سوره، قرآن از آنان می‌خواهد که یک سوره همانند قرآن بیاورند. به این ترتیب قرآن مجید سه بار با فاصله‌ی زمانی انگیزه‌های مردم را به سوی همانند آوری قرآن سوق داده و عجز آنان از آوردن همانند قرآن را در سه مرحله با سیر از دشوارتر به آسان‌تر به اثبات رسانده است.

۱ - بقره، آیه‌ی ۲۳ - ۲۴.

۲ - زنجانی، ابو عبدالله؛ تاریخ القرآن، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، ج اول، ۱۴۰۴، ص ۵۵ -

این پاسخ، بر یک پیش فرض استوار است و آن این که نزول و به ویژه ابلاغ آیات یاد شده به ترتیبی بوده باشد که در این پاسخ مطرح شده است. به این معنی که اول آیات تحدی به کل قرآن، سپس آیات تحدی به ده سوره و در نهایت آیات تحدی به یک سوره نازل شده است. در حالی که در آیات قرآن هیچ شاهی بر این مدعا وجود ندارد.

بعلاوه قول مشهور بین مفسران و دانشمندان علوم قرآنی آن است که سوره یونس که مشتمل بر آیات تحدی به یک سوره است قبل از سوره یهود که مشتمل بر آیات تحدی به ده سوره می باشد، نازل شده است. و به این دلیل پیش فرض یاد شده مورد تردید قرار گرفته و پاسخ یاد شده را دچار تزلزل ساخته است. این نکته مفسران را بر آن داشته است که تبیین و توجیه های دیگری را به میان کشند و یا دفاعی ویژه از پیش فرض یاد شده به عمل آورند.^۱

در این جا به منظور جلوگیری از اطاله ی سخن از پرداختن به نقد و بررسی اقوال یاد شده خودداری کرده و به بیان وجهی که به نظر ما سازگارترین وجه با آیات است اکتفا می کنیم.

گرچه اکثر قریب به اتفاق مفسران و دانشمندان علوم قرآنی مفاد آیات تحدی به مثل قرآن را به کل قرآن دانسته اند ولی این احتمال که مقصود از قرآن در این آیات معنای جنسی باشد و درصدد بیان مقدار معجزه قرآن نباشد به صورت جدی مطرح است زیرا قرآن از ماده قرائت است و قرائت و تلاوت، هم بر کل قرآن صادق است و هم بر جزء آن. علاوه بر آن هنگام نزول این آیات، تمام سوره های قرآن نازل نشده بود. بنابراین نمی توان تحدی در این آیات را تحدی به کل قرآن دانست. در این صورت بحث از «ترتیب تحدی» در این مورد رنگ می بازد. ولی با فرض پذیرش قول مفسران در این خصوص می توان گفت آیات تحدی در مرحله اول از بشر می خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارد کتابی همانند قرآن که دارای همه ی امتیازات قرآن باشد بیاورند و پس از آن که عجزشان ثابت شد تخفیف داده می فرماید: یک سوره که از هر جهت شبیه سور قرآنی باشد و همه امتیازات یکی از سور قرآن را دربرداشته باشد بیاورند، و پس از آن که از چنین امری نیز عاجز شدند تخفیف داده از ایشان می خواهد که ده سوره بسازند که هر کدام دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد بطوری که مجموع آن ده سوره بتواند ویژگی های یک سوره قرآن را دارا باشد. بدیهی است که ساختن یک سوره که از هر نظر شبیه یک سوره قرآن

۱ - مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چ اول، ۷۶، ص ۱۲۷ - ۱۳۳.

باشد، مشکل‌تر از فراهم آوردن چند سوره است که هر یک در یک جهت شبیه قرآن باشد. پس تحدی از اشد به اخف صورت گرفته و معقول است.^۱

در دسته‌ای دیگر از آیات قرآن، تحدی به صورت خاص مطرح شده است^۲ که تنها به عناوین موضوعات اشاره می‌کنیم:

۱. تحدی به آورنده‌ی قرآن.

۲. تحدی به فصاحت و بلافت.

۳. تحدی به هماهنگی و عدم اختلاف.

۴. تحدی به خبرهای غیبی.

۳- ۱- ۲- تحدی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

" قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا وَكَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا".

کلمه ظهیر به معنای کمک کار و ماخوذ از ظهر است مانند کلمه رئیس که ماخوذ از "رأس" است، و کلمه "بمثله" از باب به کار بردن اسم ظاهر در جای مضمَر است، و ضمیر آن به قرآن برمی‌گردد.

در این آیه به روشنی و صراحت تحدی شده است، و ظهور در این دارد که به تمامی خصوصیات قرآن و صفات کمالی که از نظر لفظ و معنا دارد تحدی شده، نه تنها به فصاحت و بلاغت لفظ آن، زیرا اگر منظور معجزه بودن لفظ آن بود دیگر معنا نداشت که همه جن و انس را دخالت دهد، بلکه باید می‌فرمود: اگر همه عرب جمع شوند نمی‌توانند به مثل آن بیاورند.

علاوه بر این ظاهر آیه می‌رساند که تحدی مزبور مدت معینی ندارد، به شهادت اینکه می‌بینیم در این عصر هم که اثری از فصحا و بلغای آن روز عرب نمانده قرآن بر اعجاز باقی مانده و به بانگ بلند تحدی می‌کند^۳

علامه طباطبایی در خصوص امر تعجیزی بودن تحدی قرآن می‌گوید: «(فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ) امر در (فاتوا، پس بیاورید)، امر تعجیزی است، تا بهمه بفهماند: که قرآن معجزه است، و هیچ بشری

۱ - مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، ص ۱۲۵ - ۱۳۳. با اندکی تصرف.

۲ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۵۹ - ۷۳.

۳ - طباطبایی، محمد حسین، ترجمه المیزان، موسوی همدانی، ج ۱۳، ص: ۲۸۰

نمی‌تواند نظیرش را بیاورد، و اینکه این کتاب از ناحیه خدا نازل شده، و در آن هیچ شکی نیست، معجزه است که تا زمین و زمان باقی است، آن نیز باعجاز خود باقی است، و این تعجیز، در خصوص آوردن نظیری برای قرآن، در قرآن کریم مکرر آمده، مانند آیه: (قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ، لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ، وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا)، (سوره اسراء آیه ۸) بگو اگر انس و جن دست بدست هم دهند، که مثل این قرآن بیاورند، نمی‌توانند بیاورند، هر چند که مدد کار یکدیگر شوند) و نیز مانند آیه: (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ؟ قُلْ فَاتُوا بَعْشَرَ سُورِ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ، وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ، إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (سوره هود آیه ۱) و یا آنکه می‌گویند: این قرآن افتراپی است که بخدا بسته، بگو اگر راست می‌گویید، غیر از خدا هر کس را که میخواهید دعوت کنید، و بکمک بطلبید، و شما هم ده سوره مثل آن بخدا افتراء ببندید)^۱ و بنا بر این ضمیر در کلمه (مثله)، به کلمه (ما)، در جمله (مما نزلنا) برمی‌گردد، و در نتیجه آیه شریفه تعجیزی است از طرف قرآن، و بی سابقه بودن اسلوب و طرز بیان آن.

ممکن هم هست ضمیر نامبرده به کلمه (عبد)، در جمله (عبدنا) برگردد، که در این صورت آیه شریفه تعجیز بخود قرآن نیست، بلکه بقرآن است از حیث اینکه مردی بی سواد و درس نخوانده آن را آورده، کسی آن را آورده که تعلیمی ندیده و این معارف عالی و گرانبها و بیانات بدیع و بی سابقه و متقن را از احدی از مردم نگرفت^۲

سید قطب^۳ همانند علامه طباطبایی^۴ تحدی و اعجاز قرآن را عام و در همه وجوه یاد شده می‌داند و گرنه خداوند تحدی را به عرب منحصر می‌کرد و مطلق نمی‌آورد^۵ برای تحدی، وجوهی دیگر، مانند فصاحت و بلاغت، نظم زیبا، حقانیت و راستی، نبود باطل و دروغ در آن،

۱ - طباطبایی، محمد حسین، ترجمه المیزان، موسوی همدانی، ج ۱، ص: ۹

۲ - طباطبایی، محمد حسین، ترجمه المیزان، موسوی همدانی، ج ۱، ص: ۹

۳ - سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۱۸۶۱-۱۸۶۳.

۴ - همان؛ المیزان، ج ۱، ص ۶۲، ۶۸.

۵ - طباطبایی، محمد حسین المیزان، ج ۱۰، ص ۱۶۳.

احکام و شرایع، معانی بلند و... نیز ذکر شده است که به موارد یاد شده باز می‌گردد، به هر روی^۱ قرآن برای همه بشر فرود آمده و تحدی آن نیز عام و فراگیر است.^۲ هنگامی که قرآن بحث تحدی را مطرح کرد، اگر برای فصیحان عرب امکان داشت که هموردی مانند قرآن بیاورند هیچ‌گاه به جنگهای خونین و مشکلات دیگر تن نمی‌دادند^۳ به مرور زمان، مفهوم تحدی ارتباط تنگاتنگی با اعجاز قرآن یافت. در سخن از فرق معجزه با کارهای بزرگ نوابغ، یا کرامات اولیا نیز تحدی را شرط کرده‌اند، چرا که گاه ممکن است خداوند امکان انجام دادن کاری فرابشری را به کسی بدهد و آن شخص ادعای نبوت نداشته باشد.

۳- ۱- ۳- دعوت جهانی قرآن به تحدی

مطابق ظاهر آیات قرآن، قلمرو مبارز طلبیدن، نه تنها جهانی است، بلکه جنیان را هم شامل می‌شود. حال، اگر تحدی قرآن، تحدی در فصاحت و بلاغت باشد، قلمرو این مبارزه جویی، فقط مردم عرب زبان خواهند بود. برای آنکه مردم جهان به زبان‌های گوناگون تکلم می‌کنند. این نکته مورد تأیید طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی هم قرار گرفته است. ایشان در این خصوص نوشته است:

«محور تحدی رسول اکرم تنها فصاحت و بلاغت قرآن نیست، زیرا کسی که نه زبان عربی را می‌فهمد و نه با آن می‌تواند سخن بگوید برای او تحدی به فصاحت و بلاغت روا نیست.^۴ بنابراین، اگر فروکاستن تحدی قرآن به فصاحت و بلاغت مجاز باشد، تحدی قرآن محدود به اعراب خواهد شد.

طباطبایی گفته است، اگر تحدی در فصاحت و بلاغت منظور باشد، دایره‌ی دعوت، تمام اعراب را هم در برنخواهد گرفت: «اگر علت و وجه معجزه بودن قرآن تنها فصاحت و بلاغت آن بود - با اینکه تشخیص کلام فصیح و بلیغ از غیر آن جهانی و عمومی نبود، زیرا عرب به تنهایی در این

۱ - جرجانی، اعجاز القرآن، ۱۴ ۲۴.

۲ - مدخل التفسیر، ص ۴۸.

۳ - الطوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش حسن سعید، تهران، مکتبه جامع چهل ستون، ۱۴۰۰ ق. ص ۱۶۹.

۴ - جوادی آملی، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، جلد ۲، صص ۴۳۴-۴۳۳.

فن تخصص داشت - دیگر معنا نداشت بفرماید: همه جن و انس را برای شرکت در این امر دعوت کنید، و غیر از خدای تعالی هر کس دیگری را به کمک بگیرید^۱»

«پس اگر تحدی‌های قرآن تنها درخصوص بلاغت و عظمت اسلوب آن بود، دیگر نباید از عرب تجاوز می‌کرد، و تنها باید عرب را تحدی کند، که اهل زبان قرآنند، آن هم نه کردهای عرب، که زبان شکسته‌ای دارند، بلکه عرب‌های خالص جاهلیت و آنها که هم جاهلیت و هم اسلام را درک کرده‌اند، آن هم قبل از آنکه زبان‌شان با زبان دیگر اختلاط پیدا کرده، و فاسد شده باشد، و حال آنکه می‌بینیم سخنی از عرب آن هم با این قید و شرط‌ها به میان نیآورده، و در عوض روی سخن به جن و انس کرده است، پس معلوم می‌شود معجزه بودنش تنها از نظر اسلوب کلام نیست»^۲

۳-۲- تحدی قرآن از نظر آیت الله معرفت

آیت الله معرفت در کتاب ارزشمند خود که به کتاب التمهید معروف است در جزء چهارم این کتاب به مسئله تحدی قرآن پرداخته و برای تحدی قرآن با توجه به مضامین آیات مراحل نیز در نظر گرفته است.

و آن اینکه کلمه (بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ وَ كَلِمَةٍ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ) بدون قید و شرط، و بدون تعیین مثلث بکار رفته‌اند. به این معنی که از این دو کلمه استفاده نمی‌شود: از چه لحاظ نمی‌توان نظیر قرآن را آورد، از لحاظ فصاحت و بلاغت، یا از نظر اسلوب جملات و کلمات، از لحاظ اختصار و فشردگی آنها، یا از نظر اخبار گذشتگان و آیندگان، یا از این قبیل‌ها که قرآن حاوی صدها نظیر اینها که احدی جز خدا و خاندان وحی از آنها آگاه نشده و نخواهد شد. و این بیانگر این معنی می‌باشد که بشر نه تنها نمی‌تواند از جمیع جهات: نظیر قرآن را بیاورد. حتی قادر نیست از هزارها جهات فقط از یک جهت آنها نظیر قرآن را بیاورد. زیرا اگر می‌شد از هزارها جهت فقط از یک جهت نظیر قرآن را آورد باز هم می‌توان گفت: نظیر قرآن را آورده است.^۳

۱ - علامه طباطبایی، المیزان، جلد ۱۰، ص ۲۴۳.

۲ - علامه طباطبایی، المیزان، جلد ۱، ص ۹۴.

۳ - همان، ص: ۱۶۷

۳-۲-۱- تحدی در قرآن

در مقام تحدی، قرآن کریم بارها، ناباوران را به مبارزه و هم‌آوردی خوانده، می‌گوید: اگر باور ندارید که این قرآن سخن خدا باشد و گمان می‌برید ساخته و پرداخته دست بشر است، هر آینه آزمایش آن آسان است، سخن دانان و سخن‌وران خود را وادارید تا در این راستا نیروی خود را به کار گیرند و سخنی هم چون قرآن، زیبا و شیوا، محکم و استوار، و حکمت وار، بسازند و ارائه دهند، ولی هرگز چنین اقدامی نتوانید کرد، زیرا به خوبی می‌دانید که قرآن همانند سخن بشر نیست. این نوع مضمون تحدی در آیات زیر تجلی یافته است^۱

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره، ۲۳). و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس- اگر راست می‌گویید- سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را- غیر خدا- فرا خوانید.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (یونس، ۳۸) یا می‌گویند: «آن را به دروغ ساخته است؟» بگو: «اگر راست می‌گویید، سوره‌ای مانند آن بیاورید، و هر که را جز خدا می‌توانید، فرا خوانید.»

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (هود، ۱۳) یا می‌گویند: «این [قرآن] را به دروغ ساخته است.» بگو: «اگر راست می‌گویید، ده سوره برساخته‌شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید.»

۳-۲-۲- مراحل تحدی

استاد معرفت برای تحدی و مبارزه طلبی قرآن با الهام از آیات قرآنی مراحل نیز ترسیم نموده است و می‌گوید: «قرآن در چند مرحله، تحدی و هم آورد خواستن خود را مطرح کرده»^۲ متن عربی گفته‌های معرفت در کتاب التمهید اینگونه بیان شده است:^۳ «لقد تحدى القرآن عامه العرب، مذ نشأ بين ظهرانهم، و هم لمسوه بأناملهم فوجدوه صعبا على سهولته و ممتنعا على يسره، فحاولوا معارضة و لكن لا بالكلام، لعجزهم عنه، بل بمقارعة السيوف و بذل الأموال و

۱ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۱

۲ - همان، ص: ۲۲

۳ - همان، ص: ۲۲

النفوس، دلیلاً علی فشلهم عن مقابله بالبيان» قرآن کریم با تمام قوم عرب تحدی کرده است از همان آغاز نزول قرآن در حالیکه میان قوم عرب نازل شده بود و با دست و زبان خود لمس کرده بودند و قرآن را علی رغم آسان بودن این کتاب آن را دشوار یافتند یعنی سهل و ممتنع بود در نتیجه تصمیم گرفتند با قرآن هم‌وردی کنند اما نه با سخن گفتن به دلیل اینکه از این کار ناتوان بودند اما تصمیم گرفتند که با زور و شمشیر و بخشش مال و جان معارضه کنند و این بهترین دلیل بر ضعف و ناتوانایی آن قوم.

۳-۲-۳ - بطور مطلق سخنی همانند قرآن

«أَمْ يَقُولُونَ تَقَوْلُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ، بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور، ۳۴ - ۳۳) آیامی گویند: آن را بر بافته؟ [نه] بلکه باور ندارند! پس سخنی همانند آن بیاورند، اگر راست می‌گویند.

تَقَوْلُهُ ضمیر به قرآن بر می‌گردد یعنی یا کفار می‌گویند که محمد قرآن را از پیش خود ساخته است. بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ولی آن طور که آنها فکر می‌کنند نیست و با آن که می‌دانند قرآن ساخته محمد صلی الله علیه و آله نیست از روی عناد و کفر این سخن را می‌گویند. فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ اگر راست می‌گویند گفتاری مانند قرآن در فصاحت و زیبایی بیان و اسلوب و نظم بیاورند و هر گاه نتوانستند مانند قرآن بیاورند با این که محمد صلی الله علیه و آله نیز یکی از آنهاست (عرب زبان است) باید بدانند که او قرآن را از پیش خود نساخته است^۱

۳-۲-۴ - اندازه ده سوره

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود، ۱۳) یا می‌گویند: «این [قرآن] را به دروغ ساخته است.» بگو: «اگر راست می‌گویند، ده سوره بر ساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید.

۳-۲-۵ - یک سوره همانند قرآن

آن گاه، برای آن که از اعتبار مدعیان بکاهد، پیش نهاد کرده که یک سوره همانند قرآن بیاورند: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس، ۳۸) یا می‌گویند: «آن را به دروغ ساخته است؟» بگو: «اگر راست می‌گویند، سوره‌ای مانند آن بیاورید، و

۱ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۲

هر که را جز خدا می‌توانید، فرا خوانید. «قل» بگو: اگر چنان که شما گمان می‌برید: من آن را بدروغ به خدا نسبت داده‌ام شما هم یک سوره مثل آن در بلاغت و خوش‌نظمی بیاورید، زیرا شما هم در عربی دانی و فصاحت مانند من هستید^۱

۳-۲-۶- قاطعیت هر چه تمام‌تر، عجز و ناتوانی نهایی آنان

و برای آخرین بار، با قاطعیت هر چه تمام‌تر، عجز و ناتوانی نهایی آنان را اعلام نمود: ^۲ «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۲۳) فان لم تفعلوا و لن تفعلوا، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (بقره، ۲۴)، اگر نیاورید نسبت به آن چه بر بنده خویش فروفرستاده ایم، پس همانند یک سوره آن بیاورید، یا سوره ای از هم چون فردی بیاورید و اگر [چنین کاری را] نکردید و هرگز نتوانید کرد، پس پروا کنید از آتشی که فروزنده آن آدمیان و سنگ خارا می‌باشد و برای کافران آماده گردیده است.

۳-۲-۷- تحدی با تمام جن و انس

آن گاه و پس از این تجربه تلخ و ناگوار برای ناباوران، روی سخن را به توده بشریت کرده، برابر ابدیت اعجاز و تحدی قرآن را اعلام نموده است :

«قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً (اسراء، ۸۸)، بگو: اگر تمامی انس و جن [که در بستر تاریخ قرار گرفته اند] گرد هم آیند و بخواهند همانند این قرآن بیاورند، هرگز نتوانند، گرچه همگی پشت در پشت یک دیگر قرار گیرند».

این مطلب متواتر است که زمان بعثت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم ظهور مرتبه فصاحت بدرجه کمال بود و لذا اعظم معجزات آن سرور قرآن شریف واقع شد که غایت فصاحت و بلاغت را دارا که فوق آن متصور نخواهد بود و البته با آن عناد و لجاج و عصیبت کفار و مشرکین که معروف و مشهور آفاق بوده در مقام معارضه بر آیند و نهایت سعی را بنمایند به جهت اظهار فضل و ابطال افضل خصوصاً بنزول این آیه شریفه که اخبار فرماید عجز تمام ثقلین

۱ - همان ۲۲

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۳

را از معارضه چنانچه همت گماشتند بالاخره حاضر گشتند و اعجاز قرآن و صدق نبی آخر الزمان مبرهن و مسلم آمد و این عجز تا قیامت باقی خواهد بود و قوانین و احکام آن چنان متقن و مستحکم است که اگر تمام عقلای عالم جمع شوند و بخواهند قانون جامع کافی و وافی نظام بشریت را وضع کنند نتوانند، قرآنست که تمام فوائد روحی و جسمی و دنیائی و آخرتی عموم طبقات بشر را تا انقراض عالم دارا و بدقت نظر، حقانیت آن هویدا خواهد بود^۱

۳-۲-۸- سر اعجاز نهفته در تحدی

استاد معرفت در مقام تبیین آیات مربوط به تحدی نکته جالبی را متذکر می شوند و می گویند: «در آیات تحدی به ویژه دو آیه اخیر، نکته جالبی وجود دارد که سر اعجاز را بیش از هر چیز روشن و مبرهن می سازد در آیه ۲۴ سوره بقره عبارت (ولن تفعلوا) اخبار ازآینده به صورت مطلق است بدین معنا که هرگز و برای ابدیت هم آوردی با قرآن نیاید، در سوره اسرا آیه ۸۸ نیز همه جهانیان را از هم آوردی با قرآن ناتوان دانسته است این یک اخبار غیبی است که جز از زبان (عالم الغیب والشهادة) امکان صدور ندارد هر نیرومند و صاحب هنری که در مقام تحدی و هم آوردی برآید، حداکثر می تواند هم آوردان معاصر و مجاور خویش را تا حدودی بشناسد و باشناخت اندازه توانایی آنان و مقایسه با توانایی خویش، خود را برتر بداند ولی هرگز کسی جرات آن را ندارد که برای آینده و برای همه جهانیان، خود را برتر شمارد، زیرا شناختی به آیندگان و همه جهانیان نمی تواند داشته باشد^۲

ولی قرآن این شهادت را نشان داده و با کمال جرات ناتوانی بشریت را در مقابله با قرآن برای همیشه و برای همه جهانیان در پهنای تاریخ اعلام نموده، که این جرات و شهادت بزرگ ترین دلیل اعجاز قرآن است علاوه برآن که خود یکی از بزرگ ترین اخبار غیبی قرآن به شمار می رود، چنان که گذشت.^۳

۳-۲-۹- دامنه تحدی در قرآن

همان گونه که متذکر شدیم تحدی و هم آورد خواستن قرآن فراگیر است، همه جهانیان را شامل می شود و دامنه آن برای همیشه گسترده است، همان گونه که برای دیروز بوده برای امروز و فردا

۱ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۵

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۴

۳ - همان، ص: ۲۴

نیز پابرجا است ولی برخی را گمان است که تحدی قرآن مخصوص همان دوره اول بوده، مخاطبین آن عهد مورد تحدی قرار گرفته اند و این امر تا امروز گسترش ندارد، گرچه دلیل اعجاز قرآن - که همان عجز عرب آن روزاست - برای همیشه است یعنی امروزه برای اثبات اعجاز قرآن، به عجز فصحای عرب معاصر نزول که از مقابله و معارضه با آن ناتوان بودند، استدلال باید کرد، و هرگز فصحا و سخن دانان همه دوره ها مورد تحدی قرار نگرفته اند.^۱

نویسنده مصری معروف بنت الشاطی چنین می‌گوید: «معیار تحدی قرآن همان عجز فصحای عرب در عصر بعثت است ولی دلیل اعجاز آن برای همیشه است و عرب و عجم را شامل می‌باشد عجز سخن سنجان عصر اول - که اصل بلاغت و فصاحت اند - برهان قاطعی است برای روشن شدن مساله تحدی»^۲ یعنی عجز سخن وران آن روز کفایت می‌کند و نیازی به پابرجا بودن موضع تحدی قرآن تا امروز نیست.

شاید نویسنده یادشده بیم آن داشته که اگر گفته شود قرآن هم چنان در موضع تحدی خود پابرجا است، به ناگاه آتش کفر و الحاد - که در میان سخن دانان عرب کم نیست - زبانه کشد، در صدد مقابله برآمده و همانند قرآن سخنی موزون و استوار ارائه دهند و در پی آن بزرگ‌ترین پایه و ستون استوار دعوت اسلامی، از هم فروریزد.

ولی او باید مطمئن باشد که چنین اتفاقی نخواهد افتاد، زیرا قرآن بر اسلوب ویژه ای استوار است که هرگز سخن بشری نمی‌تواند به آن برسد و حتی نمی‌تواند نزدیک آن گردد، چون که اعجاز قرآن تنها بر شیوه بیانی آن استوار نیست، بلکه مجموعه لفظ و معنا، معیار اعجاز می‌باشد جمال لفظ و کمال معنا، زیبایی و فریبایی عبارات، در کنار بلندای افق محتوا قرار گرفته است کدام دانش‌ور و سخن‌ور توانایی است که بتواند چنین مفاهیم عالیه و نوآوری‌های وسیع و گسترده را در همه زمینه‌های معرفتی و شناختی، در چنین قالب‌های موزون و دل‌کش و دارای جذبه معنوی و روحانی در آورد و ساختاری چنین مستحکم و استوار در عین زیبایی منظرارائه دهد؟! تلاش در این راه سرانجامی جز رسوایی نخواهد داشت!

۱ - همان، ص: ۲۵

۲ - عایشه بنت الشاطی، الاعجاز الیبانی، ص ۶۶ - ۶۵.

در عرصه تاریخ مواضع عبرت فراوانی وجود دارد کسانی در صدد معارضه باقرآن برآمده اند، اما آن چه ارائه کرده اند نه تنها همانند قرآن نبوده، بلکه از درجه کلام معمولی هم فروتر افتاده است و جز عار و ننگ دست آوردی برای خود فراهم نساخته اند هر که با خود بیاندیشد تا این تجربه های تلخ تاریخ را تکرار نماید، ومواضع عبرت آن را درست ننگرد، پس اگر شرمنده خویش نگشت هرچه خواست انجام دهد من جرب المجرب حلت به الندامه، هر که آزمون شده ای را آزمون کند، جز پشیمانی دست آوردی نخواهد داشت.^۱

دکتر عبدالله دراز در این زمینه گوید: «هر که شک و تردیدی دارد و گمان می برد که در میان سخن دانان کسانی هستند که توانایی هم آوردی با قرآن را دارند، می تواند به آسانی آن را آزمایش کند، به ادبا و سخن دانان عصر خویش مراجعه و از آنان پرسش نماید:^۲

«آیا کسی از شما توانایی هم آوردی با قرآن را دارد؟ اگر گفتند: آری ((لونشا لقلنا مثل هذا^۳ اگر بخواهیم می توانیم همانند آن بیاوریم! پس به آنان بگوید: هاتوا برهانکم، شاهد صدق این مدعی را ارائه دهید و اگر گفتند: لا طاقه لنا به^۴، ما را توانایی آن نیست. پس به آنان بگوید: چه شهادتی بر اعجاز بالاتر از اظهار ناتوانی است؟ آن گاه به تاریخ رجوع کند و از آن بپرسد: ما بال القرون الاولى^۵، حال گذشتگان چگونه بوده است؟ هرآینه تاریخ پاسخ خواهد داد که هیچ کس سر خود را در مقابل قرآن نیفراشته است و آن گروه ناچیزی که سر به سوی قرآن تافتند، با رسوایی و بار ننگ بازگشتند و روزگار برآثار آنان خط بطلان کشید و به دست فراموشی سپرد»^۶

۳-۲-۱۰- تحدی در برتری سخن

گاه گفته می شود که توانایی در صنعت سخن وری و قدرت بیان در همه مردم یک سان نیست و این قدرت بر حسب ذوق و سلیقه و نحوه اندیشه و بینش هر انسان تفاوت می کند هر فرد از

۱ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۴

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۵

۳ - انفال ۸: ۳۱ این آیه نقل کلام مشرکین است که در آن روزگار گفتند و خود را رسوا ساختند.

۴ - بقره ۲: ۱۱۱.

۵ - بقره ۲: ۲۸۶.

۶ - طه، ۲۰: ۵۱.

۷ - عبدالله دراز، النبا العظیم، ص ۷۵ نمونه هایی از آن رسوایی ها را در التمهید، ج ۴، ص ۲۲۷ به بعد آورده ایم.

افراد انسانی مواهب و یافته‌هایی ویژه خود دارد که ساختار و شخصیت درونی او را تشکیل داده است هر نویسنده یا صاحب سخنی گوشه‌ای از یافته‌های شخصی خویش را - که ویژه خود او است - ارائه می‌دهد (ازکوزه برون هر آن طراوت که در اوست) ازاین رو شیوه‌های گفتاری و نوشتاری هرنویسنده با دیگری هم‌سان نخواهد بود لذا چگونه می‌توان مردم را به تحدی (هم آوردی با قرآن) خواند: «فلیاتوا بحديث مثله»^۱ در صورتی که آنان ازهم آوردی با یک دیگر نیز عاجزند؟!^۲

ولی پوشیده نباشد که هم آوردی خواستن (تحدی) در آن نیست که سخنی هم‌سان و همانند سخن خدا بیاورند گونه‌ای که در شیوه بیان و نحوه تعبیر کاملاً همانند باشد، زیرا این گونه همانندی جز با تقلید امکان‌پذیر نیست^۳ بلکه مقصود از تحدی آوردن سخنی است که هم‌چون قرآن از نظر معنویت دارای جای‌گاهی ارجمند و الایی بوده و در درجه‌اعلای بلاغت و فصاحت قرارگرفته باشد، سخنی توانا و قدرت‌مند، رسا و گویا، با محتوایی بلند و متین و استوارباشد علمای بیان طبق معیارهای مشخص، درجات رفعت و انحطاط هر کلامی رامعین ساخته‌اند و برتری کلامی بر کلام دیگر با همین معیارها مشخص می‌گردد درعلم بلاغت به تفصیل از آن معیارها سخن گفته شده است.

ما هرگز منکر آن نیستیم که سخن هر کس زاییده نهاد و ساختار درونی او است و کسی را یارای آن نیست که با دیگری در آن چه ساختار ذهنیت او بر او القا می‌کند، هم‌سان باشد ولی آن چه در این جا مطرح است هم‌سان بودن در درجه و رتبه فضیلت کلام است همان گونه که میان دو قصیده شعری یا نوشته ادبی مقایسه می‌شود و برتری یکی بر دیگری روشن می‌گردد، چنین مقایسه‌ای بر پایه قدرت بیان و رسایی سخن و اعمال نکات و دقایق سخن‌وری و سخن‌سنجی استواراست این معیارها سخن یک شاعر یا سخن‌ور را با سخن دیگری

۱ - طور ۵۲: ۳۴.

۲ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۶

۳ - چنان‌چه مسیلمه کذاب و برخی دیگر همین کار تقلیدی را انجام داده، خود را رسوا ساخته‌اند رک: التمهید، ج ۴، ص ۲۲۸ و ۲۵۷.

نزدیک یا دور می‌نمایاند و نشست‌های ادبی و مسابقات هنری بر اساس همین معیارها انجام می‌گیرد.^۱

سکاکی در کتاب مفتاح العلوم پس از بر شمردن معیارهای سنجش کلام، گوید: ارتفاع و انحطاط شان کلام به مراعات همین نکات و ظرایف بستگی دارد هرچه این نکات بیش تر رعایت شود، کلام بیش تر اوج می‌گیرد و هرچه کمتر، موجب انحطاط^۲ آن گاه گوید: البلاغۃ تنزید الی ان تبلغ حد الاعجاز، و هو الطرف الاعلی و ما یقرب منه، بلاغت حالت تصاعدی دارد تا به مرتبه اعجاز پایان یابد و آن، درجه بالای بلاغت و نزدیک به آن است^۳ از این سخن استفاده می‌شود که ((حد اعجاز)) نیز درجات متفاوتی دارد ولی این حد در مرتبه ای قرار دارد که دست بشر به آن نمی‌رسد^۴

خلاصه آن که برتری یا همانندی دو کلام به مراعات نکات بلاغی و ظرافت های سخن وری بستگی دارد معیارهای بلاغت در علم ((معانی و بیان)) آمده است و بیش تر این معیارها به معنا و محتوا بیش از لفظ و عبارت اهمیت می‌دهد^۵.

چنان که شیخ عبدالقاهر جرجانی به این مطلب تصریح دارد او در این باره گوید: ((اذا رایت البصیر بجواهر الکلام یستحسن شعرا او یستجید نثرا، ثم یجعل الثنا علیه من حیث اللفظ فیقول: حلو رشیق، و حسن انیق، و عذب سائغ، و خلوب رائع، فاعلم انه لیس ینبئک عن احوال ترجع الی اجراس الحروف، و الی ظاهر الوضع اللغوی، بل الی امر یقع من المر فی فؤاده، و فضل یقتدحه العقل من زناده^۶، اگر دیدی صاحب بینشی که گوهر شناس سخن است، شعری را می‌ستاید یا نثری را به خوبی توصیف می‌کند، آن گاه ستودن آن را در جهت لفظ قرار داده می‌گوید: شیرین و لطیف است، زیبا و ظریف است، زلال و گوارا است، جالب و دل ربا است، پس بدان که این توصیف از نوای ناقوسی حروف آن حکایت ندارد، و به وضع لغوی آن

۱ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۷

۲ - سکاکی، مفتاح العلوم، ص ۱۹۴ - ۸۰.

۳ - همان، ص ۱۹۶.

۴ - در این رابطه رجوع شود به: تفتارانی، مطول، چاپ اسلامبول، ص ۳۱.

۵ - معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص: ۲۷

۶ - شیخ عبدالقاهر، کتاب اسرار البلاغۃ، ص ۳.

بستگی ندارد، بلکه در رابطه با جنبه ای است که بر دل آدمی اثر دارد و برتری است که عقل آن را فروزان می سازد، همانگونه که الأخطلُ النّصرانی شاعر معروف دوره اموی گفته:

إن الكلام لفي الفؤاد وإنما — جعل الكلام على الفؤاد دليلاً^۱

حقیقت هر سخن چیزی است که در دل می گذرد و هر سخنی از آن چه در دل می گذرد حکایت دارد.

۳-۳- نظریه صرفه

صرفه یکی از وجوه پیشنهادی در اعجاز قرآن است، اما در واقع گونه ای روی گردانی از معجزه بودن قرآن و خارق العاده بودن سبک بیانی آن است. وجوه مطرح شده از سوی مشهور عالمان، اعجاز را در ذات خود قرآن می دانست، اما صرفه گویان اعجاز را به امری بیرونی برمی گردانند، یعنی خداوند کسانی را که بخواهند برای قرآن مثل آوری کنند از این کار باز می دارد.

صرف دیدگاهی است که امروزه مردود شناخته شده است و کسانی که اعجاز قرآن را تصدیق می کنند، آن را به امتیازات نهفته در خود این کتاب کریم می دانند که آن را از دسترس بشر دور نگه داشته است. اما این دیدگاه از نظر تاریخی اهمیت دارد و در درون خود شبهاتی را نسبت به اعجاز بیانی قرآن در بردارد که به طرح چنین دیدگاهی منجر شد. این شبهات که گاه در خارج از این دیدگاه نیز طرح می شوند، نیازمند پاسخ است. نظریه صرفه پیامدهای ناگواری نیز در پی داشته است. از جمله آنکه به امر پژوهش در زمینه ی بلاغت و اعجاز قرآن آسیب رسانده است. از این رو استاد آیت الله معرفت به تفصیل و متناسب با حال و هوای کتاب، به تحقیق در جوانب گوناگون بحث صرفه پرداخته اند تا اثبات کنند این نظر نادرست است و اعجاز قرآن در ذات و امتیازات این کتاب کریم نهفته است.

۳-۳-۱- حقیقت مذهب صرفه

نظرات در تفسیر مذهب صرفه و مقصود گویندگان آن مختلف است. براساس گفته ی امیر یحیی بن حمزه علوی سخن اهل صرف سه تفسیر می تواند داشته باشد:

۱ - أخطل، غياث بن غوث، ديوان الأخطل، شرحه: مجيد طراد، بيروت: دار الجيل. ۱۹۹۵م، ص ۱۱۹.

۱. خداوند انگیزه‌ی کسانی که اراده‌ی معارضه با قرآن را داشته‌اند، سلب کرده است؛ با وجود آنکه چنین انگیزه‌ای در آنان باید قوی باشد.

۲. خداوند علومی را که برای برابری با قرآن و همانند آن آوردن لازم است، ستانده است. ستاندن این علوم به دو گونه می‌تواند باشد: این علوم وجود داشته و خداوند آن را از آنان گرفته است و یا از روز نخست، چنین دانشی در اختیار بشر قرار نگرفته است.

۳. آنان، یعنی کسانی که قصد مقابله‌ی با قرآن را دارند، توانایی لازم را دارند؛ اما خداوند به طور قهری و جبری مانع کار آنان می‌شوند و آنان را از این کار بازمی‌دارد.^۱

تنها وجه معقول از این تفاسیر، تفسیر دوم است که سلب علوم باشد؛ آن هم به این معنا که ذاتاً چنین علوم و امکاناتی در اختیار بشر نیست که بتواند با قرآن به مقابله برخیزد. آیت الله معرفت (رحمه الله) معتقدند با توجه به جایگاه علمی گویندگان نظریه‌ی صرفه، احتمال دارد که همین معنا مراد آنان باشد؛ به ویژه در مورد سید مرتضی. کسانی مانند ابن میثم بحرانی و تفتازانی همین معنا را به سید مرتضی نسبت داده‌اند.^۲

۳-۳-۵- قائلان به صرفه و دلایل آنان

ابواسحاق نظام، جاحظ، ابن حزم ظاهری، ابن سنان حفاجی و شریف مرتضی، از جمله معتقدان به صرفه هستند که فشرده‌ی سخن و دلایل آنان چنین است:^۳

۱. نظام مبدع این نظریه می‌گوید در نثر و نظم عرب، سخنان فصیحی که شبیه به قرآن باشد وجود دارد. خفاجی و سید مرتضی نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند. آنان به این آیه استناد کرده‌اند که در حکایت سخن عرب می‌گوید:
۲. «لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا» (انفال، آیه ۳۱) اگر می‌خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتیم

۱ - یحیی بن حمزه علوی یمنی، کتاب الطراز المتضمن الاسرار البلاغه و علوم حقایق الاعجاز، ص ۵۸۱؛

۲ - معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۴۰

۳ - تفصیل سخن آنان در صص ۱۶۹-۱۴۱ و خلاصه آن در صص ۱۷۱-۱۷۰ در جلد چهارم التمهید نقل شده است.

۳. یعنی اگر می خواستیم ما نیز همانند این را می گفتیم. پس عرب در خود می دید که سخنی در سبک و ساختار قرآن بیاورد، اما خداوند مانع کار آنان شد

۴. ابن حزم اندلس بین اعجاز و جبر، پیوند برقرار کرده و معتقد است اگر منع خارجی نباشد، هیچ امتیاز ذاتی در قرآن وجود ندارد. وی استناد می کند که آیات قرآن مراتب بلاغتش متفاوت است. او آیه قصاص را مثال می زند.

گاه قرآن نام هایی را پیاپی ردیف می کند. در این کار چیز خارق العاده ای وجود ندارد، پس نمی توان اعجاز قرآن را بلاغت آن دانست. همین طور در قرآن، حکایت سخنان دیگران وجود دارد. زمانی که آن ها این سخنان را می گفتند، معجزه نبود، اما پس از آنکه قرآن آن را نقل کرد، به معجزه تبدیل شد و دیگران از گفتن مثل آن بازداشته شدند. ابن حزم همین برهان را در اعجاز قرآن کافی می داند.

۳. سید مرتضی و همفکران او استناد کرده اند که تفاوت بارزی میان سوره های کوتاه و سخنان برگزیده ی عرب وجود ندارد؛ وگرنه در تشخیص تفاوت آن ها نیازی به مراجعه به کارشناسان فن نبود و هر کسی می توانست این تفاوت را دریابد. او همین طور معتقد است نظم، قابل افزونی و برتری نیست.

۴. خفاجی به هم پیوستگی کلمات در جمله را همانند به هم پیوستگی حروف یک کلمه می داند که تألیف قرآن و تألیف سخنان فصیح عرب هر دو می تواند در یک رتبه باشد. برخی دلیل آورده اند که عرب ها قادر به گفتن جمله ها و ترکیب های کوتاه مانند « الحمد لله » و « رب العالمین » بودند، پس سزا است که ترکیب ها و جمله های طولانی تر را نیز بتوانند بیاورند.

۵. صحابه گاه در آیه ای از قرآن دچار تردید می شدند و همین طور در سوره های کوتاه، مانند معوذتین که ابن مسعود آن را از قرآن نمی دانست. پس اگر نظم و بلاغت در گواهی بر قرآنی بودن کفایت می کرد، این توقف و تردید دلیلی نداشت.

۶. «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (اعراف، ۱۴۶) به زودی کسانی را که در زمین، بناحق تکبر می ورزند، از آیاتم رویگردان ساز

قائلان به صرفه آیه را چنین تفسیر کرده اند که خداوند کسانی را که بخواهند با قرآن هم‌آوردی کرده و آن را باطل سازند، از این کار باز می‌دارد و آیه را مستند قول خود قرار داده‌اند.

۳-۳-۶- پاسخ دلایل قائلان به صرفه

آنچه یاد شد، دلایلی بود که صرفه‌گویان به آن استناد کرده بودند، اما این دلایل برای اختیار چنین رأیی ناکافی است. استاد آیت الله معرفت معتقدند دلیل اصلی باید چیز دیگری باشد که در پس این دلایل ظاهری نهفته است. به ویژه آنکه گویندگان این نظر، همه از بزرگان اهل تمیزند و به گزافه سخن نمی‌گویند.

اینان با کسانی رو به رو شدند که اعجاز را در جانب لفظ و سبک و ساختار منحصر می‌دانستند و به معنا توجهی نمی‌کردند. بعد لفظی گرچه مهم است، اما به گونه‌ای نیست که بتواند سخنی را از حالت عادی خارج سازد و برای دیگر سخنوران آوردن مثل آن ناممکن باشد. در ادبیات عرب و دیگر زبان‌های پیشرفته، قطعه‌های زیبایی از نظم و نثر یافت می‌شود که واقعاً موجب شگفتی است.

اعجاز بیانی قرآن در سبک عالی و نظم زیبا و آرایه‌های لفظی منحصر نیست. این همه جزئی از زیبایی و شکوه قرآن است و در پس این قالب زیبا، سببی قوی‌تر وجود دارد که همان معنای بلند و روح جانفزای قرآن است. چنین ترکیبی در دیگر سخنان کمیاب، بلکه نایاب است.^۱

حال که این مسأله را دانستیم، دلایل ظاهری آنان را تک‌تک نقد و بررسی می‌کنیم:

۱. در پاسخ ادعایی که می‌گفت در سخنان عرب همانند قرآن موجود است؛ استاد می‌نویسد: در کلام عرب هیچ سخنی که مشابه قرآن باشد وجود ندارد. اکنون که دانستیم تابندگی قرآن برخاسته از به هم پیوستگی زیبای لفظ و شکوه معنا و نیز تازگی صورت و بزرگی محتوا می‌باشد، در سخنان عرب‌ها کجا مانند قرآن یافت می‌شود؟ سنجشی گذرا میان آیات کریمه‌ی قرآن با سخنان عرب، تفاوت فاحش میان آن دو را به خوبی روشن می‌کند.

۱ - معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۴۰

حکایت قرآنی لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا که مورد استناد قائلان صرف بود، در شأن نضر بن حارث است که با شیطنت و دروغ قصد دور کردن مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را داشت. او سخنان اهل حیره و داستان پادشاهان ایران را به عربستان منتقل می کرد و با بازگفتن آن ها، قصد مقابله ی با قرآن را داشت. آیات ۷ تا ۲۰ سوره ی قلم را نیز در شأن او دانسته اند. وی در روز بدر اسیر شد و به سزای عمل خود رسید. آیا سزا است که سخن چنین کسی پذیرفته شود و مورد استناد قرار گیرد؟^۱

۲. ابن حزم تصور کرده بود که شمردن نام ها، کار عجیب و خارق العاده ای نیست. در ردّ این سخن همین بس که « اطراد » یکی از هنرهای بدیعی شمرده می شود؛ بدین معنی که شاعر یا گوینده ای در نظم و نثر خود، نام هایی را به صورت روان و منظم ردیف کند. این امر از نشانه های توان و تسلط شاعر شمرده می شود و در ادبیات نمونه های بسیار دارد. گاه شاعران فصیح در آن دچار تکلف شده اند.^۲

ابن حزم سخن شگفت دیگری داشت که قرآن با نقل سخن دیگران، گفتن دوباره آن را ناممکن ساخته است. بی تردید قرآن کریم سخن دیگران را نقل به معنی می کند، به ویژه آنچه را غیرعرب زبانان گفته اند و گاه یک قضیه را با عبارت های گوناگون بیان می کند که در هر کدام حکمت و امتیازی ویژه نهفته است. بنابراین نظم و تألیف این سخنان از کلام خداوند متعال است و حکمش مانند دیگر آیات کریمه ی قرآن است.^۳

۳. در پاسخ سید مرتضی که رجوع به کارشناسان را در تشخیص تفاوت میان سوره های کوتاه و کلام عرب، دلیل بر نبود تفاوتی بارز میان آن دو می دانست، استاد توضیح می دهد که معجزه باید به گونه ای انجام گیرد تا کارشناسان همان دوره به خوبی تشخیص دهند که آنچه ارائه شده، بیرون از توان بشریت است و هیچ گونه ظاهرسازی و رویه کاری در کار نیست. معجزه ی اسلام و معجزات پیامبران را تنها انسان های با درایت و کارشناسان فن تشخیص می دهند؛ همان گونه

۱ - همان، صص ۱۷۴-۱۷۲.

۲ - معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، صص ۱۷۲-۱۷۱.

۳ - همان، صص ۱۷۶-۱۷۵.

که ساحران فرعون حقانیت عصای موسی را دریافتند. از این رو قرآن کریم که ظریف ترین و پیشرفته ترین معجزات است را افراد ویژه ی اهل فن قادر به تشخیص آن هستند و ما زمانی که به قضاوت کسانی که در سخن سنجی و سخن شناسی یگانه ی آن دوران شناخته می شدند همانند ولید بن مغیره رجوع می کنیم، اعتراف آنان به برتری بی چون و چرای قرآن و اعتراف به عجز و ناامیدی از مقابله ی با آن را به روشنی می بینیم. این مسأله که نظم قابل تفاضل نیست، سخنی نادرست است و خلاف آ معروف است؛ از این رو شاعران را با یکدیگر می سنجیدند و شعر برخی را بر برخی دیگر ترجیح می دادند.^۱

۴. این دلیل که هر کس قادر بر مفردات باشد، بر کلیات آن نیز قادر است، سخنی ناروا است. تفتازانی چنین پاسخ داده است که حکم جمله با حکم اجزای آن متفاوت است و اگر نکته ای که گفتید صحیح باشد، باید تمامی آحاد عرب قادر باشند همانند قصاید امرؤالقیس و دیگر شاعران، بیاورند.^۲

۵. تردید صحابه در برخی از آیه ها و سوره ها به دلیل رعایت احتیاط در به حساب آوردن سخنی جزء

قرآن بود. افزون بر این، اعجاز در تمامی مراتب و در تمامی آیات، چیزی نیست که بر همگان آشکار باشد.^۳

۶. آیه ی سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ را که مستند صرفه قرار گرفته بود، مفسران به طور عموم به گونه ی دیگری تفسیر کرده اند و مقصود آیه را دفع شبهه ای ایراد شده ی مستکبرانی دانسته اند که با هدف تباه ساختن آیات بینات الهی شبهاتی را القا می کنند. ولی خداوند با عنایت خود، دلایل خود را به گونه ای روشن و مستحکم می سازد که راه هرگونه شبهه را بسته و از هرگونه تباهی جلوگیری می کند.^۴

۱ - ر.ک: همان، صص ۱۷۸-۱۷۷.

۲ - همان، ص ۱۷۹.

۳ - همان.

۴ - محمدهادی، معرفت، علوم قرآنی، ص ۳۶۵. نیز ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، صص ۳۵۷-۳۵۶.

۳-۴ - نوآوری آیت الله معرفت در بخش تحدی قرآن و صرفه

آیت الله معرفت در قسمتی از جلد چهارم کتاب التمهید و قسمت هایی از کتاب علوم قرآنی همانند دیگر مفسران به مسئله تحدی قرآن پرداخته است. در تبیین این مبحث مهم از آراء مفسران و کتب تفسیری و حدیث بهره وافری برده است با این تفاوت که برای تحدی قرآن مراحل تدریجی کرده و انواع مخاطبان قرآن در مسئله تحدی را تقسیم بندی کرده است.^۱

آیت الله معرفت پس از بحث صرفه در جلد چهارم التمهید، سلسله مباحثی بر یک سبک و سیاق وارد شده است که از سویی به بحث اعجاز به طور مطلق مربوط است و بر اعجاز بی چون و چرای قرآن و ناتوان سخنوران عرب از هموردی با قرآن دارد و ناکامی کسانی که قصد معارضه با قرآن را داشته‌اند به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر با بحث صرفه مناسبت دارد و بر نادرستی این قول تأکید می‌کند. فهرست این مباحث و معرفی اجمالی آن در پی می‌آید.

جلد چهارم التمهید فی علوم القرآن که نخستین جلد از مجموعه سه جلدی اعجاز است، به عنوان در آمدی برای ورود به مبحث اعجاز قرآن است و در آن شانزده بحث مقدمه ای و پایه ای و بنا بر فهرست خود استاد،^۲ پیش از ورود به دلایل اعجاز قرآن یاد شده است. ما در اینجا خلاصه ای از محتوای آن را می‌آوریم.^۳

۳-۴-۱ - همورد جویی قرآن یا تحدی

قرآن کریم گام به گام مخالفان خود را به مبارزه طلبیده است که اگر تصور می‌کنید قرآن ساخته دست بشر است، شما نیز گفتاری مثل آن بیاورید. سپس همین نموده که ده سوره ساختگی بیاورد. باردیگر در تأکید برنا توانی آنان فرمود یک سوره نیز بیاورید کافی است و سرانجام با قاطعیت اعلام کرد که هرگز نخواهید توانست همانند قرآن بیاورید^۴ و اکنون تحدی قرآن به صورت عام متوجه تمامی بشریت است که اگر جن وانس گرد هم آیند، یاری مثل آوردن قرآن را ندارند.^۵

۱ - همان، صص ۱۸۱-۱۸۰. تفصیل سخن عالمانی که یاد شد در صص ۱۹۰-۱۸۲ از جلد چهارم التمهید آمده است.

۲. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۹.

۳ - معرفت قرآنی ج ۳، ص ۵۳۸

۴ - به ترتیب: آیات ۳۴ - ۳۳؛ هود، آیه ۱۳؛ یونس، آیه ۳۸؛ بقره، آیه ۲۴.

۵ - اسراء، آیه ۸۸

در ادامه مباحث مربوط به تحدی، استاد اثبات می کنند که دایره تحدی عام است و عصر حاضر رانیز شامل می شود. او در بحث دیگری تبیین می کند که تحدی در سخن امکان پذیر است؛ زیرا منظور آوردن عین آن سخن نیست، بلکه سخنی است که امتیازات سخن مورد ادعا را داشته باشد.^۱

۳- ۴- ۲- شمول تحدی قرآن

مبارزه طلبی قرآن سه نوع شمول دارد:

۱. **شمول افرادی:** قرآن می فرماید: «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (اسراء، ۸۸) بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.»

یعنی اگر همه افراد انسان ها و حتی جن ها جمع شوند، نمی توانند. مثل قرآن را بیاورند و به اصطلاح عام افرادی است. به طوری که شامل همه افراد موجود انسان ها و حتی افرادی که در آینده می آیند می شود.^۲

۲. **شمول زمانی:** یعنی این دعوت و تحدی قرآن از زمان صدر اسلام شروع شده است و همیشه ادامه دارد؛ لذا می فرماید: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَا لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره، ۲۴) پس اگر نکردید- و هرگز نمی توانید کرد- از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند، و برای کافران آماده شده، بپرهیزید.

اگر در گذشته نتوانستید (مثل قرآن را بیاورید) و هرگز نخواهید توانست. عرب و یا عجم، ادیب (متخصص ادبیات عرب) و یا متخصص در هر زمینه دیگر باشید، نمی توانید مثل قرآن را بیاورید. البته این مطلب از اطلاق آیه استفاده می شود.^۳

۱ - ر.ک: همان، صص ۲۷- ۲۱.

۲ - معرفت قرآنی، ج ۳، ص ۵۸۱

۳ - محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۲۲.

۳ - شمول احوالی: در هیچ حالی نمی توانید مثل قرآن بیاورید یعنی اگر عرب و عجم ادیب و یا متخصص ادبیات عرب و یا متخصص در هر زمینه دیگر باشد نمی توانید مثل قرآن بیاورید. البته این مطالب از اطلاق آیه استفاده می شود^۱

از این شمول و عموم و اطلاق آیه می توان استفاده کرد که آن جهت و رمز اعجاز قرآن باید چیزی دیگر باشد. که شامل همه زمان ها و همه احوال باشد. این در حالی است که برخی مثل شاطبی می گویند اعجاز قرآن مخصوص زمان صدر اسلام است. و همین که ادیبان آن دوره نتوانستند مثل قرآن بیاورند، دلیل معجزه بودن قرآن است و اعصار بعدی وقت به همین مطلب احتجاج می شود.^۲ از کلمات علامه طبا طبای رحمه الله علیه و آیت الله معرفت بر می آید: تمام ابعاد قرآن معجزه است، ولی با اختلاف مخاطبین متفاوت است.

برای مثال، قرآن معجزه ادبی برای ادیبان و معجزه سیاسی برای اهل سیاست و معجزه در حکمت برای حکیمان و... است. بنابراین نظریه اعجاز قرآن شامل همه افراد و همه زمان ها و همه حالات می شود^۳ بنابر آنچه که گذشت، اعجاز قرآن ابعاد متعددی مثل فصاحت، بلاغت، محتوا، اعجاز قرآن است (غیر از صرفه که باطل است).

البته جهات اعجاز قرآن نسبت به مخاطبین مختلف، متفاوت است و هر کسی را بر اساس تخصص و استعداد او و در همان زمینه به مبارزه می طلبد. هر چند اعجاز قرآن و تحدی آن شامل همه زمان ها می شود و همین که در طول چهاره قرن کسی نتوانسته مثل قرآن را بیاورد، اعجاز قرآن و حقایق و صداقت پیامبر اسلام (ص) ثابت می شود.

مرحوم استاد معرفت نیز در جلد ششم التمهید به این مطلب مهم توجه بحثی را تحت عنوان هل وقع التحدی بالجانب العلمی شروع کرده اند. و بعد از ذکر کلمات مخالفان مثل دکتر عمر ابو حجر، دکتر صبحی صالح و... به بیان دلایل آن ها می پردازد؛ که می گویند: تحدی قرآن مخصوص اعجاز بیان است، چون که اشارات علمی قرآن نزد مردم صدر اسلام معروف نبوده است و علم بعد از قرن ها را اثبات کرده است. و نیز گفته اند:

۱ - معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۲۲

۲ - الاعجاز البیانی، صص ۶۸-۶۵ به نقل از محمد هادی معرفت، التمهید ج ۴، ص ۲۴.

۳ - سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فیه تفسیر القرآن، ج ۱، صص ۶۷-۵۷

اشارات علمی قرآن در همه سوره ها و آیات وجود ندارد که تحدی قرآن شامل آن ها شود. بلکه در برخی آیات و سوره ها وجود دارد. پس بر اساس اعجاز علمی، همه سوره ها معجزه نیست. سپس استاد معرفت به پاسخ می پردازد:

آیات تحدی و مبارزه طلبی قرآن نسبت به عرب صدر اسلام در مورد اعجاز بیانی است، اما تحدی قرآن منحصر به زمان و مردم خاص نیست. بلکه برای کل بشریت در طول زمان است بنابراین معقول نیست مه اعجاز آن به فصاحت و بیان منحصر باشد. چون همه مردم عرب نیستند و همه عرب ها نیز فصیح نیستند. پس باید تحدی قرآن به چیزی باشد که عمومیت داشته باشد. به مجموع کتاب، نه به یک سوره یا آیه یا آیات خاص. خدا می فرماید: «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (بقره، ۸۸). بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.

این مبارزه طلبی عام است که متوجه همه مردم عصر نزول و سایر زمان ها است.^۱

۳ - ۵ - شبهات درباره تحدی قرآن

چالش دیگری که بر سر راه اعجاز بیانی قرار دارد آن است که آیا اصولاً تحدی در برتری سخن امکان پذیر است یا خیر؟ این مشکل از آنجا ناشی می شود که توان سخنوری و شیوه گفتاری در همه مردم یکسان نیست و این امر بر حسب ذوق و سلیقه و نحوه اندیشه و بینش هر فرد و نیز بهره های خدادادی و اکتسابی او تفاوت می کند؛ از این رو، شیوه های گفتاری و نوشتاری هر نویسنده با دیگری همسان نخواهد بود. لذا چگونه می توان مردم را به آوردن همانند قرآن فراخواند و حال آن که آنان از هموردی با یکدیگر نیز عاجزند.

هموردی خواستن در آن نیست که سخنی همسان و همانند سخن خدا بیاورند، به گونه ای که در شیوه بیان و نحوه تعبیر کاملاً همانند باشد؛ زیرا این گونه همانندی جز با تقلید امکان پذیر نیست. بلکه مقصود از تحدی آوردن سخنی است که همچون قرآن از نظر معنویت والا بوده و در درجه اعلای فصاحت و بلاغت قرار گرفته باشد.^۲

۱ - معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۲۲.

۲ - همان، صص ۲۳ و ۱۳۴

عالمان بیان براساس معیارهایی مشخص مراتب سخن را در پستی و بلندی معین نموده‌اند و برتری سخنی بر سخن دیگر بر پایه همین معیارها سنجیده می‌شود. آنچه در این جا مطرح است همسان بودن در درجه و رتبه فضیلت کلام است، همان‌گونه که دو قصیده شعری یا نوشته ادبی مقایسه و برتری یکی بر دیگری روشن می‌شود. چنین مقایسه‌ای بر پایه قدرت بیانی و رسایی سخن و اعمال نکات و دقایق سخنوری و سخن‌سنجی استوار است.

یکی از نقدهای استاد معرفت این بود که اگر تنها محتوا ملاک باشد تمام آنچه را انبیاء(ع)، پیامبر اسلام(ص)، حضرت امیر و امامان معصوم(علیهم‌السلام) آورده‌اند قابل تحدی است حتی آنچه را حکما آورده‌اند در زمان خود قابل تحدی است.

نمونه دیگر از شبهات مربوط به اعجاز بیانی قرآن شبهاتی است که زیر مجموعه تحدی قرار می‌گیرد. هرچند تحدی قرآن منحصر در اعجاز بیانی نیست، در میان ابعاد اعجاز قرآن، مهم‌ترین بعد اعجازی، مربوط به فصاحت و بلاغت آن است. ضمن اینکه در این نوشتار، موضوعات مختلف، از جنبه بلاغی و ارتباط آنها با علوم بلاغی، بررسی می‌گردد؛ از این رو، تنها به شبهاتی از تحدی پرداخته می‌شود که به نوعی با علوم مزبور ارتباط دارد.

۱. آیا در تحدی قرآن، که خطاب به جمیع بشر است، کسانی همچون امیر مؤمنان و دیگر معصومان(ع) نیز داخل اند؟

۲. آیا صدور خطبه‌های نهج البلاغه، با این حد از فصاحت و بلاغت از حضرت علی(ع)، دلیل این نیست که برخی انسان‌ها می‌توانند فوق کلام نوع انسان‌ها سخن بگویند؟ اگر چنین است شاید پیامبر هم فوق سخن علی(ع) سخن گفته است و قرآن معجزه الهی نیست.

۳. آیا نهج البلاغه، دست کم در برخی موارد، مانند: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا آدْبَرَتْ وَ آذَنْتُ بِوَدَاعٍ وَ إِنِّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلْتُ وَ أَشْرَفْتُ بِاطِّلَاعٍ»^۱ از قرآن بلیغ‌تر نیست؟

سه سؤال پیش گفته به گونه‌ای به قلمرو مخاطبان تحدی قرآن مربوط می‌شود و با توجه به فراگیری و عمومیت موجود در آیات تحدی، می‌توان این خطاب را شامل تمامی انسان‌ها و جنیان دانست؛ آیاتی از قبیل «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ

۱ - نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۲۸.

بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (اسراء: ۸۸). بگو: اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هرچند برخی از آنها پشتیبان همدیگر باشند»

در این آیه همه آدمیان و جنیان از هم‌آوردی قرآن عاجز دانسته شده اند؛ چراکه الف و لام «الانس» و «الجن»، همه انسان‌ها و جنیان در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها را شامل می‌شود و مقصود از این دو واژه، خصوص انسان‌ها و جنیان زمان نزول نیست.^۱

گسترده‌گی در بیان، این آیه، حتی پیامبر و امامان معصوم (ع) را شامل می‌شود و آنها نیز با قدرت بشری، توان هم‌آوردی با قرآن را ندارند. هرچند ممکن است اولیای الهی به جهت قدرت خدادادی، بتوانند سخنی فوق توان بشری بگویند، با این فرض نیز آسیبی به عمومیت تحدی قرآنی و فوق بشری بودن و اعجاز آیات قرآن، نخواهد رسید و چنین قدرتی از قبیل کرامات صادر شده از آنان است که منافاتی با ناتوانی بشر در برابر معجزات انبیا ندارد؛ زیرا آن کرامات، همراه با ادعای نبوت نبوده و ادعایی در برابر دعوت پیامبران محسوب نمی‌شود. از این رو به فرض فوق کلام المخلوق دانستن سخنان پیامبر و امیرمؤمنان علیهما و آلهما السلام آن سخنان هم‌آورد قرآن به شمار نمی‌رود؛ زیرا به انگیزه هم‌آوردی صادر نشده است.

لازم به توضیح است که هم‌آوردی خواستن (تحدی) در آن نیست که سخنی همسان و همانند سخن خدا بیاورند به گونه‌ای که در شیوه‌ی بیان و نحوه‌ی تعبیر کاملاً همانند باشد، زیرا این گونه همانندی جز با تقلید امکان پذیر نیست! بلکه مقصود از «تحدی» آوردن سخنی است که هم‌چون قرآن از نظر معنویت دارای جایگاهی ارجمند و والا بوده و در درجه‌ی اعلا‌ی بلاغت و فصاحت قرار گرفته باشد؛ سخنی توانا و قدرتمند، رسا و گویا، با محتوایی بلند و متین و استوار باشد. علمای بیان با معیارهای مشخصی، درجات رفعت و انحطاط هر کلامی را معین ساخته‌اند و برتری کلامی بر کلام دیگر با همین معیارها مشخص می‌گردد. در علم «بلاغت» به تفصیل از آن معیارها سخن گفته شده است.^۲

۱ - نقیب زاده، محمد، در فصلنامه قرآن شناخت شماره ۵.

۲ - معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، التمهید، چ اول، ۷۸، ص ۳۷۲.

فصل چهارم
نزول قرآن از دیدگاه اندیشمندان
و
به ویژه از دیدگاه آیت الله معرفت

مقدمه:

بحث پیرامون نزول قرآن یک بحث بسیار مهم، دامنه دار و سؤال بر انگیز است. اینکه اولین سوره و یا نخستین آیه ای که بر قلب مبارک پیامبر (ص) نازل شد کدام سوره یا آیه است و در چه زمانی نیز نازل شده و قرآن در نزول چه کیفیتی در آن مراعات شده و با چه آیه ختم یافته، همیشه میان مفسران مایه اختلاف بوده است. در این فصل تلاش شده است در دو قسمت مهم، نزول قرآن را نخست از دیدگاه اندیشمندان و مفسران و در قسمت دوم از دیدگاه استاد آیت الله معرفت با محوریت قرار دادن کتاب التمهید وی و سایر کتب ایشان با استناد به آیات و روایات مربوطه، مورد بررسی قرار گیرد. در انتهای فصل به شأن نزول چند آیه از سوره انسان که ویژه اهل بیت می باشد اشاره شده است.

یکی از محورهای مهم مباحث علوم قرآنی، بحث نزول قرآن، چگونگی آن، زمان و مدت نزول، انواع و مراتب نزول قرآن است. بعد از بیان چند بحث مقدماتی به بحث نزول قرآن، می پردازیم.

۴-۱- بررسی واژه انزال و تنزیل در لغت و قرآن:

در لغت، هر دو واژه از ماده نزول به معنی فرود آمدن است. در کتب لغت، معنای دفعی، از معنای باب افعال ذکر نشده است.^۱ در معنای باب تفعیل، از معنای تکثیر و مبالغه، نام برده شده است.^۲ لذا، انزال و تنزیل هر دو متعدی ماده نزول هستند و فرقی باهم ندارند. استفاده معنی دفعی یا تدریجی از آن دو، نیاز به قرینه خاص در هر مورد، دارد.^۳ در آیات قرآن کریم نیز، این دو واژه در معنای متعددی به کار رفته است: در آیات ذیل «انزال» در معنی تدریج استفاده شده است: «وَكذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» (حج/۱۶)، «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (بقره / ۲۲) واژه «تنزیل» در معنی نزول دفعی، به کار رفته است: «لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً» (فرقان / ۳۲)، «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (واقعه / ۸۰)، «وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء / ۱۰۶) در آیات دیگر، انزال و تنزیل، هر دو به یک معنا استعمال شده اند و آن معنی واحد، مطلق نزول، مورد نظر است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ» (نحل / ۴۴)، «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ» (حجر / ۶). اگر در این دو آیه، انزلنا را به معنی

۱- حسینی تهرانی، سید هاشم، علوم العربیه، ج ۱، نشر مفید، چ پنجم، ج ۶۶، ص ۴۴.

۲- همان، ص ۵۷.

۳- صالحی نجف آبادی، پیشین، ص ۳۳۵

نزول دفعی و «نزل» را به معنی نزول تدریجی بگیریم، ترجمه آیه چنین خواهد شد: «ما قرآن را به طور دفعی بر تو نازل کردیم، تا تو قرآن را که به طور تدریجی نازل شده است برای مردم تفسیر کنی.»؛ و حال آن که این ترجمه صحیح نمی باشد. با توجه به موارد کاربرد مختلف این دو واژه در قرآن و نیز معانی لغوی آن دو، ادعای نزول دفعی در «انزال» بدون دلیل است و اثبات آن در تمامی موارد استفاده شده در قرآن، کاری بس مشکل می باشد.^۱ لذا، در این واژه ها، معنای دفعی و تدریجی، نیاز به قرینه دارد که در هر آیه باید به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود که با توجه به قرائن، دلالت بر کدام معنا دارد. برخی از سؤالاتی که از صاحبان دیدگاه نزول دفعی، باید پرسیده شود این است:

۱. چه ضرورتی ایجاب می کرد که قرآن، دو نزول داشته باشد، یکی دفعی و در آسمان، دیگری تدریجی و در زمین، با این که یک نزول، آن هم تدریجی کفایت می کرد؟

۲. مراد از بیت العزّة یا بیت المعمور چیست؟

۳. بعد از جمله «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن» می فرماید: «هدی للنّاس» این دلالت دارد که قرآن نازل شده، راهنما و هدایت گر مردم است و این صفات با آن که قرآن در آسمان (بیت العزّة یا بیت المعمور) باشد، سازش ندارد. زیرا چنان قرآنی، آن هم در آسمان، چگونه هدایت گر مردم خواهد بود؟^۲ با توجه به بیانات فوق، نمی توان نزول دفعی قرآن را پذیرفت. زیرا در آیات قرآن، افرادی مورد خطاب قرار گرفته اند، که در هنگام خطاب، حضور نداشته اند. در قرآن، آیات ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، مبهم و مبین، بسیار است، که مقتضای این موارد، تأخیر زمانی برخی از آیات، از برخی دیگر است. هم چنین، در برخی از روایات، نظیر: روایات مربوط به اصحاب کهف و مسئله ظهار آمده است: گاه مردم اموری را از پیامبر سؤال می کردند و آن حضرت می فرمود: در این زمینه به من چیزی وحی نشده است، لذا در انتظار بمانید تا خداوند درباره آن به من آیتی را وحی کند.^۳ صریح آیه ۳۲ فرقان: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً...» نزول دفعی آن را رد می کند.^۴ بر این اساس، روایاتی که حاکی از نزول دفعی

۱ - همان، ص ۳۳۶.

۲ - همان، ص ۳۲۴.

۳ - نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، هستی نما، چاپ اول، ۸۰، ص ۵۶.

۴ - همان، ص ۵۵.

قرآنند، بدلیل مخالفت با صریح این آیه، کنار گذاشته می شوند. شیخ مفید در پاسخ به ادعای نزول دفعی قرآن می گوید: این سخن، مضمونِ خبر واحدی است که نه موجب علم و نه موجب عمل است. این که قسمتی از قرآن به دنبال اسباب نزولی که حادث می شوند، نازل گشته است برخلاف مضمون حدیث مزبور دلالت دارد.^۱ زیرا این گونه آیات، مشتمل است بر حکم آن حوادث و ذکر آنچه اتفاق افتاده است و این ممکن نیست، مگر اینکه نزول این آیات، بعد از تحقق اسباب نزول باشد. در بیان دیدگاه نزول تدریجی، ابتدا، ذکر یک مثال خالی از فایده نیست. اگر شخصی که مشغول حفر قناتی است، هنگامی که آب قنات بیرون می آید، بگوید: آب قنات روز جمعه بیرون آمد، آیا معنای این سخن او این است که همه آب قنات روز جمعه بیرون آمد؟ یا اینکه در عرف زبان و محاورات عقلاً و عموم مردم می گویند: یعنی شروع خروج آب، روز جمعه بوده است. بنابراین وقتی خداوند می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم» یعنی شروع نزول قرآن در شب قدر بوده است.

۴-۱-۱- نزول قرآن

قرآن مجموعه آیات و سوره‌های نازل شده بر پیامبر اسلام است که پیش از هجرت و پس از آن در مناسبت‌های مختلف و پیش آمدهای گوناگون به‌طور پراکنده نازل شده است. سپس گردآوری شده و به صورت مجموعه کتاب درآمده است.

قرآن کریم، کتابی حکیمانه است و یکی از آثار حکمت آن، شیوه نزول تدریجی این کتاب آسمانی است. این کتاب، گرچه در نزول دفعی، یکجا بر آسمان دنیا یا قلب پیامبر نازل گردیده است، اما در نزول تدریجی، آیات آن در ۲۳ سال بر پیامبر(ص) نازل شد. یکی از حکمت‌های نزول تدریجی قرآن، حضور وحی الهی در حوادث جامعه و شیوه تربیت تدریجی قرآن نسبت به مسلمانان و تنظیم چگونگی مباحثات و مناظرات میان پیامبر(ص) و معاندان بوده است. همچنین اعلان روشن و تفصیلی بعضی از محرّمات، در مراحل مختلفی انجام پذیرفته است.^۲ بعضی از احکام واجب نیز پس از گذشت سالیان زیادی از بعثت، به جامعه ابلاغ گردیده است.^۳ وجود نمونه‌های فوق، نشانگر حکمت ترتیب نزول آیات در زمانهای معین است.

۱ - معرفت، علوم قرآنی، مؤسسه التمهید، ص ۶۸.

۲ - حجتی، سید محمد باقر، تاریخ قرآن کریم، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی) ۱۳۶۶ - ۵۲.

۳ - مانند آیه وجوب زکات (خذ من أموالهم صدقة...) که در سوره توبه و در اواخر دوران هجرت نازل گردیده است.

در باره نازل شدن قرآن باید گفت که در بعضی از آیات از آن تعبیر به «انزال» و در بعضی تعبیر به «تنزیل» شده است، و از پاره‌ای از متون لغت استفاده می‌شود که «تنزیل» معمولاً در جایی گفته می‌شود که چیزی تدریجاً نازل گردد، ولی «انزال» مفهوم وسیع‌تری دارد که نزول دفعی را نیز شامل می‌گردد. این تفاوت تعبیر که در آیات قرآن آمده می‌تواند اشاره به دو نزول فوق باشد.^۱

۴- ۱- ۲- فرود نخستین آیه و سوره

اولین آیه و سوره نازل شده درباره این که، کدام آیه یا سوره، برای اولین بار بر پیامبر(ص) نازل شده در میان صاحب نظران، اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه چهار نظر بیان شده است:

الف: آیات سه یا پنج ابتدای سوره علق.

ب: آیه اول سوره مدثر.

ج: آیه بسم الله الرحمن الرحيم.

د: سوره حمد.^۲

۴- ۱- ۳- فرود آخرین آیه

آخرین آیه و سوره در بسیاری از روایات آمده است: آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شد، آیه ۲۸۱ سوره بقره بود. برخی دیگر گفته اند: آخرین آیه، آیه اکمال دین (مائده / ۳) می باشد.^۳

درباره آخرین سوره نیز بین دو سوره نصر و براءت، اختلاف نظر هست، هر چند سوره نصر، که در سال فتح مکه (هشتم هجری) نازل شده است، از قوت بیشتری برخوردار است. زیرا فقط آیات نخستین سوره براءت، پس از فتح مکه (سال نهم) نازل شده است.

۴- ۱- ۴- فرود قرآن در ماه رمضان

زمان نزول آیات آنچه از آیات قرآن به دست می‌آید، بیانگر نزول قرآن در شبی از شب های ماه مبارک رمضان است:

۱. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره / ۱۸۵)

۲. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ» (دخان / ۳)

۳. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر / ۱)

۱- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷، ص: ۱۸۲.

۲- سید محمدباقر حجتی، تاریخ قرآن کریم، نشر فرهنگ اسلامی، چ ششم، ۷۲، ص ۵۴.

۳- معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، سمت، چ اول، ۷۵، ص ۴۵.

از آیه اول بدست می آید که قرآن در ماه رمضان نازل شده است. از آیه دوم می توان دریافت که این نزول، در یک شب مبارکی انجام گرفته است. با توجه به این دو آیه، روشن می شود که این شب مبارک، یکی از شب های ماه رمضان است. در آیه سوم، خداوند می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.» از ضمیمه این سه آیه، می توان چنین نتیجه گرفت: در ماه رمضان، شب بابرکتی به نام شب قدر، وجود دارد که قرآن در آن شب، نازل شده است. در ضمن روشن است که آن شب عظیم، یک شب است و نه چند شب. بنابراین، زمان نزول قرآن، در یک شب قدر از شب های ماه رمضان می باشد. سؤالی که در این جا، قابل طرح است، اینکه: شب قدر، کدام یک از شب های این ماه مبارک رمضان است؟ در این زمینه، آیات قرآن، بیانی ندارند. در روایات نیز، شب های مختلفی، به عنوان شب قدر، معرفی شده است. از جمله: شب نیمه شعبان، شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و هفتم ماه رمضان.^۱

با توجه به روایات این باب، شب های بیست و یک و بیست و سه، از تأکید بیشتری برخوردار می باشد. از امام صادق (ع) سؤال شد، شب قدر کدام شب است؟ فرمودند: «آن را در یکی از دو شب بیست و یک و بیست و سه، جستجو کن».^۲ زراره از امام صادق (ع) روایت کرده است که حضرت فرمود: «شب نوزدهم، شب تقدیر، شب بیست و یکم شب تعیین و شب بیست و سوم، شب ختم و امضای امر است»^۳

بنابراین در نزد شیعه، شب قدر در میان یکی از دو شب بیست و یک و بیست و سه، مورد تردید است. هرچند با توجه به برخی از روایات دیگر، شب بیست و سوم، دارای قوت بیشتری است. شیخ صدوق می گوید: «مشایخ ما اتفاق نظر دارند که شب قدر، شب ۲۳ ماه رمضان است.»^۴ با توجه به این سخن، نزول قرآن در یکی از دو شب بیست و یک یا بیست و سه ماه رمضان، واقع شده است.

۱ - طبرسی، مجمع البیان، مترجم: علی کرمی، نشر فراهانی، چاپ اول، ۸۰ ج ۳۰، ص ۱۲۲۶.

۲ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، دارالکتب الاسلامیه، چ ششم، ۶۸، ص ۱۸۹.

۳ - همان، ص ۱۸۹.

۴ - معرفت، تاریخ قرآن، ص ۳۲.

۴ - ۱ - ۵ - رابطه نزول قرآن با بعثت پیامبر(ص)

سؤالی که قابل طرح است، اینکه: چگونه قرآن در شب قدر ماه رمضان، نازل شده است. در حالی که بعثت پیامبر، بنابر قول مشهور، در بیست و هفت رجب بوده است؟ به عبارت دیگر: آیا بعثت پیامبر همزمان با نزول قرآن در ماه رمضان بوده است؟ ابتدا باید روشن شود که پیامبر در هنگام بعثت، چند سال داشته اند. دیدگاه های مختلفی در این باره، وجود دارد. در بسیاری از روایات، سن شریف آن حضرت، ۴۰ سال، و در برخی دیگر از روایات، ۴۳ سال ذکر شده است.

البته با توجه به دلایل، قرائن و شواهد مختلف، قول چهل سالگی ترجیح دارد.^۱ هم چنین درباره زمان بعثت، سه احتمال داده شده است: الف: یازدهم و دوازدهم ربیع الاول سال چهل و یکم الفیل. ب: بیست و هفتم رجب. ج: ماه مبارک رمضان.^۲ از میان روایاتی که بیانگر این سه دیدگاه است، روایاتی که ماه رجب را ماه بعثت آن حضرت می دانند، بر دیگر روایات ترجیح داده می شود: این ترجیح به دلیل زیر می باشد: ۱- درباره ماه رجب، سیزده روایت وجود دارد؛ در حالی که درباره ربیع الاول بیش از سه روایت و درباره بعثت آن حضرت در ماه رمضان، بیش از دو روایت به دست نیامده است.

۲- روایات مربوط به ربیع الاول و ماه رمضان، در مورد تاریخ روز بعثت اختلاف دارند؛ در حالی که روایات مربوط به ماه رجب، به اتفاق، روز مبعث را بیست و هفتم رجب می دانند. به طور کلی درباره همزمانی یا عدم همزمانی آغاز نزول قرآن با شروع بعثت پیامبر(ص) دو دیدگاه در بین صاحب نظران وجود دارد:

الف: برخی معتقدند که بعثت پیامبر با نزول پنج آیه نخست سوره علق، آغاز شده است. لذا، زمان بعثت در ماه رمضان خواهد بود.^۳ (۹)

ب: در مقابل عده ای می گویند که، ابتدا، آن حضرت، در ماه رجب به پیامبری انتخاب شدند، سپس در ماه رمضان، همان سال یا سال بعد، قرآن بر ایشان نازل شد. بنابراین بعثت پیامبر، همزمان با نزول قرآن نبوده است.^۴ (۱۰)

۱ - نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، هستی نما، چاپ اول، ۸۰، ص ۲۰۶.

۲ - همان، ص ۲۰۹.

۳ - همان، ص ۲۱۴.

۴ - همان، ص ۲۱۶.

۴- ۱- ۶- مراحل نزول قرآن

الف: پیش از نزول:

بررسی آیات آغازین سوره های قرآن - که ناظر به چگونگی اوصاف قرآن باشد - نشان می دهد که قرآن پیش از نزول آن، نزد خداوند، در «امّ الکتاب» که همان لوح محفوظ و کتاب مکنون است، دارای اوصافی مانند: علی، مبین و حکیم بوده است.^۱

ب: مرحله نزول: قرآن کریم در این مرحله، تفصیل یافته و اوصاف جدیدی به خود گرفته است: «کتابٌ أَحکَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلَتْ»، «وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ» و «لِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»^۲ در این مرحله، هدف از نزول قرآن، قراءت، تلاوت، ابلاغ، هدایت، تعقل، تذکر، شفا، رحمت، تعلم، اتباع و... می باشد. این مراحل نزول قرآن، نشانگر ذومراتب بودن آن است. قرآن، کتابی الهی و دارای مراتب مختلف است. مرتبه والای آن، همان امّ الکتاب است که حقیقتی نزد خدای حکیم دارد. مرحله دیگر آن در دست فرشتگان و مرتبه نازل آن در دست مردم و به زبان عربی فصیح و آشکار است.^۳

۴- ۱- ۷- نوع نزول قرآن

درباره واژه نزول و مشتقات آن در قرآن، آیات مختلفی وجود دارد. در برخی از این آیات، نزول قرآن به صورت مطلق ذکر شده است: «کتابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ»^۴ در برخی دیگر، از نزول تدریجی قرآن، سخن رفته است: «کتابٌ أَحکَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلَتْ»^۵ و «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا»^۶. بنابراین ادعا برخی از صاحب نظران، آیاتی از قرآن، اشاره به نزول دفعی و مجموعی قرآن دارند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْءَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ»^۷ «لَا تُحْرَكْ بِهِ لِسَانُكَ

۱- شعراء / ۲؛ یس / ۱ و ۲؛ زخرف / ۴.

۲- هود / ۲؛ اسراء / ۱۰۶؛ شعراء / ۱۰۵.

۳- جوادی آملی، قرآن در قرآن، اسراء، چاپ دوم، ۷۸، ص ۶۹

۴- ص / ۲۹.

۵- هود / ۱۱.

۶- انعام / ۱۱۴.

۷- طه / ۱۱۴.

لِنَعَجَلْ بِهِ»^۱. دلالت این آیات بر نزول دفعی بدین قرار است: چون آیات قرآن یک بار به صورت جمعی در شب قدر بر پیامبر نازل شده بود. لذا به هنگام نزول تدریجی آیات، پیامبر عجله می کرد و بر جبرئیل پیشقدم می شد و آیات را می خواند. این نشان می دهد که آن حضرت، قبل از نزول تدریجی آیات، از قرآن اطلاع داشته است.

بنابراین خداوند دستور می دهد که در این کار عجله نکن و چیزی از این قرآن را بر مردم قرائت و تلاوت نکن تا اینکه وقت مناسب ابلاغ و تبلیغ آن برسد.^۲ با توجه به این آیات و آیات مشابه دیگر، درباره نوع نزول قرآن، دیدگاه های متفاوتی در بین صاحب نظران علوم قرآنی مطرح شده است.

برخی می گویند قرآن ابتدا به صورت دفعی و یکپارچه در شب قدر از لوح محفوظ بر آسمان دنیا (بیت المعمور یا بیت العزّة) و یا بر قلب پیامبر(ص) نازل شد و از آنجا در طول مدت رسالت آن حضرت، توسط جبرئیل امین دوباره بر پیامبر، نازل گشته است. اما عده ای دیگر می گویند که قرآن فقط به صورت تدریجی و در مدت رسالت پیامبر اسلام، به تناسب شرایط زمانی و مکانی و وقوع حوادث و رخدادهای گوناگون، در قالب آیه ها و سوره های موجود، نازل شده است.^۳ البته در کنار این دو قول مشهور، اقوال مختلف دیگری نیز وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره ای کوتاه می شود. قرآن در بیست یا بیست و سه شب قدر هر سال دوران رسالت، بر آسمان دنیا نازل شده است. یعنی در شب قدر هر سال مدت رسالت پیامبر آن اندازه از قرآن که مورد نیاز آن سال بوده، یک جا بر آن حضرت نازل شده است. سپس همان آیات و سوره ها، به تدریج در طول آن سال، دوباره بر پیامبر توسط فرشته وحی فرود می آمد.^۴ در کنار این اقوال، برخی دیگر، توجیهاتی درباره نزول دفعی قرآن، بیان داشته اند که در این جا به سخن شیخ صدوق و علامه طباطبایی اشاره ای می شود:

۱ - قیامت / ۱۶ و ۱۷.

۲ - تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۱۳؛ مجله پژوهش های قرآنی، ش ۳۱، ص ۱۷۹.

۳ - معرفت، علوم قرآنی، ناشر: حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، چاپ اول، ۷۹، ص ۴۱.

۴ - همان، ص ۴۲.

شیخ صدوق می گوید: منظور از نزول دفعی قرآن بر پیامبر در شب قدر، علم و آگاهی یافتن آن حضرت به محتوای کلی قرآن است.^۱

علامه طباطبایی می فرماید: «قرآن کریم دارای دو وجود است: وجود ظاهری تفصیل یافته در قالب الفاظ و عبارات است. وجود بسیط که از هرگونه تجزیه، تفصیل و الفاظ خالی می باشد. وجود باطنی قرآن، در شب قدر بر قلب آن حضرت نازل شد، سپس به تدریج وجود ظاهری آن، در مدت رسالت پیامبر، نازل گردید.»^۲

منشأ پیدایش دو دیدگاه کلی نزول دفعی و تدریجی قرآن برخی تصور کرده اند که واژه «انزال» از باب افعال به معنای نزول دفعی است و واژه «تنزیل» از باب تفعیل به معنای نزول تدریجی است.^۳ و هم چنین، روایاتی که در آنها به این تفصیل نزول دفعی و تدریجی آمده است، باعث پیدایش این دو دیدگاه شده است.

۴ - ۱ - ۸ - دلایل دیدگاه نزول تدریجی

۱. تصریح قرآن:

آیه شریفه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً...» (فرقان / ۳۲)؛ خداوند در پاسخ سؤال کافران که پرسیدند: چرا قرآن بر رسول خدا به طور یکجا نازل نشد، در مقام انکار برنیامد و فرمود: چنین نیست و قرآن به طور یکجا نیز بر رسول خدا نازل شده است؛ بلکه در مقام اثبات برآمد و فرمود: همان طور است که می گوید؛ قرآن به طور دفعی نازل نشده است.^۴

۲ - مضامین قرآن:

از ظاهر برخی از آیات (آیه سؤال از اصحاب کهف: ۲۳ و ۲۴؛ آیه تغییر قبله: بقره / ۱۴۴؛ و آیه ظهار: مجادله / ۲) چنین حاصل می شود که پیامبر حکم برخی از امور و پاسخ بعضی از سؤالات را نمی دانستند؛ لذا منتظر نزول آیاتی درباره آن ها می شدند. بدیهی است که اگر قبلاً کل قرآن بر آن حضرت نازل شده بود، چنین انتظاری معنا نداشت.^۵

۱ - معرفت، علوم قرآنی، نشر التمهید، چاپ اول، ۷۸، ص ۷۱.

۲ - همان، ص ۷۲.

۳ - صالحی نجف آبادی، حدیث های خیالی در مجمع البیان، نشر کویر، چ دوم، ۸۲، ص ۳۳۴

۴ - نکونام، جعفر، پیشین، ص ۵۶.

۵ - همان، ص ۵۶.

۴- ۱- ۹- حکمت و آثار نزول تدریجی قرآن

الف: قوت قلب پیامبر

تجدید وحی بر پیامبر موجب دل گرمی آن حضرت می شد و از عوامل ثبات و پایداری ایشان در دعوت و مبارزه به شمار می رفت.

ب: تأکید بر حقانیت دعوت و پشتیبانی مداوم از پیامبر:

ارتباط مستمر به واسطه نزول تدریجی آیات تأیید و تأکید بر دعوت رسالت و موجب آسان شدن تحمل مشکلات و پایداری در دین می شد. ج: مصالح مرتبط با مردم: در مقاطع زمانی و مکانی و متناسب با شرایط فردی، اجتماعی، سیاسی و رویدادهای تاریخی وجود شبهات و پرسش های مخالفان و موافقان و تغییر تدریجی آداب و رسوم و خرافات جاهلی، اقتضا می کرد که آیات قرآن به مرور نازل شود. و اجرای همزمان احکام و قوانین شرعی برای افرادی که تازه اسلام را پذیرفته اند، سخت و دشوار بود. لذا با نزول تدریجی آن موارد، احکام و قوانین به صورت گام به گام و مرحله ای به اجرا درآمد. فایده دیگر آن امکان حفظ و صیانت از آیات قرآن توسط مردم بود. د: مصالح مرتبط با قرآن: انسجام و پیوستگی میان آیات قرآن و نبود اختلاف و تعارض به رغم نزول تدریجی آن، کلام الهی و وحیانی بودن آیات و در نهایت، معجزه بودن قرآن را به اثبات می رساند.^۱ پی نوشت ها:

۴- ۲- نزول قرآن از دیدگاه دانشمندان علوم قرآنی

با مراجعه به کتب تفسیر و بررسی آراء مفسران در خصوص زمان و کیفیت نزول قرآن این را کاملاً واضح و آشکار می یابیم که میان مفسران در خصوص زمان نزول قرآن و اولین آیه و آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شد اختلاف دیدگاه نیز وجود دارد. در این قسمت از پژوهش دیدگاه علامه طباطبایی و علامه طبرسی و مکارم شیرازی و سپس آیت الله معرفت در خصوص زمان و کیفیت نزول قرآن (دفعی و یا تدریجی) مورد بررسی قرار می گیرد:

۴- ۲- ۱- دیدگاه طبرسی در خصوص نزول قرآن

۱- مجله تخصصی الهیات و حقوق، دانشگاه رضوی مشهد، ش ۱۴، ۸۳، ص ۷۱.

طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان در خصوص نخستین فرودین قرآن با استناد به روایت ها می گوید: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) هاء کنایه از قرآنست گرچه ذکر از آن در میان نیامده برای اینکه حال در آن مورد مشتبه نیست. (فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) ابن عباس گوید: قرآن را خدا یک مرتبه نازل کرد از لوح محفوظ با آسمان دنیا در شب قدر، سپس جبرئیل آن را تدریجا به پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل مینمود و از اول تا آخرش بیست و سه سال بود.

شعبی گوید: یعنی ما شروع کردیم نزول قرآن را در شب قدر. مقاتل گوید: نازل کرد آن را از لوح محفوظ بسوی سفره و ایشان نویسندگان بودند از فرشتگان در آسمان دنیا، و نازل میشد در شب قدر از وحی بر اندازه آنچه که جبرئیل نازل مینمود در تمام سال بر پیغمبر صلی الله علیه و آله تا سال آینده^۱

طبرسی در کتاب جوامع الجوامع خود ضمن بر شمردن اهمیت شب قدر، نیز بر این عقیده است که همه قرآن در شب قدر نازل شده است:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ضَمِيرٌ فِي آيَاتِهِ بِقُرْآنٍ مِّنْهُ يَوْمَ الْقَدْرِ

از ابن عباس روایت است که خدا تمام قرآن را یک جا در شب قدر از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل کرد سپس جبرئیل آن را در مدت بیست و سه سال «نجوماً»^۱ و بتدریج بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد. شعبی روایت کرده است که: ما فرو فرستادن قرآن را در شب قدر شروع کردیم.

خداوند در اینجا قرآن را از سه جهت تعظیم کرده است:

- ۱- فرو فرستادن قرآن را به خود نسبت داده است.
- ۲- بجای ذکر قرآن و اسم ظاهر ضمیر آورده [که به قرآن بر می گردد] و این خود گواهی دادن بر عظمت و بزرگی قرآن است.
- ۳- رفعت قرآن به خاطر ارزش وقتی است که در آن وقت نازل شده که همان شب قدر است.

در زمان نزول قرآن اختلاف شده است، ظاهرترین و صحیح‌ترین اقوال این است که در دهه آخر ماه رمضان و شبهای فرد آن نازل شده است، سپس گفته‌اند: آن شب فرد، شب بیست و یکم آن ماه بوده است، و شافعی این قول را برگزیده است^۱

۴-۲-۲- نزول قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در خصوص نزول قرآن که در آیه های مبارک سوره قدر آمده است، می گوید: « بیان آیات این سوره نزول قرآن در شب قدر را بیان می‌کند، و آن شب را تعظیم نموده از هزار ماه بالاتر می‌داند، چون در آن شب ملائکه و روح نازل می‌شوند، و این سوره، هم احتمال مکی بودن را دارد، و هم می‌تواند مدنی باشد، و روایاتی که درباره سبب نزول آن از امامان اهل بیت (ع) و از دیگران رسیده خالی از تایید مدنی بودن آن نیست، و آن روایاتی است که دلالت دارد بر اینکه این سوره بعد از خوابی بود که رسول خدا (ص) دید، و آن خواب این بود که دید بنی امیه بر منبر او بالا می‌روند، و سخت اندوهناک شد، و خدای تعالی برای تسلیت این سوره را نازل کرد (و در آن فرمود شب قدر بهتر از هزار ماه حکومت بنی امیه است).^۲»

علامه طباطبایی بر این عقیده است که همه ی قرآن در شب قدر نازل شده در تفسیر این آیه می گوید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اینست که همه قرآن در شب قدر نازل شده است [«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ضمیر در " انزلناه" به قرآن برمی‌گردد، و ظاهرش این است که: می‌خواهد بفرماید همه قرآن را در شب قدر نازل کرده، نه بعضی از آیات آن را، مؤیدش هم این است که تعبیر به انزال کرده، که ظاهر در اعتبار یکپارچگی است، نه تنزیل که ظاهر در نازل کردن تدریجی است.

و در معنای آیه مورد بحث آیه زیر است که می‌فرماید: " وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ " که صریحا فرموده همه کتاب را در آن شب نازل کرده، چون ظاهرش این است که نخست سوگند به همه کتاب خورده، بعد فرموده این کتاب را که به حرمتش سوگند خوردیم، در یک شب و یکپارچه نازل کردیم.

۱ - طبرسی، ترجمه جوامع الجامع، ج ۶، ص: ۶۷۷

۲ - طباطبایی، ترجمه المیزان، موسوی همدانی، ج ۲۰، ص: ۵۶۰

پس مدلول آیات این می‌شود که قرآن کریم دو جور نازل شده، یکی یکپارچه در یک شب معین، و یکی هم به تدریج در طول بیست و سه سال نبوت که آیه شریفه " وَ قُرْآنًا فَرَقْنَا لِتَفْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا " (اسراء، آیه ۱۰۶)، ما قرآنی بر تو نازل کردیم که به صورت آیات جدا از هم می‌باشد، تا آن را تدریجا و با آرامش بر مردم بخوانی. و به طور قطع این قرآن را ما نازل کردیم. سوره نزول تدریجی آن را بیان می‌کند، و همچنین آیه زیر که می‌فرماید: " وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا " (سوره فرقان، آیه ۳۲) آنان که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکباره بر او نازل نشد، بلکه یکباره نازل نکردیم، تا قلب تو را ثبات و آرامش بخشیم، و بدین منظور آیه آیه‌اش کردیم.

و بنا بر این، دیگر نباید به گفته بعضی «۴» اعتنا کرد که گفته‌اند: معنای آیه " انزلناه " این است که شروع به انزال آن کردیم، و منظور از انزال هم انزال چند آیه از قرآن است، که در آن شب یکباره نازل شد نه همه آن و در کلام خدای تعالی آیه‌ای که بیان کند ليله مذکور چه شیی بوده دیده نمی‌شود بجز آیه " شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ " «۱» که می‌فرماید: قرآن یکپارچه در ماه رمضان نازل شده، و با انضمام آن به آیه مورد بحث معلوم می‌شود شب قدر یکی از شب‌های ماه رمضان است، و اما اینکه کدامیک از شب‌های آن است در قرآن چیزی که بر آن دلالت کند نیامده، تنها از اخبار استفاده می‌شود، که ان شاء الله در بحث روایتی آینده بعضی از آنها از نظر خواننده می‌گذرد^۲

[وجه تسمیه شب قدر، تقدیر و احکام امور یک سال در شب قدر، یکی از شب‌های رمضان است و هر سال تکرار می‌شود]

در این سوره آن شبی که قرآن نازل شده را شب قدر نامیده، و ظاهراً مراد از قدر تقدیر و اندازه‌گیری است، پس شب قدر شب اندازه‌گیری است، خدای تعالی در آن شب حوادث یک سال را یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده را تقدیر می‌کند، زندگی، مرگ، رزق، سعادت، شقاوت و چیزهایی دیگر از این قبیل را مقدر می‌سازد، آیه سوره دخان هم که در وصف شب قدر است بر این معنا دلالت دارد: " فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ رَحْمَةً مِنْ

۱ - طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۸

۲ - طباطبایی، ترجمه المیزان، موسوی همدانی، ج ۲۰، ص: ۵۶۱

ربّک" «۲»، چون " فرق"، به معنای جدا سازی و مشخص کردن دو چیز از یکدیگر است، و فرق هر امر حکیم جز این معنا ندارد که آن امر و آن واقعه‌ای که باید رخ دهد را با تقدیر و اندازه‌گیری مشخص سازند.

و از این استفاده می‌شود که شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و آن سالی که قرآن در آن شبش نازل شد نیست، بلکه با تکرر سنوات، آن شب هم مکرر می‌شود، پس در هر ماه رمضان از هر سال قمری شب قدری هست، که در آن شب امور سال آینده تا شب قدر سال بعد اندازه‌گیری و مقدر می‌شود برای اینکه این فرض امکان دارد که در یکی از شبهای قدر چهارده قرن گذشته قرآن یکپارچه نازل شده باشد، ولی این فرض معنا ندارد که در آن شب حوادث تمامی قرون گذشته و آینده تعیین گردد. علاوه بر این، کلمه " یفرق" به خاطر اینکه فعل مضارع است استمرار را می‌رساند، در سوره مورد بحث هم که فرموده: " شب قدر از هزار ماه بهتر است" و نیز فرموده: " ملائکه در آن شب نازل می‌شوند" مؤید این معنا است.^۱

۴- ۲- ۳- دیدگاه مکارم شیرازی در خصوص نزول قرآن کریم

مکارم شیرازی صاحب تفسیر نمونه (الأمثل) به دو مرحله ای بودن نزول قرآن اعتقاد دارد. در این باره می‌گوید:

۱- می‌دانیم قرآن در طی بیست و سه سال دوران نبوت پیامبر نازل شده است، و از این گذشته محتوای قرآن محتوایی است که ارتباط و پیوند با حوادث مختلف زندگی پیامبر ص و مسلمانان در طول این ۲۳ سال دارد که اگر از آن بریده شود نامفهوم خواهد بود. با این حال چگونه قرآن به طور کامل در شب قدر نازل شده است؟ در پاسخ این سؤال بعضی قرآن را به معنی آغاز نزول قرآن تفسیر کرده‌اند، بنا بر این مانعی ندارد که آغاز آن در شب قدر باشد، و دنبال آن در طول ۲۳ سال.

ولی این تفسیر با ظاهر آیه مورد بحث و آیاتی دیگر از قرآن مجید سازگار نیست. برای یافتن پاسخ این سؤال باید توجه داشت که از یک سو در آیه می‌خوانیم " قرآن در ليله مبارکه نازل شده است".

۱ - طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۷، ص: ۱۹۰

از سوی دیگر در آیه ۱۸۵ سوره بقره آمده است شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ " ماه رمضان را روزه بدارید، ماهی که قرآن در آن نازل شده است." و از سوی سوم در سوره قدر می‌خوانیم: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ " ما آن را در شب قدر نازل کردیم."

از مجموع این آیات به خوبی استفاده می‌شود که آن شب مبارکی که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده شب قدر در ماه مبارک رمضان است.

از این که بگذریم از آیات متعددی استفاده می‌شود که پیامبر ص قبل از نزول تدریجی قرآن از آن آگاهی داشت، مانند آیه ۱۱۴ سوره طه و لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ: " پیش از آنکه وحی در باره قرآن بر تو نازل شود نسبت به آن عجله مکن." و در آیه ۱۶ سوره قیامه آمده است: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ: " زبان خود را برای عجله به قرآن حرکت مده."^۱

از مجموع این آیات می‌توان نتیجه گرفت که قرآن دارای دو نوع نزول بوده است: اول " نزول دفعی" و جمعی که یک جا از سوی خداوند بر قلب پاک پیامبر ص در ماه رمضان و شب قدر نازل گردیده، دوم " نزول تدریجی" که بر حسب شرائط و حوادث و نیازها در طی ۲۳ سال نازل شده است.

شاهد دیگر این سخن اینکه در بعضی از آیات قرآن تعبیر به " انزال" و در بعضی دیگر تعبیر به " نزول" شده است، از پاره‌ای از متون لغت استفاده می‌شود که " تنزیل" معمولا در مواردی گفته می‌شود که چیزی تدریجا نازل شود و به صورت پراکنده و تدریجی، اما " انزال" مفهوم وسیعی دارد که هم نزول تدریجی را شامل می‌شود و هم نزول دفعی را «۱»، و جالب اینکه در تمام آیات فوق که سخن از نزول قرآن در شب قدر و ماه مبارک رمضان است تعبیر به " انزال" شده که با " نزول دفعی" هماهنگ است، در حالی که در موارد دیگری که سخن از " نزول تدریجی" در میان است تنها تعبیر به " تنزیل" شده است.

اما این " نزول دفعی" بر قلب پیامبر ص چگونه بوده؟ آیا به شکل همین قرآن فعلی با آیات و سوره‌های مختلف؟ یا مفاهیم و حقایق آنها به صورت فشرده و جمعی؟. دقیقا روشن نیست،

۱ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص: ۱۴۹

همین قدر از قرائن فوق می فهمیم که یک بار این قرآن در یک شب بر قلب پاک پیامبر ص نازل شده است و یک بار تدریجی در ۲۳ سال.^۱

۴-۳- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص نزول قرآن کریم

نزول قرآن تدریجی، آیه آیه و سوره سوره، بوده و تا آخرین سال حیات پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داشته است. در دوران حیات پیامبر (ص) هرگاه پیش آمدی رخ می داد یا مسلمانان با مشکلی روبرو می شدند، در ارتباط با آن پیش آمد یا برای رفع آن مشکل یا احوانا پاسخ به سؤال های مطرح شده، مجموعه ای از آیات یا سوره ای نازل می شد. این مناسبت ها و پیش آمدها را اصطلاحاً اسباب نزول یا شأن نزول می نامند، که دانستن آن ها برای فهم دقیق بسیاری از آیات ضروری است. این نزول پراکنده، قرآن را از دیگر کتب آسمانی جدا می سازد. زیرا صحف ابراهیم و الواح موسی یک جا نازل شد و همین امر موجب عیب جویی مشرکان گردید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً...» (فرقان ۲۵: ۳۲) کسانی که کفر ورزیده اند گفتند: چرا قرآن یک جا بر او نازل نگردیده؟...». در جواب آنان آمده: این به خاطر آن است که قلب تو را به وسیله آن استوار گردانیم و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم». در جای دیگر می گوید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (اسراء ۱۷: ۱۰۶) قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم».

به طوری که از قرآن استنباط می شود، حکمت تدریجی بودن نزول قرآن آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان احساس کنند همواره مورد عنایت خاص پروردگار قرار دارند و پیوسته رابطه آنان با حق تعالی استوار است و این تداوم نزول باعث دل گرمی و تثبیت آنان را فراهم سازد. «وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا... (طور ۵۲: ۴۸) و در برابر دستور پروردگارت شکیبا باش چرا که مورد عنایت کامل ما قرار داری...» این قبیل دل گرمی های مداوم برای پیامبر اسلام فراوان بوده است و در قرآن در موارد بسیاری بدان اشاره شده است.^۲

۴-۳-۱- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص آغاز نزول

۱- همان، ج ۲۱، ص: ۱۵۰

۲- معرفت، علوم قرآنی، ص: ۶۱

آغاز نزول قرآن در ماه مبارک رمضان و در شب قدر صورت گرفت: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...» (بقره ۲: ۱۸۵) «ماه رمضان (همان ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، (کتابی) که مردم را راهبر، و (متضمّن) دلایل آشکار هدایت» «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ، فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان ۴: ۴-۳) «(که) ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، (زیرا) که ما هشداردهنده بودیم. در آن (شب) هر (گونه) کاری (به نحوی) استوار فیصله می‌یابد» «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...» (قدر ۹۷: ۱) (ما (قرآن را) در شب قدر نازل کردیم).

۴-۳-۲- شب قدر- نزد امامیه

شب قدر- نزد امامیه- میان دو شب مردّد است: شب ۲۱ و ۲۳ ماه مبارک رمضان. شیخ کلینی از حسان بن مهران روایت کرده است گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شب قدر کدام است؟ فرمود: «آن را در یکی از دو شب ۲۱ و ۲۳ جستجو کن». زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرده فرمود: «شب ۱۹ شب تقدیر است، شب ۲۱ شب تعیین و شب ۲۳ شب ختم و امضای امر است»^۱. شیخ صدوق می‌گوید: «مشایخ ما اتفاق نظر دارند که لیلۀ القدر، شب ۲۳ ماه رمضان است»^۲. این شب را «لیلۀ الجهنی» نیز گویند به شرحی که در حدیث ابو حمزه ثمالی آمده است^۳.

۴-۳-۳- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص سه سال تأخیر نزول

آغاز وحی رسالی (بعثت) در ۲۷ ماه رجب، ۱۳ سال پیش از هجرت (۶۰۹ میلادی) بود، ولی نزول قرآن به عنوان کتاب آسمانی، سه سال تأخیر داشت. این سه سال را به نام «فترت»^۴

۱- حرّ عاملی، وسایل الشیعه؛ ج ۷، ابواب احکام شهر رمضان، باب ۳۲، حدیث ۱ و ۲.

۲- شیخ صدوق؛ الخصال؛ ج ۲، ص ۱۰۲. التمهید؛ ج ۱، ص ۱۰۹-۱۰۸.

۳- حرّ عاملی، ج ۱۰ ص ۳۵۵؛ علوم قرآنی (آیت الله معرفت)، ص: ۶۲.

۴- فترت به معنای سستی و کاهش یافتن است. در این جا کنایه از قطع تداوم وحی قرآنی می‌باشد.

می خوانند. پیامبر صلی الله علیه و آله در این مدت دعوت خود را سرّی انجام می داد تا آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (حجر ۱۵: ۹۴) پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن».

نازل شد و دستور اعلان دعوت را دریافت کرد.^۱ ابو عبد الله زنجانی گوید: «پس از نزول آیه «أَفْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» (علق ۹۶: ۱) بخوان به نام پروردگارت که آفرید.»

تا مدت سه سال قرآن نازل نشد و این مدت را فترت وحی می نامند؛ سپس قرآن به صورت تدریجی نازل گردید که مورد اعتراض مشرکین قرار گرفت.^۲ چنان که در آیه «لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً» (فرقان ۲۵: ۳۲) گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟» به آن اشارت رفت.^۳

۴-۳-۴- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص مدت نزول

مدت نزول تدریجی قرآن بیست سال است. نزول قرآن سه سال بعد از بعثت آغاز و تا آخرین سال حیات پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داشت. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (متوفای ۳۲۸) حدیثی آورده است که حفص بن غیاث از امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد: با آن که نزول قرآن در مدت ۲۰ سال بوده، چرا خداوند فرموده است: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره ۲: ۱۸۵) «ماه رمضان (همان ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است،» محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی (متوفای ۳۲۰) از ابراهیم بن عمر صنعانی نقل می کند که به حضرت امام صادق علیه السلام عرض کرد: چگونه قرآن در ماه رمضان نازل گردیده با آن که در مدت بیست سال نازل شده است؟^۴ علی بن ابراهیم قمی می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چگونه قرآن در ماه رمضان نازل گردید، با آن که در طول بیست سال نازل شده است؟^۵ امام صادق علیه السلام در روایات مذکور تصریح فرمودند: «... ثم نزل فی طول عشرين عاما...» که ابن بابویه صدوق^۶ و علامه مجلسی^۱ و سید عبد الله شبر^۲ و دیگران این نظر را برگزیده اند.^۳

۱- سیره ابن هشام؛ ج ۱، ص ۲۸۰. ابو الحسن علی بن ابراهیم القمی؛ تفسیر قمی؛ ذیل آیه ۹۴ سوره حجر.

۲- تاریخ القرآن؛ ص ۹.

۳- معرفت، علوم قرآنی ص: ۶۳

۴- تفسیر عیاشی؛ ج ۱، ص ۸۰، حدیث ۱۸۴.

۵- تفسیر قمی؛ ج ۱، ص ۶۶.

۶- شیخ صدوق؛ الاعتقادات؛ ص ۱۰۱.

سعید بن مسیب، (متوفای ۹۵)، از بزرگان تابعین و از فقهای سبعة مدینه، می‌گوید: قرآن بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سن ۴۳ سالگی نازل شد^۵ و این غیر از بعثت است که به اتفاق امت در سن ۴۰ سالگی بوده است. واحدی نیشابوری از عامر بن شراحیل شعبی، از فقها و ادبای تابعین (۲۰-۱۰۹)، نقل می‌کند که گفته است:

«مدت نزول قرآن حدودا بیست سال بوده است»^۶، و نیز امام احمد بن حنبل از وی نقل می‌کند که گفته است: «نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله در سن چهل سالگی بوده است و پس از سه سال، قرآن در مدت بیست سال نازل شده» و ابو الفداء، معروف به ابن کثیر می‌گوید: «سند این نقل کاملا صحیح است»^۷. ابو جعفر طبری از عکرمه روایت کرده که ابن عباس گفته است: «نزول قرآن، از آغاز تا پایان، بیست سال به طول انجامید»^۸.

ابو الفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴) از محمد بن اسماعیل بخاری حدیثی می‌آورد که ابن عباس و عایشه گفتند: «قرآن به مدت ده سال در مکه و ده سال در مدینه نازل شد» و نیز از ابو عبید قاسم بن سلام روایت بیست سال نزول قرآن را آورده و در پایان گفته است: «هذا اسناد صحیح»^۹.

۴ - سه پرسش مهم در خصوص کیفیت نزول قرآن

- ۱- چگونه نزول قرآن یا آغاز نزول آن در شب قدر بوده است در حالی که بعثت پیامبر در ۲۷ رجب با پنج آیه از اول سوره علق آغاز شد؟
- ۲- چگونه نزول قرآن در شب قدر انجام گرفته است در حالی که قرآن در مدت بیست سال، نجوما یعنی هر چند آیه و در مناسبت‌های مختلف و پیش‌آمدهای گوناگون، نازل شده است؟

۱ - مجلسی، بحار الانوار؛ ج ۱۸، ص ۲۵۰ و ۲۵۳.

۲ - عبد الله شبر؛ تفسیر شبر؛ ص ۳۵۰.

۳ - سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۴۰.

۴ - حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۲، ص ۶۱۰.

۵ - علی بن احمد واحدی نیشابوری؛ اسباب النزول؛ ص ۳.

۶ - ابن کثیر؛ البدایة و النهایة فی التاریخ؛ ج ۳، ص ۴، علوم قرآنی (آیت الله معرفت)، ص: ۶۴.

۷ - تفسیر طبری؛ ج ۲، ص ۸۵.

۸ - ابن کثیر؛ فضائل قرآن (در پایان تفسیر ابن کثیر چاپ شده است) ص ۲.

۳- کدام آیات یا سوره برای نخستین بار بر پیامبر نازل شده است؟ اگر اولین آیات یا اولین سوره، سوره علق و پنج آیه از ابتدای آن است، چرا به سوره حمد «فاتحة الكتاب» می‌گویند؟
 جواب پرسش اول و سوم روشن است. زیرا نزول قرآن، چنان‌که اشاره شد، سه سال پس از بعثت انجام گرفته است. در سه سال اول بعثت، دعوت به‌گونه سرّی انجام می‌گرفت و هنوز برای اسلام کتابی نازل نشده بود. تا آن که آیه «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ...» (حجر ۱۵: ۹۴) پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب» نازل گردید و پیامبر صلی الله علیه و آله به اعلام علنی دعوت مأموریت یافت و نزول قرآن آغاز شد^۱.

۴ - ۴ - ۱ - فاتحه الكتاب

اما چرا به سوره حمد «فاتحة الكتاب» می‌گویند، اگر این نام را در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن سوره اطلاق کرده باشند^۲، بدین دلیل است که اولین سوره کاملی است که بر پیامبر نازل شده است. در برخی روایات آمده است که همان روز اول بعثت، جبرئیل نماز و وضو را طبق آیین اسلام به پیامبر تعلیم نمود، زیرا «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب»، بنابراین سوره مذکور به طور کامل نازل شد^۳.

۴ - ۴ - ۲ - نزول قرآن در شب قدر و تعارض آن با نزول تدریجی

در مورد پرسش دوم: یعنی نزول قرآن در شب قدر و تعارض آن با نزول تدریجی، گفت و گو بسیار است و آرای مختلف در این زمینه عرضه شده است که خلاصه‌ای از آن را در ذیل می‌آوریم:

۱ - معرفت، التمهید؛ ج ۱، ص ۱۰۸ به بعد.

۲ - ممکن است این نام پس از رحلت پیامبر و موقعی که جمع قرآن صورت گرفت بر آن سوره اطلاق شده باشد به اعتبار آن‌که در ابتدای مصحف قرار گرفته است.

۳ - معرفت، التمهید، ج ۱، ص ۱۱۰.

نظر اول: آغاز نزول قرآن در شب قدر بوده است، چنان‌که از ظاهر آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» (بقره ۲: ۱۸۵) ماه رمضان (همان ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، « به دست می‌آید. بیش‌تر محققین این رأی را برگزیده‌اند. زیرا معاصرین نزول آیه از واژه قرآن، قرآن کامل را نمی‌فهمیدند. بر اساس این نظر آیه مذکور ابتدای نزول را می‌رساند. از این رو بیش‌تر مفسرین آیه شریفه را این‌گونه تفسیر کرده‌اند: «... ای بدء نزول القرآن فيه»^۱ مگر کسانی که متعبد به ظاهر روایاتند^۲. روایات درباره تفسیر قرآن، حجیت تعبدیه ندارند؛ زیرا تعبد در مورد عمل است، نه در مورد عقیده و درک. مخصوصاً اگر روایات با ظاهر لفظ مخالف بوده و نیاز به تأویل داشته باشند. به علاوه این قرآن با الفاظ و عبارات و خصوصیاتش نمی‌تواند یک جا و در یک شب نازل شده باشد، مگر آن که به تأویل دست بزنیم. مثلاً در قرآن از گذشته‌ای خبر می‌دهد که نسبت به اولین شب قدر، آینده دور محسوب می‌شود. برای مثال:^۳ «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» (آل عمران ۳: ۱۲۳). خداوند شما را در (جنگ) بدر یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک پیروز ساخت) در حالی که شما (نسبت به آنان) ناتوان بودید...».

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (توبه ۹: ۲۵ و ۲۶) خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید) و (نیز) در روز حنین آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد سپس پشت (به دشمن)

۱ - زمخشری گوید: «... و معنی (انزل فيه القرآن) ابتداء فيه انزاله» (الكشاف؛ ج ۱، ص ۲۲۷). بیضاوی گوید: «... ای ابتداء فيه انزاله...» (انوار التنزیل؛ ج ۱، ص ۲۱۷). شیخ محمد عبده گوید: «المراد بانزال القرآن فيه، بدؤه و أوله» (تفسیر المنار؛ ج ۲، ص ۱۵۸). مراغی گوید: «ای هذه الأيام هی شهر رمضان الذی بدء فيه بانزال القرآن» (تفسیر المراغی؛ ج ۲، ص ۷۳). ابن شهر آشوب گوید: «القرآن فی هذا الموضع لا یفید العموم و الاستغراق و انما یفید الجنس، فأی شیء نزل فيه فقد طابق الظاهر» (متشابهات القرآن؛ ج ۱، ص ۶۳) و نیز گوید «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» ای ابتداء نزوله» (المناقب؛ ج ۱، ص ۱۵۰) و هكذا قال المفید فی شرح العقائد تصحیح الاعتقاد؛ ص ۵۸) و السيد المرتضی فی اجوبه المسائل الطرابلسیات الثالثه ضمن المجموعه الاولى من رسائل الشریف المرتضی؛ ص ۴۰۵-۴۰۳.

۲ - تفسیر صافی؛ مقدمه نهم. کنز الدقائق مشهدی؛ ج ۱، ص ۴۳۰.

۳ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۶۶

کرده، فرار نمودید. آن گاه خداوند سکینه (- آرامش) خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرود آورد، و سپاه‌یانی فرو فرستاد که آن‌ها را نمی‌دیدید...».

«إِنَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه ۹: ۴۰) اگر او را یاری نکنید قطعاً خدا او را یاری کرد (و در مشکل‌ترین لحظه‌ها او را تنها نگذاشت) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یک نفر بیش‌تر همراه نداشت) در آن هنگام که آن دو در غار بودند وقتی به همراه خود می‌گفت: غم مخور، خدا با ماست، در این موقع خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاه‌یانی که آن‌ها را نمی‌دید تقویت نمود و گفتار (و هدف) کافران را پست‌تر گردانید (و آنان را با شکست مواجه ساخت) و سخن خدا (و آیین او) برتر (و پیروز) است و خداوند عزیز و حکیم است.»

«عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ» (توبه ۹: ۴۳). خداوند تو را بخشید چرا پیش از آن‌که راست‌گویان و دروغ‌گویان را بشناسی به آنان اجازه دادی؟ (خوب بود صبر می‌کردی تا هر دو گروه خود را نشان دهند).^۱

«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» (توبه ۹: ۸۱) برجای ماندگان (از جنگ تبوک) از مخالفت با رسول خدا خوشنود بودند و کراهت داشتند که با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کنند و (به یک‌دیگر و به مؤمنان) گفتند: در این گرما (به سوی میدان) بسیج نشوید...».

«وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (توبه ۹: ۹۰) و عذر خواهان از اعراب (نزد تو) آمدند که به آنان اجازه (ترک جهاد) داده شود و آنان که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند بدون هیچ عذری در خانه خود نشستند...».

«وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ» (توبه ۹: ۱۰۷) گروهی دیگر از آنان، کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به

مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاهی برای کسی که با خدا و پیامبرش به جنگ برخاسته بود...».

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب ۳۳: ۲۳) در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و برخی دیگر در (همین) انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.

«قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا» (مجادله ۵۸: ۱) خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش با تو گفتگو و به خدا شکایت می‌کرد شنید (و تقاضای او را اجابت کرد)؛ خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلتش) می‌شنید...».

این قبیل آیات در قرآن بسیار است که از گذشته خبر می‌دهد و اگر نزول آن در شب قدر (اولین شب قدر) بوده باشد، باید به صورت مستقبل (آینده دور) بیاید. وگرنه سخن، از حالت صدق و ظاهر حقیقت به دور خواهد بود.^۱

۴ - ۴ - ۳ - تأخیر زمانی در ناسخ و منسوخ

علاوه بر استدلال مذکور، در قرآن آیات ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، مبهم و مبین بسیار است. در حالی که مقتضای ناسخ بودن، تأخیر زمانی آیات ناسخ از منسوخ است. هم‌چنین بقیه تقيیدات و مخصوصا بیان مبهمات که لازمه طبیعی و عادی آن وجود فاصله زمانی است. پس هرگز معقول نیست که قرآن موجود یک‌جا نازل شده باشد و نیز خود آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره ۲: ۱۸۵) «ماه رمضان (همان ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است،» و آیات مشابه از گذشته حکایت دارند، به‌گونه‌ای که شامل خود این آیات نمی‌شوند.

پس این آیات از چیز دیگر، جز خود خبر می‌دهند و آن شروع نزول قرآن است. توضیح این‌که این آیات خود جزء قرآنند و اگر از تمامی قرآن خبر می‌دادند که در شب قدر نازل شده از خود نیز خبر داده‌اند. پس لازمه آن، این است که این آیات نیز در شب قدر نازل شده باشند و بایستی بدین صورت گفته شود: «الذی ينزل» یا «إنا ننزله» تا این که حکایت از زمان حال

۱ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۶۸

باشد، ولی این آیات از غیر خود خبر می‌دهند و این نیست جز آن که بگوییم منظور از نزول در شب قدر، آغاز نزول بوده است نه این که همه قرآن یک جا در این شب نازل شده باشد^۱.

۴ - ۴ - ۴ - دو نزول فرضی دفعی و تدریجی

شیخ مفید درباره گفتار صدوق که برای قرآن دو نزول فرض کرده است: دفعی و تدریجی که نظر پنجم است. می‌گوید: «منشأ آن چه شیخ ابو جعفر صدوق برگزیده خبر واحدی است که نه موجب علم می‌شود تا آن را باور کرد؛ و نه موجب عمل می‌گردد تا آن را تعبدا پذیرفت.

۴ - ۴ - ۵ - اسباب نزول

به علاوه نزول قرآن در حالات گوناگون و در مناسبت‌های مختلف که اسباب نزول خوانده می‌شود، خود شاهدهی است بر نپذیرفتن ظاهر آن خبر؛ زیرا قرآن درباره جریان‌های سخن می‌گوید که پیش از حدوث آن مفهومی ندارد و نمی‌تواند حقیقت باشد، جز آن که همان موقع نازل شده باشد. مثلاً قرآن از گفته منافقین خبر می‌دهد: «وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ» (بقره ۲: ۸۸) و گفتند: «دل‌های ما در غلاف است.» (نه، چنین نیست) بلکه خدا به سزای کفرشان، لعنتشان کرده است. پس آنان که ایمان می‌آورند چه اندک شماره‌اند». و یا گفتار مشرکان را نقل می‌کند «وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ...» (زخرف ۴۳: ۲۰) و می‌گویند: «اگر (خدای) رحمان می‌خواست، آنها را نمی‌پرستیدیم.» آنان به این (دعوی) دانشی ندارند (و) جز حدس نمی‌زنند» این‌گونه خبرها از گذشته است، نمی‌شود پیش از زمان وقوع صادر شود. در قرآن نظایر چنین اخبار فراوان است^۲.

۴ - ۴ - ۶ - نزول تدریجی قرآن کریم

سید مرتضی علم الهدی نیز می‌گوید: «اگر شیخ ابو جعفر صدوق در این که قرآن یک‌جا نازل شده است بر روایات تکیه کرده باشد، آن‌ها نه موجب علم‌اند و نه مایه یقین. و در مقابل آن‌ها روایات بسیاری است که خلاف آن را ثابت می‌کند و قرآن را نازل شده در مناسبت‌های مختلف می‌داند. برخی در مکه و برخی در مدینه و احیانا حضرت رسول در پیش‌آمدهایی منتظر می‌ماند تا آیه یا آیاتی نازل شود، این قبیل آیات در قرآن بسیار است. به علاوه خود قرآن صریحا دلالت دارد که

۱ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۶۸

۲ - شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد؛ ص ۵۷ و ۵۸؛ علوم قرآنی (آیت الله معرفت)، ص: ۶۹

به طور پراکنده نازل شده است: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (فرقان ۲۵: ۳۲) آیه «كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ...» نشان می‌دهد که قرآن به طور پراکنده نازل شده است تا موجب استواری قلب پیامبر گردد.^۱

۴ - ۴ - ۷- نزول به اندازه نیاز هر سال در شب قدر

نظر دوم: گروهی معتقدند که در شب قدر هر سال، آن اندازه از قرآن که نیاز سال بود یک‌جا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شد، سپس همان آیات تدریجاً در ضمن سال، بر حسب مناسبت‌ها و پیش‌آمدها نازل می‌گردیده است. بر این فرض، مقصود از شهر رمضان - که قرآن در آن نازل شده است - و همچنین لیلة‌القدر، یک رمضان و یک لیلة‌القدر نیست، بلکه همه ماه‌های رمضان و همه شب‌های قدر هر سال منظور است.

یعنی نوع مقصود است نه شخص. این نظر را به ابن جریج، عبد الملک بن عبد العزیز بن جریج (متوفای ۱۵۰) نسبت داده‌اند و برخی دیگر از دانش‌مندان نیز با آن موافقتند.^۲ این نظر با ظاهر تعبیر قرآن - چنان‌که گذشت - منافات دارد و تمام اعتراضاتی که بر نظر پنجم وارد است بر این نظر نیز وارد می‌باشد.

۴ - ۴ - ۸- انزال در شأن

نظر سوم: مقصود از «انزل فیہ القرآن» انزل فی شأنه یا فی فضله القرآن است.^۳ سفیان بن عیینه (متوفای ۱۹۸) می‌گوید: «معنی الآیة: أنزل فی فضله القرآن». و ضحاک بن مزاحم (متوفای ۱۰۶) می‌گوید: «انزل صومه فی القرآن». برخی دیگر نیز آن را پذیرفته‌اند.^۴ البته این احتمال با آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره ۲: ۱۸۵) «ماه رمضان (همان ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است» در سوره بقره ممکن است سازگار باشد، اما با آیات سوره دخان و قدر سازگار نمی‌سازد.

۴ - ۴ - ۹- نزول بیشتر آیات در شب قدر

۱ - رسائل مرتضی؛ مجموعه ۱، جواب مسایل طرابلسیات ۳، ص ۴۰۵-۴۰۳.

۲ - رازی، ج ۵، ص ۸۵.

۳ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۰.

۴ - تفسیر طبرسی؛ ج ۱، ص ۲۷۶.

نظر چهارم: بیشتر آیات قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است که برخی علما مانند سید قطب آن را به صورت احتمال آورده‌اند^۱، ولی هیچ نشانه‌ای برای اثبات این نظر در دست نیست. به علاوه این نظر مخصوص آیه سوره بقره است و شامل دو سوره قدر و دخان که می‌گوید ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، نمی‌شود.^۲ بنابر این سه نظر اخیر قابل پذیرش نیستند. عمده نظر اول و نظر پنجم است.^۳

۴ - ۴ - ۱۰ - نزول دفعی در شب قدر و تدریجی در طول مدت نبوت

نظر پنجم: گروهی معتقدند که قرآن دو نزول داشته است: دفعی و تدریجی. در شب قدر همه قرآن یکجا بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده، سپس در طول مدت نبوت دوباره به تدریج نازل گردیده است. این نظر شاید مشهورترین نظر نزد اهل حدیث باشد و منشأ آن روایاتی است که این تفصیل در آن‌ها آمده است. برخی به ظاهر روایات اخذ کرده و برخی با تأویل، آن را پذیرفته‌اند. جلال‌الدین سیوطی می‌گوید: «صحيح ترین و مشهورترین اقوال همین قول است و روایات بسیار بر آن دلالت دارد». از ابن عباس روایت کرده‌اند: «انزل القرآن ليله القدر جمله واحدة الى السماء الدنيا و وضع في بيت العزة ثم انزل نجوما على النبي صلى الله عليه و آله في عشرين سنة»^۴.

طبق روایات اهل سنت قرآن یکجا از عرش بر آسمان اول (پایین‌ترین آسمان‌ها) نازل گردید، آن‌گاه در جای‌گاهی به نام «بيت العزة» به ودیعت نهاده شد، ولی در روایات شیعه آمده است که قرآن از عرش بر آسمان چهارم فرود آمد و در «بيت معمور» نهاده شد. صدوق آن را جزء عقاید امامیه دانسته است: «نزل القرآن في شهر رمضان في ليلة القدر جمله واحدة الى البيت المعمور في السماء الرابعة ثم نزل من البيت المعمور في مدة عشرين سنة و ان الله - عز و جل - اعطى نبيه العلم جمله»^۵. اگرچه اهل ظاهر، به ظاهر این روایات بسنده کرده، آن را همین‌گونه پذیرفته‌اند، ولی اهل تحقیق به دلیل اشکالات زیر آن روایات را تأویل برده‌اند:

۱ - سید قطب، فی ظلال القرآن؛ ج ۲، ص ۷۹.

۲ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۰

۳ - همان، ص ۷۱

۴ - سیوطی، الاتقان؛ ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۶.

۵ - الاعتقادات، باب ۳۱.

حکمت و مصلحت نزول قرآن از عرش به آسمان اول یا چهارم و قرار دادن آن در بیت العزّه یا بیت معمور چیست؟ چه حکمتی در این نقل مکان نهفته است؟^۱

به علاوه این نزول چه سودی برای مردم یا برای پیامبر صلی الله علیه و آله دارد که خداوند آن را با عظمت یاد می‌کند؟ آن چه از قرآن خواندنی است همان آیات و سوره و معانی و مفاهیم راه‌گشا است. آیا آمدن آن در شب قدر در آسمان اول یا چهارم کسب فضیلتی است و توفیقی برای مردم ایجاد می‌کند؟

فخر رازی در جواب این پرسش‌ها گفته است: «شاید تسهیل امر مورد نظر بوده است تا در موقع نیاز به نزول آیه یا سوره، جبرئیل بتواند فوراً از نزدیک‌ترین جا، آیه مورد نیاز را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آورد»^۲. ولی این جواب، متناسب با مقام علمی فخر رازی نیست؛ زیرا در ملاً اعلی (ماوراء الطبیعه) قرب و بعد مکانی وجود ندارد.^۳

۴ - ۴ - ۱۱- توجیه نزول دفعی و تدریجی قرآن کریم

در زمینه نزول دفعی و تدریجی قرآن، بزرگان توجیهاتی دارند که بیش‌تر جنبه تأویل احادیث یاد شده را دارد که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- مقصود از نزول دفعی قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب قدر، آگاهی دادن پیامبر به محتوای کلی قرآن است. این تأویل در کلام شیخ صدوق آمده است. او می‌گوید:

«و إن الله أعطى نبيه العلم جملة»؛ یعنی قرآن با بیان الفاظ و عبارات در آن شب بر پیامبر نازل نشده است، بلکه صرفاً علم به آن را به او عطا کردند و پیامبر اجمالاً بر محتوای قرآن آگاهی یافت.^۴

۲. فیض کاشانی بیت معمور را قلب پیامبر دانسته است؛ زیرا قلب آن بزرگوار خانه معمور خداست که در آسمان (رتبه) چهارم جهان ماده قرار دارد. پیامبر، مراتب جماد و نبات و حیوان را پشت سر گذارده و به اوج مرتبه چهارم یعنی جهان انسانیت نایل گشته است. آن‌گاه قرآن در مدت بیست سال، از قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به لسان شریفش، هرگاه که جبرئیل

۱- معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۱

۲- فخر رازی؛ ج ۵، ص ۸۵.

۳- معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۱

۴- همان، ص ۷۲

مقداری از آن را نازل می‌کرد، جریان می‌یافت.^۱ این تفسیر هم مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا چنین توجیهی بیان‌گر دو نوع نزول نخواهد بود، تنها آگاهی‌های کلی و محتوایی را نشان می‌دهد.^۲

۳. ابو عبد الله زنجانی گوید: روح قرآن که اهداف عالی قرآن است و جنبه‌های کلی دارد، در آن شب بر قلب پاک پیامبر اکرم تجلی یافت «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ» (شعراء ۲۶: ۱۹۴-۱۹۳) «روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد، تا از (جمله) هشداردهندگان باشی» سپس در طول سال‌ها بر زبان مبارکش ظاهر گشت «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء ۱۷: ۱۰۶) «و قرآنی (با عظمت را) بخش بخش (بر تو) نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم».

۴. علامه طباطبایی همین تأویل را با بیانی لطیف‌تر مطرح کرده و فرموده است: «اساساً قرآن دارای وجود و حقیقتی دیگر است که در پس پرده وجود ظاهری خود پنهان و از دید و درک معمولی به دور است. قرآن در وجود باطنی خود از هرگونه تجزیه و تفصیل عاری است. نه جزء دارد و نه فصل و نه آیه و نه سوره، بلکه یک وحدت حقیقی به هم پیوسته و مستحکمی است که در جای‌گاه بلند خود استوار و از دست‌رس همگان به دور است».

«كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود ۱: ۱). کتابی است که آیاتش استحکام یافته؛ سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است».

«وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (زخرف ۴۳: ۴) و آن در ام‌الکتاب (لوح محفوظ) نزد ما بلند پایه و استوار است».

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه ۵۶: ۷۹-۷۷) آن قرآن گرامی در کتاب محفوظی (سربسته و پنهان) جای دارد و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند (- دست یابند)».

«وَ لَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ» (اعراف ۷: ۵۲) و در حقیقت، ما کتابی برای آنان آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم...».

۱ - کاشانی، تفسیر صافی؛ ج ۱، ص ۴۲.

۲ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۲

پس قرآن دارای دو وجود است: ظاهری در قالب الفاظ و عبارات، و باطنی در جای گاه اصلی خود.^۱ لذا قرآن در شب قدر با همان وجود باطنی و اصلی خود- که دارای حقیقت واحدی است- یک جا بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمد. سپس تدریجاً با وجود تفصیلی و ظاهری خود در فاصله‌های زمانی و در مناسبت‌های مختلف و پیش‌آمدهای گوناگون در مدت نبوت نازل گردید.^۲

۴-۵- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص تأویلات نزول قرآن

آیت الله معرفت پس از بیان آراء مفسران در خصوص توجهیات آنها می گوید: «این گونه تأویلات، از یک نوع لطافت و ظرافت برخوردار است که در صورت وجود مقتضی و داشتن سند اثباتی، می‌تواند کاملاً مناسب باشد. از طرف دیگر ظاهر آیات قرآن، به همین قرآن که در دست مردم است اشاره دارد و از قرآن دیگر و حقیقتی دیگر که پنهان از چشم همگان باشد سخن نمی‌گوید»^۳

خداوند برای ابراز عظمت این ماه (رمضان) و این شب (لیلة القدر) مسأله نزول قرآن را در آن مطرح می‌سازد. و باید این مطلب قابل فهم و درک شنوندگان باشد، و از قرآنی سخن بگویند که مورد شناسایی مردم (مورد خطاب) بوده باشد. به علاوه خبر دادن از نزول قرآن (قرآن باطنی) از جای گاه بلندتر به جای گاه پایین‌تر، که هر دو از دست‌رس مردم و حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دور است، چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد، تا با این ابهت و عظمت از آن یاد کند. بنابراین این گونه تأویلات زمانی مناسب است که اصل موضوع ثابت شده باشد. و اگر بنخواهیم آیات مذکور را تفسیر کنیم، این گونه تأویلات چاره‌ساز نیست و آیات یاد شده شروع فرود آمدن قرآن را یادآور می‌شود.^۴

۴-۵-۱- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص اولین آیه و سوره

۱- معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۳

۲- طباطبایی، تفسیرالمیزان؛ ج ۲، ص ۱۶-۱۵.

۳- معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۳

۴- همان، ص ۷۳

استاد آیت الله معرفت درباره اولین آیه یا سوره نازل شده سه نظر را یاد آور می شود:

۴- ۵- ۲- اولین آیات سه یا پنج آیه از اول سوره علق

۱. گروهی معتقدند که اولین آیات سه یا پنج آیه از اول سوره علق بوده است که مقارن بعثت پیامبر نازل شده است، هنگامی که ملک (فرشته) فرود آمد و پیامبر را با عنوان «نبوت» ندا داد و به او گفت: بخوان، گفت: چه بخوانم؟ پس او را در پوشش خود گرفت و گفت: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق ۹۶: ۵- ۱) «بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید. بخوان، و پروردگار تو کریمترین (کریمان) است. همان کس که به وسیله قلم آموخت. آنچه را که انسان نمی دانست (بتدریج به او) آموخت»^۱

امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«اول ما نزل علی رسول الله صلی الله علیه و آله بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ... و آخر ما نزل علیه: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ...»^۲.

۴- ۵- ۳- نخستین سوره نازل شده را سوره مدثر

۲. گروهی نخستین سوره نازل شده را سوره مدثر می دانند. از ابن سلمه روایت شده است که از جابر بن عبد الله انصاری سؤال کردم: کدامین سوره یا آیه قرآن برای نخستین بار نازل شده است؟ گفت: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ». گفتم: پس «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» چه؟ گفت: گفتاری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده ام اکنون برای شما بازگو می کنم. شنیدم که فرمود: «مدتی را در مجاورت کوه حراء گذرانیدم. در پایان که از کوه پایین آمدم و به میانه دشت رسیدم، ندایی شنیدم. به هر طرف نگریستم کسی را ندیدم. سپس سر به آسمان بلند کردم، ناگهان او (جبرئیل) را دیدم. لرزشی مرا فراگرفت، به خانه نزد خدیجه آمدم، خواستم تا مرا بپوشاند. آن گاه «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ...» (مدثر ۷۴: ۲- ۱) «ای کشیده ردای شب بر سر، برخیز و بترسان» نازل شد.^۳

۱- همان، ص ۷۴

۲- کلینی، اصول کافی؛ ج ۲، ص ۶۲۸.

۳- صحیح مسلم؛ ج ۱، ص ۹۹

گروهی از این حدیث استفاده کرده‌اند که اولین سوره نازل شده در ابتدای وحی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این سوره است^۱ ولی در متن حدیث هیچ‌گونه اشاره‌ای به این امر که نخستین سوره نازل شده این سوره باشد نشده است، و صرفاً استنباط جابر از این حدیث چنین بوده است. شاید این پیش‌آمد پس از مدتی که از بعثت گذشته بود (فترت) صورت گرفته باشد، زیرا پس از آغاز بعثت برای مدتی وحی منقطع گردید و دوباره آغاز شد. شاهد بر این مدعی حدیث زیر است:

از جابر بن عبد الله روایت دیگری شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فترت وحی سخن می‌گفت و می‌فرمود: «هنگامی که به راه خود ادامه می‌دادم، ناگاه ندایی از آسمان شنیدم. سر بلند کردم، فرشته‌ای را دیدم که در کوه حراء نیز آمده بود. از دیدار او به وحشت افتادم و بر روی زانوهای خود قرار گرفتم. سپس از راه خود برگشتم و به خانه آمدم و گفتم: زمَلونی، زمَلونی (مرا بپوشانید). آن‌گاه مرا پوشاندند.^۲

در این موقع آیات: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ، وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ، وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» مدثر ۷۴: ۵-۱) «ای کشیده‌ردای شب بر سر، برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار. و لباس خویشتن را پاک کن. و از پلیدی دور شو» نازل شد. پس از آن، وحی پی‌درپی و بدون انقطاع فرود آمد»^۳.

۴ - ۵ - ۶ - اولین سوره نازل شده را سوره فاتحه

۳. گروهی اولین سوره نازل شده را سوره فاتحه می‌دانند. زمخشری می‌گوید: «بیش‌تر مفسرین بر این عقیده‌اند که سوره فاتحه اولین سوره نازل شده قرآن است».

علامه طبرسی از استاد احمد زاهد در کتاب ایضاح به نقل از سعید بن المسيب از مولی امیر المؤمنین علیه السلام آورده است که فرمود: «از پیامبر صلی الله علیه و آله از ثواب قرائت قرآن سؤال نمودم، سپس آن حضرت ثواب هر سوره را بیان فرمود، به ترتیب نزول سوره‌ها. پس اولین

۱ - زرکشی، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۵

۳ - بخاری، ج ۱، ص ۴.

سوره‌ای را که در مکه نازل شده است، سوره «فاتحه» برشمرد، سپس «أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ» و آن‌گاه سوره «ن وَالْقَلَمِ»^۱. واحدی نیشابوری در اسباب النزول درباره ابتدای بعثت چنین آورده است: «گاه که پیامبر با خود خلوتی داشت، ندایی از آسمان می‌شنید که موجب هراس وی می‌شد و در آخرین بار فرشته او را ندا داد: یا محمد! گفت: لبیک. گفت: بگو «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» (فاتحه ۱: ۲-۱)» به نام خداوند رحمتگر مهربان ستایش خدا را که پروردگار جهانیان»

البته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همان ابتدای بعثت با گروه کوچک خود (علی و جعفر و زید و خدیجه) نماز را طبق سنت اسلامی انجام می‌داد و نماز بدون فاتحه‌الکتاب برپا نمی‌شود و در حدیث آمده است: «اولین چیزی که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله تعلیم داد، نماز و وضو بود» که لازمه آن مقرون بودن بعثت با نزول سوره حمد است. جلال الدین سیوطی می‌گوید: «هرگز نبوده است که نماز در اسلام بدون فاتحه‌الکتاب باشد»^۲.

۴-۵-۵- دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص سه نظریه ارائه شده

استاد آیت الله معرفت در باره سه نظریه متفاوت در خصوص اولین سوره و یا آیات نازل شده می‌گوید: «میان این سه نظر می‌توان به‌گونه‌ای جمع کرد، زیرا نزول سه یا پنج آیه از اول سوره علق به‌طور قطع با آغاز بعثت مقارن بوده است، و این مسأله مورد اتفاق نظر است. سپس چند آیه از ابتدای سوره مدثر نازل شده است، ولی اولین سوره کامل که بر پیامبر نازل گردیده سوره حمد است. و چند آیه از سوره علق یا سوره مدثر در آغاز، عنوان سوره نداشته و با نزول بقیه آیه‌های سوره این عنوان را یافته است. لذا اشکالی ندارد که بگوییم اولین سوره، سوره حمد است و به نام فاتحه‌الکتاب خوانده می‌شود. وجوب خوانده شدن این سوره در نماز اهمیت آن را می‌رساند، به طوری که آن را سزاوار عدل و همتای قرآن شدن، می‌کند»^۳. «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (حجر ۱۵: ۸۷)» و به راستی، به تو سبع المثنائی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ را عطا کردیم» و به راستی ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم را دادیم».

۱- طبرسی؛ ج ۱۰، ص ۴۰۵؛ زمخشری؛ ج ۴، ص ۷۷۵.

۲- سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۲.

۳- معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۶.

۴ - ۵ - ۶ - سوره «سبعاً من المثانی»

سوره‌ای که به نام «سبعاً من المثانی» خوانده می‌شود بنا بر نقلی سوره حمد است که مشتمل بر هفت آیه است. از این جهت «مثنایی» گفته می‌شود که به سبب کوتاهی قابل تکرار است به‌ویژه سوره حمد که روزانه در نماز تکرار می‌شود. پس اگر ترتیب نزول سوره‌ها را از نظر ابتدای سوره‌ها در نظر بگیریم، اولین سوره، علق و پنجمین سوره، حمد است. چنان‌که در ترتیب نزول سوره‌ها آورده‌ایم و اگر سوره کامل را ملاک بدانیم، اولین سوره کامل سوره حمد است.

۴ - ۵ - ۷ - دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص آخرین آیه و سوره

در روایات منقول از اهل بیت علیهم السّلام آمده است که آخرین سوره، سوره نصر است.^۱ در این سوره به ظاهر بشارت به پیروزی مطلق شریعت داده شده که پایه‌های آن استوار و مستحکم گشته است و گروه مردم آن را پذیرفته‌اند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ، وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا، فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا». (نصر ۱۱۰: ۳-۱) «چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند، پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه‌پذیر است». با نزول این سوره، صحابه خرسند شدند. زیرا پیروزی مطلق اسلام بر کفر و تثبیت و استحکام پایه‌های دین را بشارت می‌داد. ولی عباس عموی پیامبر از نزول این سوره سخت غمناک گردید و گریان شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای عم چرا گریانی؟» گفت: «به گمانم از پایان کار تو خبر می‌دهد». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «همان‌گونه است که گمان برده‌ای». پیامبر پس از آن دو سال بیش‌تر زیست نکرد.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «آخرین سوره، إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ است».^۳ از ابن عباس نیز روایت شده که آخرین سوره، سوره نصر است^۴ و نیز روایت شده است: آخرین سوره، سوره

۱ - همان، ص ۷۷

۲ - طبرسی، تفسیر طبرسی؛ ج ۱۰، ص ۵۵۴؛ آیت الله معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۷

۳ - تفسیر برهان؛ ج ۱، ص ۲۹.

۴ - سیوطی، الاتقان؛ ج ۱، ص ۲۷.

برائت است که نخستین آیات آن سال نهم هجرت نازل شد و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام را فرستاد تا آن را بر جمع مشرکین بخواند.^۱

در بسیاری از روایات آمده است: آخرین آیه که بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله نازل شد این آیه بود: «وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (بقره ۲، ۲۸۱) « و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، سپس به هر کسی (پاداش) آنچه به دست آورده، تمام داده شود و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند».

جبرئیل آن را نازل کرد و گفت: آن را در میانه آیه ربا و آیه دین (پس از آیه شماره ۲۸۰) از سوره بقره قرار دهد و پس از آن پیامبر بیش از ۲۱ روز و بنا بر قولی ۷ روز ادامه حیات نداد.^۲

برخی از نظر ادبی اشکال کرده گفته‌اند، مصدر بودن آیه به «واو» عاطفه، با نزول انفرادی آیه سازش ندارد. ولی باید توجه داشت- بر فرض صحت روایت- مصدر شدن آیه به «واو» از آن جهت است تا تکمله آیه قبل قرار گیرد گرچه با فاصله زمانی و به‌طور انفرادی نازل گردیده باشد. علاوه مصدر شدن جمله‌های بدون سابقه، به «واو» در استعمالات عربی فراوان است: «و لقد أمرَ علي اللّٰيم يسبني. فمضيت ثمّة قلت لا يعينني.» «و ربّ قائله يوما بذى سلم. أين الطريق إلى حمام منجاب.» و در قرآن نیز فراوان یافت می‌شود که بر سر آیاتی «واو» آمده که با آیات قبل رابطه‌ای ندارند. مثلاً: ليش « إِنَّمَا قَوْلُنَا إِذِ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا... وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ...» (سوره نحل ۴۳- ۴۰) آیه نخست در امر تکوین است. آیه بعد در رابطه با مهاجرت آیه سوّم مربوط به نحوه ارسال پیامبران. پر واضح است که این آیات از هم جدا نازل گشته سپس در نوشتار پی در پی ثبت شده‌اند.^۳

احمد بن ابی یعقوب مشهور به ابن واضح یعقوبی (متوفای سال‌های پس از ۲۹۲) در تاریخ خود چنین آورده است: «گفته‌اند که آخرین آیه نازل شده بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله این آیه بود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده ۵: ۳) امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما (به عنوان)

۱ صافی، تفسیر صافی؛ ج ۱، ص ۶۸۰.

۲ شبیر، تفسیر شبیر؛ ص ۸۳. تفسیر ماوردی؛ ج ۱، ص ۲۸۲.

۳- معرفت علوم قرآنی، ص: ۷۷

آیینی برگزید». سپس در ادامه می‌گوید: - و همین گفتار نزد ما صحیح و استوار است و نزول آن در روز نصب مولی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب در غدیر خم بوده است.^۱

۴ - ۵ - ۸ - تقدم زمانی سوره نصر بر سوره براءت از دیدگاه آیت الله معرفت

آری سوره نصر پیش از سوره براءت نازل شده است؛ زیرا سوره نصر در سال فتح مکه (عام الفتح) که سال هشتم هجرت بود، نازل گردیده و سوره براءت پس از فتح، سال نهم هجرت نازل شده است. راه جمع میان این روایات بدین گونه است که بگوییم: آخرین سوره کامل سوره نصر است و آخرین سوره به اعتبار آیات نخستین آن، سوره براءت است.^۲ اما آیه «وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...» (بقره، ۲۸۱) «و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید» طبق روایت ماوردی در منی به سال حجة الوداع نازل گردید.^۳

بنابر این نمی‌تواند آخرین آیه باشد، زیرا آیه «اکمال» پس از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از حجة الوداع در غدیر خم بین راه نازل شده است. پس گفته ابن واضح یعقوبی، صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا سوره براءت، پس از فتح مکه، در سال نهم هجرت و سوره مائده در سال دهم هجرت (سال حجة الوداع) نازل شده است. علاوه بر آن، سوره مائده مشتمل بر یک سری احکام است که پایان جنگ و استقرار اسلام را می‌رساند.^۴ به‌ویژه آیه «اکمال» که از پایان کار رسالت خبر می‌دهد و با آخرین آیه در آخرین سوره تناسب دارد.

۴ - ۵ - ۹ - آخرین سوره نازل شده از دیدگاه آیت الله معرفت

پس آخرین سوره کامل، سوره نصر است که در عام الفتح نازل شد و آخرین آیه که پایان کار رسالت را خبر می‌دهد، آیه «اکمال» است. گرچه ممکن است به اعتبار آیات الاحکام، آخرین آیه: «وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ» (بقره ۲: ۲۸۱) و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید باشد که در سوره بقره ضبط و ثبت شده است.^۵

۴ - ۵ - ۱۰ - دیدگاه آیت الله معرفت در خصوص سوره‌های مکی و مدنی و فواید شناخت آنها

۱ - یعقوبی؛ تاریخ یعقوبی؛ ج ۲، ص ۳۵.

۲ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۸

۳ - ماوردی (النکت العیون) ج ۱، ص ۶۳؛ زرکشی البرهان؛ ج ۱، ص ۱۸۶.

۴ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۷

۵ - همان، ص ۷۷

یکی از مسایل مهم علوم قرآنی، مسأله شناخت سوره‌های مکی و مدنی است. تشخیص آن‌ها به دلایل ذیل ضروری است:

۴- ۵- ۱۰- ۱- شناخت تسلسل آیات

شناخت تاریخ و مخصوصا تسلسل آیات و سور و تدریجی بودن نزول آن‌ها، از طریق شناخت سوره‌های مکی از مدنی است. انسان پیوسته در این جست‌وجوست تا هر حادثه تاریخی را بشناسد، در چه زمانی و در کجا اتفاق افتاده، عوامل و اسباب پدید آورنده آن چه بوده است. بدین طریق دانستن سوره‌ها و آیه‌های مکی و تشخیص آن‌ها از آیه‌ها و سوره‌های مدنی از اهمیت به‌سزایی در فهم تاریخ تشریعات اسلامی برخوردار است.^۱

۴- ۵- ۱۰- ۲- فهم آیه در استدلال‌های فقهی

۲. فهم محتوای آیه در استدلال‌های فقهی و استنباط احکام نقش اساسی دارد. چه بسا آیه‌ای به ظاهر مشتمل بر حکم شرعی است، ولی چون در مکه نازل شده و هنگام نزول، هنوز آن حکم تشریح نشده بود، باید یا راه تأویل را پیش گرفت یا به‌گونه دیگر تفسیر کرد. مثلا مسأله تکلیف کافران به فروع احکام شرعی مورد بحث فقهاست و بیش‌تر فقها، آنان را در حال کفر، مکلف به فروع نمی‌دانند. و در این زمینه دلایل و روایات فراوانی در اختیار دارند، ولی گروه مخالف (کسانی که کافران را در حال کفر مکلف به فروع می‌دانند) به آیه هفت سوره فصلت تمسک جسته‌اند. آن‌جا که مشرکان را به دلیل انجام ندادن فریضه زکات مورد نکوهش قرار داده است.^۲

غافل از این که سوره فصلت مکی و فریضه زکات در مدینه تشریح شده است. یعنی هنگام نزول آیه یاد شده، زکات حتی بر مسلمانان هم واجب نبوده است؛ پس چگونه مشرکان را مورد عتاب قرار می‌دهد؟ این آیه دو تأویل دارد:^۳

اول، مقصود از زکات در این‌جا تنها پرداخت صدقات بوده است که مشرکان از آن محرومند، زیرا شرط صحت صدقه قصد قربت است که کافران از انجام آن عاجزند.

۱- همان، ص ۷۸

۲- معرفت، علوم قرآنی، ص ۷۹

۳- همان، ص ۷۷

دوم، مقصود محرومیت از ادای زکات است و آن بدان جهت است که کفر مانع آنان شده است و اگر ایمان داشتند، از این فیض محروم نبودند.^۱

۴- ۵- ۱۰- ۳- بکارگیری آیات در استدلال های کلامی

۱. در استدلالات کلامی، آیات مورد استناد- مخصوصاً آیاتی که درباره فضایل اهل بیت نازل شده- بیش تر مدنی است، چون این مباحث در مدینه مطرح بوده است. برخی آن سوره‌ها یا آیات را مکی دانسته‌اند که در آن صورت نمی‌تواند مدرک استدلال قرار گیرد. بنابر این شناخت دقیق مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیات یکی از ضروریات علم کلام در مبحث امامت است. مثلاً برخی تمام سوره دهر را مکی دانسته‌اند و گروهی مدنی و بعضی جز آیه «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كَفُورًا» (انسان ۷۶: ۲۴) پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن، و از آنان گناهکار یا ناسپاسگزار را فرمان مبر» همه را مدنی دانسته‌اند. دیگران هم از ابتدای سوره تا آیه ۲۲ را مدنی و بقیه را مکی دانسته‌اند. اختلاف درباره این سوره بسیار است، ولی ما آن را تماماً مدنی می‌دانیم.^۲

۴- ۵- ۱۰- ۴- شأن نزول آیه اطعام (انسان ۱۲- ۷)

درباره شأن نزول آیه‌های: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا، وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا، إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا. فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُرُورًا، وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا» (انسان ۱۲- ۷) (همان بندگانی که) به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. و به (پاس) دوستی (خدا)، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. «ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از پروردگارانمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم. پس خدا (هم) آنان را از آسیب آن روز نگاه

۱- طبرسی، ج ۹، ص ۵، طباطبایی، ج ۱۷، ص ۳۸۴.

۲- معرفت، علوم قرآنی، ص ۸۰.

داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت. و به (پاس) آنکه صبر کردند، بهشت و پرنیان پاداششان داد.^۱

گفته‌اند که حسنین بیمار شده بودند. پیامبر گرامی و گروهی از بزرگان عرب به عیادت آنان آمدند و به مولی امیر مؤمنان پیش‌نهاد کردند: چنان‌چه برای شفای فرزندان نذر کنی خداوند شفای عاجل مرحمت خواهد فرمود. حضرت این پیش‌نهاد را پذیرفت و سه روز روزه نذر کرد. آن‌گاه که حسنین شفا یافتند در صدد ادای نذر برآمد. قرص‌های نانی برای افطار تهیه کرد، روز اول هنگام افطار مسکینی در خانه را زد و تقاضای کمک کرد. حضرت نان‌های تهیه شده را به او داد. روز دوم نیز یتیمی آمد و نان تهیه شده را دریافت کرد. روز سوم اسیری آمد و نان‌ها به او داده شد.

حضرت در این سه روز خود با اندک نان خشک و کمی آب افطار کرد. طبرسی در این زمینه روایات بسیاری از طرق اهل سنت و اهل بیت علیهم السلام گرد آورده و تقریباً آن‌ها را مورد اتفاق اهل تفسیر دانسته است. آن‌گاه برای اثبات مدنی بودن تمام سوره، روایات ترتیب نزول را - که سوره دهر جزء سوره‌های مدنی به شمار رفته - با سندهای معتبر آورده است.^۲ ولی کسانی مانند عبد الله بن زبیر که مایل نبودند این فضیلت به اهل بیت علیهم السلام اختصاص یابد اصرار داشتند که این سوره را کاملاً مکی معرفی کنند.^۳ غافل از آن که در مکه اسیری وجود نداشت. مجاهد و قتاده از تابعین تصریح کرده‌اند که سوره دهر تماماً مدنی است، ولی دیگران تفصیل قایل شده‌اند.^۴ سید قطب، از نویسندگان معاصر به قرینه سیاق، سوره را مکی دانسته است.^۵

۴ - ۶ - نوآوری آیت الله معرفت در حصول مسئله نزول قرآن

آیت الله معرفت در آثار خود به ویژه کتاب التمهید بخش مهمی از مباحث علوم قرآنی را به نزول قرآن اختصاص داده بود. این دانشمند گرانمایه با توجه به وسعت اطلاعات تفسیری و ژرف اندیشی تامی که دارند پس از بررسی و تبیین آراء مفسران نحله‌های متفاوت دینی، مسئله

۱ - معرفت، علوم قرآنی، ص ۸۱

۲ - تفسیر طبرسی؛ ج ۱۰، ص ۴۰۶-۴۰۴. حاکم حسکانی؛ شواهد التنزیل؛ ص ۳۱۵-۲۲۹.

۳ - سیوطی، الدر المنثور؛ ج ۶، ص ۲۹۷.

۴ - معرفت، التمهید؛ ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۴.

۵ - سید قطب، فی ظلال القرآن؛ ج ۲۹، ص ۲۱۵.

نزول قرآن را با طرح پرسش های متعدد بازکاوی می نماید. مطالبی از قبیل آغاز و نحوه نزول قرآن، تدریجی و با دفعی و حتی تکراری برخی آیات، مکی و یا مدنی بودن اولین آیه و یا اولین سوره نازل شده از مهمترین مباحثی بوده که محوریت بخش نزول قرآن را در اثر این دانشمند تشکیل می دهد. مباحث را همراه با تحلیل و نقد آرای مشهور بیان کرده اند. دیدگاه های جدید و منحصر به فرد استاد، بحث اسباب نزول ایشان را همچون سایر مباحثش از مباحث دیگران در این موضع ممتاز ساخته است. آیت الله آیت الله معرفت در طرح موضوع تفسیری مورد نظر از پیش داوری پرهیز می کند و موضوع مربوطه را از زاویه های متعدد مورد بررسی قرار می دهد. استاد آیت الله معرفت در تعریف اسباب نزول دو تعبیر دارند، در یک تعبیر این دانش را چنین معرفی کرده اند:

" قرآن، تدریجی و در مناسبت های مختلف نازل شده است، برحسب اقتضا اگر حادثه ای پیش می آمد یا مسلمانان دچار مشکلی می شدند، یک یا چند آیه و احیاناً یک سوره برای حل مشکل نازل می گردید. پس واضح است که آیات نازل شده در هر مناسبتی به همان حادثه و مناسبت نظر دارد"^۱

در تعبیر دوم در مقام تفاوت سبب نزول با شأن نزول می گوید: " سبب نزول حادثه یا پیش آمدی است که متعاقب آن آیه یا آیاتی نازل شده باشد، و به عبارت دیگر آن پیش آمد باعث و موجب نزول گردیده باشد"^۲

استاد بسیاری از روایات اسباب نزول را ضعیف و غیر قابل اعتماد می داند که چه بسا موجب انحراف در تفسیر شود و باید از آن پرهیز کرد. ایشان بالخصوص از دوران تاریک بنی امیه نام می برد که به جهت عدم کتابت احادیث اسلامی و شیوع انگیزه ها و اغراض سیاسی، پدیده جعل حدیث شیوع داشته است:

" راه شناخت و پی بردن به اسباب نزول دشوار است، زیرا پیشینیان در این زمینه مطلب قابل توجهی ثبت و ضبط نکردند، جز اندکی که کاملاً چاره ساز نیست. شاید یکی از علل عدم ضبط دقیق این بود که خود به وضع آشنا بودند و دیگر نیازی نمی دیدند که معلومات و مشاهدات خود را به عنوان سند برای آینده ثبت کنند. بعدها روایاتی در این زمینه فراهم شد که پیش تر دارای

۱ - معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، ص ۹۷.

۲ - همان، ص ۱۰۰.

ضعف سند و غیرقابل اعتماد بوده و احیاناً اعمال غرض در کار وجود داشته است به ویژه دوران تاریک حکومت بنی امیه که از روی غرض ورزی آیات بی شماری با تنظیم شأن نزول های ساختگی طبق دلخواه تفسیر و تأویل شده است»^۱

۴-۶-۱- نزول قرآن

استاد آیت الله معرفت در مبحث نزول قرآن به بررسی دو مسأله اساسی پرداخته و دیدگاه خود را در این باره ارادته کرده است؛ که عبارتند از:

۱- نزول قرآن در شب قدر که قطعاً یکی از شب های ماه مبارک رمضان بوده است، چگونه با روز مبعث که بیست و هفتم رجب بوده است، قابل جمع است؟ ایشان پس از یادکرد دیدگاه مختلف در این زمینه و نقد و بررسی آن ها، چنین نتیجه می گیرد که در شب مبعث، آیات آغازین سوره مبارکه علق بر پیامبر (ص) فرود آمد که صرفاً به معنای اعلام آغاز رسالت بوده است؛ اما نزول رسمی قرآن از شب قدر آغاز شد.^۲ بنابراین از نظر ایشان مقصود از «إنا أنزلناه فی لیلة القدر، ابتدا بنزوله لیلة القدر است.

۲- با توجه به تفاوت کاربرد قرآنی «انزلنا» و «نزلنا» و نیز وجود برخی از روایات، آیا می توان به دو گونه نزول دفعی و تدریجی قرآن باورمند بود؟

نظر استاد آیت الله معرفت آن است که قرآن یک نزول بیشتر ندارد و آن همان نزول تدریجی طی ۲۳ یا ۲۰ سال بدون احتساب سه سال دوران فترت است ایشان معتقد است تفاوت کارکرد باب افعال و تفعیل «نزل» نخستین بار از سوی راغب اصفهانی ارائه شد بی آنکه دارای استناد لازم علمی و ادبی باشد.^۳ نیز بر این باور است که دیدگاه نزول دفعی قرآن در شب قدر بر قلب پیامبر اکرم (ص) که از سوی صاحب نظرانی همچون ابو عبدالله زنجانی^۴، فیض کاشانی^۵ و به ویژه علامه طباطبایی^۶ مطرح شد، بیشتر متأثر از ذوق و نگرش عرفانی است که برای تمام اشیا هستی، افزون بر وجود مادی، وجود مثالی نیز قائل اند و استاد آیت الله معرفت از علامه طباطبایی می

۱ - معرفت، محمدهادی، التمهید، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲ - همان، صص ۱۱۰ - ۱۰۱.

۳ - این نقد را نگارنده بارها زبان استاد شنید، اما ظاهراً در آثار ایشان منعکس نشده است.

۴ - ر.ک: تاریخ القرآن، صص ۳۹ - ۳۸.

۵ - ر.ک: تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴.

۶ - ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، صص ۱۶ - ۱۵.

پرسد که وجود حقیقتی دیگر ورای ظاهر آیات و آنچه اینک در اختیار ما است، چه فایده دارد؟ اگر مقصود آن است که دست ما به آن حقیقت والا و متعالی نمی رسد، پس چرا از این کتاب که اینک در دست ما است، به عنوان کتاب هدایت و ارشاد یاد شده است؟^۱

ایشان روایات عامه و خاصه را در زمینه نزول قرآن در شب قدر به آسمان چهارم یا بیت المعمور را متعرض شده و پس از ذکر حمایت محدثان فریقین از دو نزول دفعی و تدریجی قرآن، همچنان این پرسش را مطرح می کند که نزول دفعی قرآن به آسمان چهارم یا بیت المعمور چه فایده ای به همراه دارد؟ در پی آن دیدگاه فخر رازی مبنی بر آنکه شاید خداوند می خواست کار آمد و شد جبرئیل از آسمان چهارم یا بیت المعمور به آسمان دنیا برای فرود آوردن بخش هایی از آیات به صورت تدریجی به پیامبر (ص) را تسهیل کندف آن را به سخریه گرفته که مگر درباره عوالم مجردات می توان از صعوبت سیر و سیاحت سخن گفت.^۲

ایشان مبنایی خاص در این زمینه ارائه کرده اند و آن اینکه مفاد روایات نزول جزو امور عبادی نیست که جای تعبد باشد. از سوی دیگر چون قابل تعقل نیست، یعنی عقل این مفاد را بر نمی تابد، نمی توان مضمون آن ها را پذیرفت.

۴-۶-۲- شناخت مکی و مدنی

از جمله مباحث مفید و علمی جلد نخست کتاب التمهید، مبحث « مکی و مدنی ». استاد آیت الله معرفت در این بحث با تأکید بر مبنای زمان هجرت به عنوان حد فاصل میان سور و آیات مکی و مدنی، دو مبنای روشن و محکم در این زمینه ارائه کرده است. نخست آنکه معتقد است مبنای پذیرش سور مکی مدنی، روایات نقل شده ای است که اینک در مصاحف انعکاس یافته است. از این رو تمام اختلاف ها در زمینه مکی یا مدنی بودن سوره ها را پس از بحث و بررسی، مردود می شمارد.^۳ دیگر آنکه معتقد است آیات استثنا شده از سوره های مکی و مدنی وجود ندارد. یعنی چنان نیست که مثلاً در یک سوره مکی چند آیه مدنی وجود داشته باشد یا به عکس. بر این اساس موارد ادعا شده در سرتاسر سوره های قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده است.^۴

۱- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، صص ۱۲۰- ۱۱۵

۲- همان، صص ۱۱۹- ۱۱۶.

۳- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱ صص ۱۶۹-۱۴۶.

۴- همان، صص ۲۲۴- ۱۶۹.

از نکات قابل توجه در این بخش از مباحث کتاب التمهید، تفتن ایشان نسبت به عدوات گروهی از مفسران و محدثان با اهل بیت (ع) است که می‌کوشند با جابه‌جا جلوه دادن آیات و سوره‌ها، مانع فضیلتی برای آنان شوند. نظر سوره مبارکه انسان که رغم مدنی بودن برخی از متعصبان آن را مکی دانسته‌اند تا فضایل اهل بیت (ع) که در ذیل آیات و *یطعمون الطعام علی حبه... آمده را پنهان کنند*^۱ و نیز سوره مبارکه قدر که به رغم مدنی بودن، گفته‌اند این سوره مکی است تا نکوهشی که در ذیل آن درباره بنی‌امیه آمده مخفی بماند.^۲

۴- ۶- ۳- اسباب نزول

مهمترین دیدگاه استاد آیت‌الله معرفت در زمینه شناخت اسباب نزول را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱- به رغم تأثیرگذاری زیاد شناخت اسباب نزول در فهم مدالیل آیات قرآن، روایات اسباب نزول عموماً دارای ارسال یا ضعف سنداند.^۳ این نکته‌ای است که علامه طباطبایی نیز بر آن تأکید کرده است.

۲- میان سبب و شأن نزول تفاوت است. سبب نزول در جایی است که رخدادی پیش از نزول آیه تحقق یافته و در نزول آیه تأثیر گذار باشد، اما در شأن نزول ممکن است هیچ رخدادی تحقق نیافته باشد.^۴ چنان که میان دو اصطلاح تنزیل و تأویل تفاوت است. تنزیل به ظاهر قرآن و تأویل به باطن قرآن ناظر است.^۵

۳- برخی از روایات، سبب نزول نسبت‌های ناروا را متوجه پیامبران یا رسول اکرم (ص) ساخته است؛ نظیر روایتی که در آن آمده است پیامبر اکرم (ص) برای منافقان هفتاد بار استغفار کرده است.^۶

۱- همان، ص ۱۵۴.

۲- همان، صص ۱۵۹ - ۱۵۷. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «مکی و مدنی» که برای دانشنامه قرآن‌شناسی نگاشته به تفصیل در این باره سخن گفته است. این دانشنامه به زودی منتشر خواهد شد.

۳- همان، صص ۲۴۶ - ۲۴۵. نیز ر.ک: علامه طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۲۸.

۴- همان ۲ ۲۵۴. برای تفصیل بیشتر در این زمینه ر.ک: علامه طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۱۰۳؛ رو شناسی تفسیر قرآن، صص ۱۵۷ - ۱۴۴؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، صص ۱۹۴ - ۱۹۲.

۵- همان، صص ۲۶۰ - ۲۵۵

۶- همان، صص ۲۵۲ - ۲۵۰

۴- برخی از آیات قرآن جزو قضایای خارجییه اند نه حقیقیه. از این رو به شرایط عصر نزول ناظراند و نمی توان آن ها را لزوماً به همه زمان ها ناظر دانست نظیر آیه ۶ سور بقره؛ «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»^۱ در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند- چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی- برایشان یکسان است [آنها] نخواهند گروید.

۴- ۷- شبهات وارده در خصوص نزول قرآن

در میان اغلب مفسران در خصوص نخستین نزول قرآن اختلاف نظرهایی وجود دارد برخی بر این باورند که قرآن کریم نزول تدریجی داشته، نزول دفعی نداشته، و اعتقادشان این است که ما نزولی غیر از نزول تدریجی نداشتیم، البته نزول تدریجی مورد اتفاق نظر همه هست و هیچ کس اختلافی در آن ندارد.

درباره نحوه نزول قرآن نیز اقوال مختلفی هست، برخی قرآن پژوهان می گویند هم به صورت دفعی و هم تدریجی بوده است. تدریجی یعنی با توجه به ایام و مصلحت های الهی، یک سوره، چند آیه و یا یک آیه نازل می شده است. اما نزول دفعی که کل قرآن بر قلب پیامبر نازل شده و به این صورت گفته می شود که هر سال در شب قدر کل آیات قرآن به یکباره بر پیامبر نازل می شده، قول دیگر این است که کل قرآن فقط در اولین شب قدر بر پیامبر نازل شده، قول دیگر هم این که شب قدر هر سال، آیات مربوط به آن سال بر پیامبر نازل می شده است.

الف - آیت الله معرفت می گویند آیات ابتدایی سوره علق که نازل شده، در شب مبعث به عنوان قرآن نازل نشده، ولی بعداً از اول ماه رمضان به عنوان قرآن نازل شده. البته دلیلی نداریم و شاید خود ایشان هم اعتقاد داشته باشند که تکرار نزول یک امر بی معنایی است. استاد روایات فراوانی از اسباب نزول را که از حساسیت مهمی برخوردار بوده است به نقد کشیده اند، از جمله قصه ی ورقه بن نوفل مربوط به جریان آغاز وحی، (۲۹) افسانه ی غرانیق مربوط به نزول آیات ۷۳-۷۵ اسراء و ۵۲ حج، که در اثنا و پس از نزول سوره ی نجم رخ داده است. (۳۰) سبب نزول آیات ۱۲۶-۱۲۸ نحل مبنی بر این که رسول خدا در جنگ احد سوگند خورد هفتاد نفر از مشرکان را به ازای حمزه عمویش مثله کند، (۳۱) روایتی که بخاری از عمر نقل کرده است راجع به اصرار

۱- همان، صص ۲۶۳-۲۶۱

پیامبر بر نمازگزاران بر جنازه عبدالله ابی رئیس منافقان و نهی خداوند از این عمل، در آیه ۸۴ براءت، (۳۲) و...

ب - علامه طباطبایی معتقد است که این تفاوت دو صیغه انزال و تنزیل بر می‌گردد به مسئله نزول دفعی و تدریجی قرآن، بدین سبب خداوند متعال برای اشاره به دو نحوه نزول قرآن از دو صورت مصدر (ن ز ل) استفاده کرده است.

البته نحوه نزول بحث دراز دامنی است و محققان سعی کردند که برای هر کدام دلایلی بیاورند. بعضی‌ها دلایل مرحوم علامه طباطبایی یا دیگران را راجع به نزول دفعی رد کرده‌اند. مثل مرحوم آیت‌الله آیت الله معرفت . و یکی از آن نکات مهمی که ایشان می‌فرمایند، این است که ایشان می‌فرمایند این نزول دفعی چه خاصیتی دارد؟ و چه نتیجه‌ای دارد که ما بگوییم قرآن کریم نزول دفعی دارد.

جواب به ایشان می‌تواند این باشد که ما در زمینه کیفیت نزول و این که دو تا نزول باشد، نباید بپرسیم چه خاصیتی دارد. فرض کنید ما خاصیت را نمی‌دانیم، یا نزول دفعی برای انسان‌هایی که مخاطب وحی بوده‌اند خاصیت ویژه‌ای نداشته، این دلیل نمی‌شود که نزول دفعی را رد کنیم. در بعضی از تعبیرات ایشان ایشان تعبیر می‌کنند که در نظر قائلین به نزول دفعی گویا قرآن کریم یک معارف بلندی داشته که آن‌ها را از آن مقام ربوبی آورده‌اند تا بیت المعمور، بعد از بیت‌المعمور دیگر نزدیک‌تر بوده و راحت‌تر بوده اگر می‌خواستند بیاورند پایین‌تر و اشکال می‌گیرند که مثلاً مگر در حوزه قدرت الهی اشکالی دارد که یکجا و از مخزن اصلی، قرآن را برای مردم نازل کنند.

ج - مرحوم فیض کاشانی از کسانی است که معتقد است نزول یک نزول جمعی و یک نزول معنایی بوده است. یعنی نزول در شب قدر این طور نبوده که یک کتاب به صورت تفصیلی بر پیامبر عظیم الشان اسلام نازل بشود، بلکه یک مجموعه به هم فشرده بوده است.

مرحوم فیض با بیان یک روایت اعتقاد خود را نسبت به نحوه و آغاز نزول قرآن اینگونه بیان می‌کند: که قرآن کریم یکباره به بیت المعمر فرود می‌آید سپس از محل بیت المعمور بتدریج در طول بیست سال بر پیامبر نازل می‌شد: عن الكاظم عليهم السلام مثله و زاد انزل الله سبحانه القرآن فيها الى البيت المعمور جمله واحده ثم نزل من البيت المعمور على رسول الله صلى الله

علیه و آله فی طول عشرین سنه^۱ و مرحوم علامه طباطبایی هم از کسانی هستند که معتقدند قرآن کریم نزول دفعی و تدریجی را دارد، ایشان البته به دو نکته تمسک جدی دارند، یکی به آیه اول سوره مبارکه هود که «کتابُ أحکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر» یعنی این کتابی است که آیاتش استحکام یافته سپس تشریح شده، و از نزد خداوند حکیم و آگاه نازل گردیده. خوب این که بعد از یک استحکام تفصیل وجود دارد، این را ایشان از شواهد وجود دو نوع نزول دفعی و تدریجی می‌دانند. و همچنین «انزال» و «تنزیل» در «انا انزلناه» به نزول دفعی اشاره دارد و در «تنزیل من رب العالمین» یعنی نزول قرآن به صورت تدریجی.^۲

در خصوص شبهات مصادر باید گفت که برخی از افراد که قصد داشتند در باره قرآن ایراد بگیرند در خصوص مطالب آمده در قرآن که اغلب اط سوی خداوند به صورت نقل قول آمده و بر قلب پیامبر اکرم (ص) نازل شده ایراد شبه کردند

۴ - ۸ - شبهات پیرامون مصادر قرآن

با توجه به اینکه خاورشناسان به نزول قرآن از سوی خداوند اعتقاد ندارند، بلکه قرآن را برگرفته از کتب آسمانی قبلی می‌دانند شبهاتی نیز در خصوص قرآن مطرح کردند. لذا تمام تلاش خود را به کار گرفته اند تا با چنگ زدن به هر خس و خاشاکی، مصدر و منبعی به جز وحی، برای قرعان بیابند و برای اثبات به این دعا، به بازگو کردن سخنان مشرکان هم عصر قرآن، در قالبی نو پرداخته اند. در این نوشتار برآنیم تا پاسخ آنان را در آثار و نوشته هایی استاد فرزانه و فقیه قرآن پژوه آیت الله آیت الله معرفت (ره)، پی گیریم. با توجه به محدودیت این نوشتار، چاره ای جز رعایت اختصار نبوده است، هرچند در مواردی برای روشن شدن مطلب، ناگزیر از یاد کردن گسترده تر مباحث خاور شناسان بوده ایم.

از آن هنگام که پیامبر اسلام با خواندن نخستین آیات الهی بر مردم آنان به پرستش خدای واحد فراخواند، سران مشرکان تمام تلاش خود برای جلوگیری از انتشار این پیام آسمانی به کار بستند و در این راه از این گونه کوششی فرو گذار نکردند. گاه قرآن را اساطیر کهن نامیدند که صبح و شب بر وی خوانده می شود وزمانی آن را شعر و سحر و ... خواندند. اما با همه این تهمت ها،

۱ - فیض کاشانی ملا محسن، تفسیر الصافی، ج ۴، ص: ۴۰۳

۲ - همان

قرآن به پرتو افشانی خود ادامه داد و قلبه های مشتاق را به خود جذب می کرد. این شبهات بار دیگر پس از گذشت سالیان طولانی، مطرح شد؛ اما نه از سوی مشرکان عصر جاهلیت، بلکه از سوی کسانی که داعیه فرهنگ و تمدن داشتند و فریاد حقیقت جویی آنان گوش فلک را کر کرده بود و همگان را به جز هم مسلکان خود، بی رحمان از دم تیغ اتهام عقب ماندگی و انحطاط و تحجر می گذاراندند! آن ها اتهام های کهنه را در قالبی ارائه کردند و به سخنان جاهلانه رنگ علمی زدند و به زعم خود برای مدتی عرصه را بر مومنان تنگ کردند و فضا را تیره تار کردند. اما با تلاش عالمان و محققان، خورشید حقیقت درخشنده تر از گذشته، بر عالم و آدم تابید. علامه فقیه استاد آیت الله معرفت از جمله دانشیان و پژوهشیان است که با حساسیت و با دقت، در خلال مباحث قرآنی به پاسخ گویی به شهاب خاور شناسان پرداخت است. در این نوشتار نقد شبهه مصادر قرآن را از نگاه استاد آیت الله معرفت مورد بررسی قرار می دهیم. شایسته است قبل از طرح اصل بحث، نگاهی گذرا به اهداف و مقاصد خاورشناسان، از نگاه استاد آیت الله معرفت بیفکنیم.

۴ - ۸ - ۱ - اهداف خاور شناسان

استاد آیت الله معرفت در مباحثی چند به اهداف استشراق اشاره می کند و مهم ترین شبهات آنان را بر می نمایاند. از نظر ایشان خاور شناسی از آغاز با انگیزه های تبشیری همراه بوده است و پیشگامان این حرکت، فرزندان واتیکان و وابستگان به کلیسا بوده اند که همواره هدف های زیر را به دنبال می کرده اند.

۱. ضربه زدن به اسلام و وارونه نشان دادن حقایق آن .
 ۲. پشتیبانی از مسیحیان در برابر اسلام با جلوگیری از روبرو شدن آنان با حقایق روشن اسلام .
 ۳. تلاش در جهت مسیحی کردن مسلمانان، یا دست کم سست کردن باورهای دینی آنان .
 ۴. انگیزه های استعماری، فرهنگی سیاسی و اقتصادی را نیز می توان بر موارد فوق افزود. (۲)
- به یاد دارم که استاد آیت الله معرفت در خلال تدریس به دو نکته مهم در باره خاورشناسان اشاره می کردند. نخست اینکه همواره در برابر مباحث خاورشناسان باید هوشیار بوده، فریب برخی تعریف و تمجیدهای آنان از اسلام و پیامبر اسلام را نخوریم. به عنوان نمونه اگر گاهی در نوشته های برخی از آنان دیده می شود که پیامبر اسلام را فردی نابغه و برخوردار از ابتکاراتی ناشناخته برای اعراب معرفی می کنند،

هرچند این سخن نشانی از حقیقت دارد، اما اراده ای باطل در ورای آن نهفته است؛ آنان در پی آنند که گسترش اسلام را در شبهه جزیره عربستان ناشی از نبوغ پیامبر قلمداد کنند نه ناشی از منشا وحیانی آن. دیگر اینکه این خاورشناسان اگرهم بدون غرض ومرض ویرکنار از اهداف استعماری و غیره به سراغ اسلام بیایند به جهت برخوردار نبودن آنان از طهارت درونی که به حکم آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقع، ۷۹). که جز پاک‌شدگان بر آن دست نزنند.

شرط استفاده از قرآن است، راهی به درک عمق و عظمت قرآن ندارند و آنان را جز از ظاهر آن بهره ای نیست. استاد در آغاز بحث از مصادر قرآن، به سراغ قرآن می رود و آن را به داوری می طلبد. با توجه به اینکه برخی از خاور شناسان کوشیده اند و انمود نمایند که قرآن خود نیز ادعاهای آنان را در باره مصادرش

تایید می کند، این گواهی اهمیتی دو چندان می یابد. استاد آیت الله معرفت می نویسد: "اگر از خود قرآن بپرسیم گواهی خواهد داد که بر پیامبر اسلام، محمد (ص) وحی شده، چنان که بر پیامبران پیشین وحی می شد:

«إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا (۱۶۳) وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ تَقْضُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (۱۶۴) رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَاسٍ لِنَاسٍ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵) لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (نساء، ۱۶۶).

به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم، و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (بنی اسرائیل) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و وحی نمودیم؛ و به داود زبور دادیم و پیامبرانی که سر گذشت آن‌ها را بیان نکرده‌ایم؛ و خداوند با موسی سخن گفت. پیامبرانی که بشارت دنده و بیم دهنده بودند. تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، و خداوند، توانا و حکیم است. ولی خداوند گواهی می دهد به آنچه بر تو نازل کرده؛ که از روی علمش نازل کرده است، و فرشتگان (نیز) می دهند؛ هرچند گواهی خدا کافی است: «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ

بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام، ۱۹)

بگو: خداوند گواه میان من و شما است؛ و این قرآن بر من وحی شده، در سوره نجم می خوانیم «إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ وَ هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ أ فَتَمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ» (نجم آیات ۴-۱۲)

آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده است نیست. آن کس که قدرت عظیمی دارد (=جبرئیل امین) او را تعلیم داده است. همان کس که توانایی فوق العاده دارد؛ او سلطه یافت. درحالی که در افق اعلی قرار داشت. سپس نزدیک تر و نزدیک تر شد. تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دوکمان یا کمتر بود. در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود. قلب (پاک او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. آیا با او درباره آنچه (با چشم خود) دیده مجادله می کنید؟

براین منوال آیه های بسیاری دیده می شود که به صراحت، قرآن را وحی مستقیم به پیامبر اسلام می داند تا قوم خود و هر آن که را پیامش به وی می رسد بدان بیم دهد.

استاد پس از یاد کرد این آیات می نویسد: براین واقعیت که همه قرآن واژه ها، بافت و در درون مایه آن -سخن پروردگار جهانیان است، دلیل های فراوان و پشت در پشت وجود دارد که در مباحث اعجاز قرآن به گونه ای گسترده و استوار بدان ها پرداخته شده است. آن چنان که یاوه سرایی های مخالفان این رویکرد درخشان، به سان گردی پراکنده دست خوش تند بادهای شده است.^۱

اما اینکه پیامبر آن را در کتب پیشین یافته یا از ایشان در یافته، یا از دانشمندان بنی اسرائیل آموخته، چیزی است شگفت که هرگز بافت استوار و فخیم قرآن آن را باور ندارد. شبهه برگرفتن قرآن از مسیحیان و یهودیان عربستان بسیاری از خاور شناسان این ادعا را مطرح کرده اند که پیامبر با برخی از مسیحیان ارتباط داشته و معارف قرآن را از آنان فرا گرفته است. گروهی درصدد برآمده اند با ارائه شواهد و ادله ای خارجی (خارج از قرآن و متون دینی)، این ادعا را اثبات کنند

۱ - معرفت، محمد هادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، ص ۷.

وگروهی پا را فراتر گذاشته و مدعی شده اند بسیاری از آیات قرآن نشان می دهد که پیامبر اصول اخلاقی دین مسیح و یکتا پرستی دین یهود را ستوده و متون دینی این دو آیین را زاده وحی دانسته است، و در نتیجه آموزه های دینی خود را از آنان فراگرفته است.

۴ - ۸ - ۲ - استدلال خاورشناسان به قرآن

نویسنده مقاله «قرآن» دائره المعارف اسلام ادعا می کند که قرآن، وجود یک یا چند نفر خبر رسان را که خبرهای مسیحیان را به پیامبر می رساندند، تایید می کند؛ واز «وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (النحل: آیه: ۱۰۳).

می دانیم که آن ها می گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می دهد!» در حالی که زبان کسی که آنها را به او نسبت می دهند، عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است؛ نویسنده مقاله درست در جهت عکس منظور آیه نتیجه می گیرد که این آیه تنها این مطلب را که الفاظ قرآن از دیگران است انکار می کند. اما اینکه محتوای قرآن از دیگران است، نه تنها رد نمی کند، بلکه تایید نیز می کند!

استاد آیت الله معرفت سخن اسقف یوسف دره الحداد را می آورد که ادعا کرده است: "قرآن از منابعی مختلفی بهره برده کخ مهم ترین آن ها کتاب مقدس، به ویژه تورات است وگواه این مطلب خود قرآن است؛ از جمله این آیات: این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده استف در کتب ابراهیم و موسی «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ» (اعلی، آیات ۱۸ - ۱۹) «قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی] هست، صحیفه های ابراهیم و موسی» «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَىٰ أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» (نجم، آیات ۳۶ - ۳۸) «یا بدانچه در صحیفه های موسی [آمده] خبر نیافته است؟ و [نیز در نوشته های] همان ابراهیمی که وفا کرد: که هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر نمی دارد»

یا از آنچه در کتاب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟! ودر کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را به طور کامل ادا کرد، که هیچ کس بار گناه دیگری را بردوش نمی گیرد «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (شعراء، آیات ۱۰۶ - ۱۰۷) «چون برادرشان نوح به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده ای درخور اعتمادم» و توصیف آن در کتاب

های پیشینیان نیز آمده است! آیا همین نشانه برای آن‌ها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل به خوبی از آن آگاهند؟!

آیه نخست محمد (ص)، نشان از سازگاری او با زیرالاولین (متون پیشینیان) دارد و آیه دوم او دانشمندان بنی اسرائیل را بر این تطابق گوته می‌گیرد، اما چه ارتباطی است میان قرآن و یافته شدن آن در زبر الاولین؟ این راز محمد است، از آنجا که آیه‌های او را در زبر الاولین با زبان عربی نازل شده که آن‌ها نمی‌دانند، پس توسط عالمان بنی اسرائیل به محمد رسیده است و او نیز با زبان عربی آشکار، مردم را بدان بیم داده است ...

«وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ» (احقاف، آیه ۱۲) «و [حال آنکه] پیش از آن، کتاب موسی، راهبر و [مایه] رحمتی بود و این [قرآن] کتابی است به زبان عربی که تصدیق‌کننده [آن] است، تا کسانی را که ستم کرده‌اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده‌ای باشد»

به صراحت می‌گوید او بر کتاب موسی شاگردی کرده و آن را در قالب زبان عربی ریخته. در نتیجه قرآن، نسخه بر گردان از کتاب اصلی - تورات - است. منظور از تفصیل در «کتاب» *فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ* (فصلت، آیه ۳) کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند.

نیز یعنی برگردان عربی از متن اصلی غیر عربی. پس در نتیجه قرآن، وحی است و توضیح و تفصیل عربی. پس در نتیجه قرآن، وحی است و توضیح و تفصیل عربی کتاب آسمانی است؛ زیرا متن اصلی آن از آسمان نازل شده است. "استاد آیت الله معرفت در پاسخ اسقف دره می‌نویسد: "اما آنچه آقای اسقف دره بدان استناد جسته، نشانه‌های بی‌پایگی در آن به روشنی پیدا است؛ خدای تعالی می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى» (اعلی، آیات ۱۸ - ۱۹) قطعاً در صحیفه‌های گذشته این [معنی] هست، صحیفه‌های ابراهیم و موسی.

در این آیه به پندهایی اشاره دارد که در آیه‌های قبلی آمده بود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أُنْتَبَى» (اعلی، آیات ۱۴ - ۱۷) «رستگار آن کس که

۱ - یوسف، دره الحداد، دروس قرآنی، ج ۲، ص ۱۸۸ - ۱۷۳.

خود را پاک گردانید و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزاردلیکن [شما] زندگی دنیا را بر می‌گزینید با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است»

این آیه ها براین تاکید دارد که آنچه پیامبر اسلام آورده، چیز تازه و بی سابقه ای نسبت به آنچه پیامبران آورده اند نبوده است: «قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (احقاف، آیه ۹) « بگو: «من از [میان] پیامبران، نو در آمدی نبودم و نمی‌دانم با من و با شما چه معامله‌ای خواهد شد. جز آنچه را که به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم و من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم.»

پیام او سخن تازه ای نبود ه که در میان پیام های الهی بی سابقه بوده است ... منظور از آیه این است ؛ نه آنچه آقای اسقف پنداشته بود. نیز در این که فرمود: «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ وَفَىٰ آلًا تَرْزُؤًا وَازِرَةً وِزْرًا أُخْرَىٰ» (نجم، آیات ۳۶ - ۳۸) یا بدانچه در صحیفه‌های موسی [آمده] خبر نیافته است؟ و [نیز در نوشته‌های] همان ابراهیمی که وفا کرد: که هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد.»

مرجع ضمیر مستتر در فعل «لم ینبا» کسی است که در رو در روی رسالت ایستاده، با ریشخند بدان اعلام می‌دارد که در صورت ایمان نیابردن دیگران به این پیام، بار گناه دیگران را نیز بردوش خواهد کشید. قرآن در پاسخ ایشان اعلام می‌دارد که آیا بدیشان ابلاغ نشده که هر کسی سرانجام کیفر کار خویش را خواهد دید و هیچ کس بار گناه دیگری را بردوش نخواهد کشید: «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، آیه ۱۵) « هر کس به راه آمده تنها به سود خود به راه آمده، و هر کس بیراهه رفته تنها به زیان خود بیراهه رفته است. و هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد، و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی‌پردازیم.»

۴ - ۹ - رد شبهه مصادر از سوی استاد آیت الله معرفت

استاد آیت الله معرفت در کتاب «شبهات وردود» به معروف ترین شبهات در مورد قرآن پاسخ داده اند. استاد در بخش اول کتاب به پاسخ شبهه مشهور شرق شناسان مبنی بر وجود مصادری برای قرآن پرداخته اند. مستشرقان به دلیل تشابه برخی موضوعات کتاب های مقدس و قرآن مدعی شده اند که قرآن با استفاده از مطالب کتاب مقدس تألیف شده و وحی آسمانی نیست!

ولکن استاد وحی الهی را تنها مصدر قرآن شمرده و با بیان این نکته که شرایع ابراهیمی ریش واحدی دارند علت توافق و تشابه بر خی موضوعات را در همین ریش واحد- وحی الهی- تحلیل می کنند. با مقایسه ای اجمالی میان قرآن و عهدین موجود در همین موضوعات مشترک به امتیازات عدید قرآن اشاره کرده و اشتباهات و در کتب آسمانی تحریف شده را یادآور می گردند. ایشان بر این باورند که قرآن هر چند با عرب معاصر پیامبر اکرم (ص) سخن گفت و مسائل و آلام و دردهای آن ها را درمان کرد اما زبان عربی و خطاب به عرب معاصر نزول مانع رسالت جهانی و سخن با انسان در هر سطحی و فرهنگی نیست. هم شرق شناسان و هم روشنفکران مسلمان داخلی متأثر از آنان ادعا قرآن راه یافته و شواهدی نظیر پدید جن شیطان سحر چشم زخم و احکام مربوط به زنان را شاهد بر آن شمرده اند.

استاد آیت الله معرفت با ردّ این ادعا و به صورت موردی تمام مستندات این گروه را ذکر و به هر کدام پاسخ مستوفی و عالمانه ای داده اند و نتیجه گرفته اند که قرآن تحت تأثیر فرهنگ زمانه قرار نگرفته و اباطیل این فرهنگ ها به قرآن راه نیافته است.

از جمله نظرات ممتاز استاد در این بخش باید به انکار سحر به عنوان پدیده ای که در واقعیات هستی تأثیر می گذارد و به چشم زخم اشاره کرد. استاد معتقدند سحر نوعی چشم بندی و ایجاد خیال در مخاطب است و چشم زخم نیز از آیاتی نظیر آی ۵۰ سور قلم استفاده نمی شود.

۴- ۹- ۱- توصیف شبهات

کتاب «شبهات و ردود حول القرآن» پس از مقدمه ای کوتاه در پنج بخش تنظیم شده است: آیا برای قرآن مصادری وجود دارد؟ قرآن و فرهنگ های معاصر نزول، توهم اختلاف و تناقض، آیا در قرآن مطالب مخالف علم، تاریخ یا ادبیات و الا وجود؟ قصه های قرآنی.^۱

۴- ۹- ۲- تحلیل در مورد شبهات

۱- معرفت قرآنی، ج ۱، ص ۱۸۹

قرآن کریم، از همان آغاز نزول با شبهه افکنی معاندان و مکذبان مواجه شد که از سوی خدای متعال و رسول مکرم اسلام (ص) پاسخ های در خور و شایسته داده می شد. هم اکنون نیز این کتاب آسمانی در کنار ارادت اهل تحقیق و تقوا و ایمان، مورد طعن و مخالف اشخاص و گروه ها قرار گرفته و در موردش به طرح شباهت اقدام می شود. یکی از رسالت های بزرگ دانشمندان مسلمان، زدودن شباهت مطرح شده و دفاع از قدسیت و کرامت این کتاب مقدس می باشد.^۱

استاد در آیت الله معرفت در کتاب شباهت وردود، به آیت الله معرفت ترین شباهت در مورد قرآن پاسخ داده اند. استاد در بخش اول کتاب به پاسخ شبهه مشهور شرق شناسان مبنی بر وجود مصادری برای قرآن، مدعی پرداخته اند. مستشرقان به دلیل تشابه برخی موضوع های کتاب های مقدس و قرآن مدعی شده اند که قرآن با استفاده از مطالب کتاب مقدس تألیف شده و وحی آسمانی نیست! لکن استاد، وحی الهی را تنها مصدر قرآن شمرده و با بیان این نکته که شریعی ابراهیمی ریشه واحدی دارند، علت توافق و تشابه برخی موضوعات را در همین ریشه واحد- وحی الهی - تحلیل می کنند. ایشان با مقایسه ای اجمالی میان قرآن و عهدین موجود در همین موضوعات مشترک، به امتیازات عدیده قرآن اشاره کرده و اشتباهات و انحرافات موجود در کتب آسمانی تحریف شده را یادآور می شوند. ایشان براین باورند که قرآن هرچند با عرب معاصر پیامبر اکرم (ص) سخن گفت و مسائل و آلام و درد های آن ها را درمان کرد، اما زبان عربی و خطاب به عرب معاصر نزول، مانع رسالت جهانی و سخن با انسان در هر سطحی و فرهنگی نیست.

هم شرق شناسان و هم روشنفکران مسلمان به قرآن راه یافته و شواهدی نظیر پدیده جن، شیطان، سحر، چشم زخم و احکام مربوط به زنان را شاهد بر آن شمرده اند. استاد آیت الله معرفت با رد این ادعا و به صورت موردی، تمام مستندات این گروه را ذکر و به هر کدام پاسخ مستوفی و عالمانه ای داده و نتیجه گرفته اند که قرآن تحت تاثیر فرهنگ زمانه قرار نگرفته و اباطیل این فرهنگ ها به قرآن راه نیافته است. از جمله نظرات ممتاز استاد در این بخش باید به انکار سحر به عنوان پدیده های که در واقعیات هستی تاثیر می گذارد، و به چشم زخم معروف است اشاره کرد. استاد

۱ - معرفت، محمد هادی، شباهت و ردود حول القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۱۸۹.

معتقدند سحر نوعی چشم بندی و ایجاد خیال در مخاطب است و چشم زخم نیز از آیات نظیر آیه ۵۰ سوره قلم استفاده نمی شود.

استاد آیت الله معرفت در زمینه به کار گیری الفاظ و عباراتی از فرهنگ عرب جاهلی که براساس مبانی باطل وضع شده اند، اظهار می دارند: «قرآن در این بخش صرفاً مجازات (همراهی) در لفظ کرده و در مقام استعمال همان لفظی را به کار برده اند که برای عرب قابل فهم باشد، نه آنکه مبانی باطل وضع را پذیرفته باشند. همگان گونه که در غالب استعمالات عرفیه چنین است و مثلاً استعمال واژه مجنون به برخی بیماران مغز و اعصاب دلیل «جن زدگی» شخص بیمار در نگاه مستعمل نیست. استاد در بخش سوم کتاب، ضمن تاکید بر عدم وجود اختلاف و تناقض در آیات کلام الله مجید به عنوان یکی از ابعاد اعجاز قرآن، به گونه های وجود اختلاف در برخی آیات اشاره و تمام آن ها را پاسخ می گویند. ایشان معتقدند اختلاف در قرائات قرآن، دلیل وجود اختلاف در قرآن نیست،^۱

زیرا قرآن ماهیتی جدای از قرائات دارد، اختلاف در قرائات امری عرضی قرآن، خطاهای املائی و نوشتاری، اجتهاد قاریان و... است که پس از نزول قرآن رخ داده است و به اختلاف و تناقض در قرآن ارتباطی ندارد.

مؤلف متتبع در بخش چهارم به ذکر مواردی که عموماً در مطالعات انتقادی شرق شناسان آمده و ادعا شده در قرآن مواردی مخالف با مستندات علمی، تاریخی و یا ادبیات رفیع وجود دارد، پرداخته و به تمام آن ها پاسخ مستوفی و مستدل داده اند. و بالاخره در بخش پنجم، ضمن بحث از اسلوب قصه های قرآن و شاخصه قصص قرآنی و اغراضی که داستان های قرآن تعقیب می کند، بر واقعی بودن قصص قرآن تاکید و به مواردی عدیده ای از شبهات مطرح شده در این باب پاسخ داده اند.

این کتاب در نوع خود کم نظیر و مولف محقق و فرزانه به خوبی از عهده رسالت تالیف بر آمده اند. این کتاب در حقیقت جلد هفتم کتاب التمهید، در موضوع «علوم قرآنی» است که به دلیل اهمیت به طور جداگانه به زیور طبع آراسته شده است.^۲

۴ - ۹ - ۳ - نشانه ای دیگر بر حقانیت رسالت پیامبر

۱ - همان

۲ - معرفت قرآنی ج ۱، ص ۱۹۲

«أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء، آیه ۱۹۷) آیا برای آنان، این خود دلیلی روشن نیست که علمای بنی اسرائیل از آن اطلاع دارند؟»
نشانه ی دیگر بر حقانیت دعوی محمدی، آن است که را سخین در علم از میان اهل کتاب حقانیت آن را به یاری حقایقی که بدان ها دست یافته اند گواهی می کنند:

فصل پنجم

نتیجه گیری و پیشنهادات

الف: نتیجه گیری

پس از بررسی موضوع «نوآوری های آیت الله معرفت در علوم قرآنی از جمله اعجاز بیانی و تحدی و نزول قرآن و شبهات مربوطه» در آثار و تالیفات این دانشمند فرزانه از جمله کتاب التمهید و کتاب علوم قرآنی و کتاب نقد شبهات پیرامون قرآن کریم و نیز بررسی آراء مفسران و اندیشمندان دینی در خصوص سه مبحث مذکور نتایج زیر نیز به دست آمد:

- آیت الله معرفت در جلد پنجم کتاب ارزشمند «التمهید» و در تعقیب بحث اعجاز، به اعجاز بیانی قرآن می پردازد و عمده نظریات دانشمندان و مؤلفان جهان اسلام در موضوع اعجاز بیانی را همراه با ذکر شواهد قرآنی و توضیح تفصیلی عناصر مؤثر در اعجاز بیانی توضیح می دهند. استاد معرفت در بخش پایانی این مجلد از دو جهت (اجمالی و تفصیلی) فصاحت قرآن را بررسی و توضیحاتی ارزشمند در این زمینه بیان داشته اند.

- جلال الدین سیوطی نخستین وجه اعجاز را مربوط به علومی می داند که از قرآن استنباط می شود. زیرا قرآن دارای علوم و معارف فراوانی است که در هیچ یک از دیگر کتابها، وجود ندارد. به ویژه که این علوم در عباراتی کوتاه و موجز بیان شده است.

- به نظر سید قطب قرآن، نه تنها در لفظ و تعبیر و اسلوب بیان معجزه است، بلکه اعجازی مطلق دارد که پژوهشگران در زمینه های مختلف مانند: جامعه شناسی، قوانین حقوقی، روانشناسی و امثال آن، به آن دست می یابند

- علامه طباطبایی، بیان می دارد که اگر تحدی، فقط در بلاغت قرآن و اسلوب زبانی آن بود، نمی باید از حد عرب های خاص فراتر برود، درحالی که آیه شریفه، همه انس و جن را مورد خطاب قرار داده بود، معلوم می شود که اعجاز قرآن تنها از نظر اسلوب زبانی نیست.

- عمومیت خطاب تحدی، حکایت از آن دارد که خداوند همگان را به همانند آوری دعوت کرده است و لذا قرآن برای همه معجزه است و اختصاصی به گروه خاصی ندارد و غیر از بلاغت قرآن، جهت خاص دیگری به تنهایی، مانند معارف، اخلاق، قوانین صالح، اخبار غیبی و ... مورد نظر قرآن نیست، چون هریک از آن جهات را، گروه خاصی از انس و جن می فهمند

- به نظر آیت الله خوئی اعجاز در اصطلاح ممکن است به دو معنی آورده شود معنی اول: کاری که تمام نوع بشر را از آوردن نظیر آن مطلقا عاجز و ناتوان سازد، چه یک گروه باشند و چه یک فرد معنی دوم آنکه: مدعی برای اثبات منصبی الهی کاری را بعنوان شاهد صدق ادعای خود

ارائه دهد که خارق قوانین طبیعت باشد. یعنی قانون های طبیعت را درهم شکنند، و غیر او هم از انجام آن کار ناتوان باشد.

- از مباحث پر دامنه و محوری علوم قرآن، « اعجاز قرآن » است. مشهورترین و گسترده ترین دیدگاه در باب اعجاز، « اعجاز بیانی » قرآن است. نگاشته های استاد آیت الله معرفت در کتاب ارجمند التمهید فی علوم القرآن را جامع ترین و استوارترین اثر در این باب می توان برشمرد.

- اعجاز قرآن در میان آثار استاد فقید آیت الله معرفت از جایگاه والایی برخوردار است. نیمی از کتاب ارجمند التمهید فی علوم القرآن، یعنی سه جلد از شش جلد آن به بحث اعجاز قرآن اختصاص دارد

- آیت الله معرفت اعجاز بیانی قرآن کریم را در ده ویژگی بلاغی با استناد به علم بلاغت و صاحب نظران این فن به شکل تطبیقی و با استناد به شواهد آیات و برخی ابیات شعر عربی فصیح و شاهد مثال های قرآنی مرتبط با موضوع به صورتی گویا و پر محتوی تبیین نموده است.

- شبهات اعجاز هماهنگی قرآن از قبیل تحلیل هماهنگی حصر در قرآن، ناسازگاری بدوی برخی تشبیهات در قرآن و تقدیم و تأخیر واژگان آیات، با توجه به نکات بلاغی قابل رفع است. دستاوردهای بلاغی، وجود هماهنگی کامل میان چنین مواردی را آفتابی می کند.

- یکی از شبهاتی که پیوسته مخالفان، در باره بخش های مختلف قرآن، طرح کرده اند، شبهه تکراری بودن برخی مطالب یا آیات - اعم از تکرار لفظ آیه یا معنای آن - و ناسازگاری تکرار، با فصاحت و بلاغت است. این شبهات را می توان در دو دسته کلی طبقه بندی کرد:

- آیت الله معرفت در عین تلاش گسترده ای که در شناساندن امتیازات و زیبایی های بیانی قرآن داشت، سهم عمده را به محتوا و معارف قرآن می داد اما انحصاری اعجاز در معارف را نادرست می دانست و در مجال های گوناگون به نقد این دیدگاه انحصار می پرداخت.

- آیت الله معرفت در علوم قرآنی فارسی خود در آغاز بحث اعجاز، دو مطلب را افزوده اند که در التمهید منعکس نشده است:

- یکی از مباحث مورد علاقه استاد برآن تاکید داشتند و در برخی نوشته های خود آورده اند، این بحث است که معجزه یک ضرورت دفاعی است و برای اثبات اصل نبوت، نه یک ضرورت

تبلیغی و برای اثبات محتوای دعوت آنان؛ زیرا دعوت انبیا عین حق و دمساز با فطرت اصیل و عقل سلیم انسانی است.

• استاد اثبات می کنند که دایره تحدی عام است و عصر حاضر را نیز شامل می شود. او در بحث دیگری تبیین می کند که تحدی در سخن امکان پذیر است؛ زیرا منظور آوردن عین آن سخن نیست، بلکه سخنی است که امتیازات سخن مورد ادعا را داشته باشد.

• در آیات قرآن کریم، گاه تحدی به کل قرآن، گاه به ده سوره و گاه به یک سوره از آن صورت گرفته است

• براساس نظر آیت الله معرفت (ره) تحدی به نوع مخاطبان بستگی دارد. آنجا که خطاب متوجه عرب‌زبانان به ویژه اعراب آن دوران است که سخنوری پیشینه آنان بود، تحدی قرآن مخصوص جنبه فصاحتی و بلاغتی و نظم نو و سبک شگفت آن است اما پس از آن که ندای قرآن به تمامی بشریت رسید و همگی مخاطب قرآن واقع شدند، تحدی قرآن به تمامی وجوه اعجاز آن تعلق گرفته است؛ زیرا قرآن معجزه اسلام برای همه دوران‌ها همه نسل‌ها و تمامی اقشار مردم با همه دانش‌ها، هنرها و فرهنگ‌ها است.

• قرآن کریم درخواست کرده تا همانند کل قرآن را بیاورند. پس از آن که تلاش برای همانندآوری کل قرآن صورت گرفت و ناتوانی بشر از آوردن همانند آن روشن شد، ده سوره همانند سوره قرآن را می‌طلبند و پس از تلاش و اثبات عجز آنان از آوردن ده سوره، قرآن از آنان می‌خواهد که یک سوره همانند قرآن بیاورند. به این ترتیب قرآن مجید سه بار با فاصله‌ی زمانی انگیزه‌های مردم را به سوی همانند آوری قرآن سوق داده و عجز آنان از آوردن همانند قرآن را در سه مرحله با سیر از دشوارتر به آسان‌تر به اثبات رسانده است.

• قول مشهور بین مفسران و دانشمندان علوم قرآنی آن است که سوره یونس که مشتمل بر آیات تحدی به یک سوره است قبل از سوره‌ی هود که مشتمل بر آیات تحدی به ده سوره می‌باشد، نازل شده است.

• سید قطب همانند علامه طباطبایی تحدی و اعجاز قرآن را عام و در همه وجوه یاد شده می‌داند و گرنه خداوند تحدی را به عرب منحصر می‌کرد و مطلق نمی‌آورد [برای تحدی، وجوهی دیگر، مانند فصاحت و بلاغت، نظم زیبا، حقانیت و راستی، نبود باطل و دروغ در آن،

احکام و شرایع، معانی بلند و... نیز ذکر شده است که به موارد یاد شده باز می‌گردد، به هر روی [قرآن برای همه بشر فرود آمده و تحدی آن نیز عام و فراگیر است .

• آیت الله معرفت در مورد نزول قرآن و پس از ذکر مباحث مختلفی در مورد آغاز نزول وحی، به اولین و آخرین آیات و سوره‌های نازل شده به موضوع نزول قرآن در شب قدر اشاره و با ذکر پنج قول در مسأله اعلام می‌دارند که بهترین راه حل میان آیاتی که نزول قرآن را در شب قدر می‌داند و آیاتی که نزول آن را در طول ۲۰ سال می‌شمرد، آن است که آغاز نزول قرآن در شب قدر بود، و این آغاز سه سال پس از بعثت پیامبر اکرم (ص) و به دنبال پدیده فترت وحی اتفاق افتاده است. البته در طول سه سال مزبور آیاتی نازل شده لیکن عنوان قرآنی نداشته است.

• آیت الله معرفت در بحث نزول بعد از آوردن نظرات مختلف در رابطه با نزول قرآن و روشن نمودن نقاط ضعف آنها به ارائه ی نظراتی بدیع (نوآوری هایی) در رابطه با آغاز نزول، دوران فترت، مدت نزول، اولین آیه و سوره، آخرین آیه و سوره، سوره های مکی و مدنی و فواید شناخت آنها، معیار و ملاک تشخیص سوره های مکی و مدنی، شبهات وارده در باره مکی و مدنی بودن سوره ها، ترتیب نزول، سوره های مورد اختلاف، اسباب نزول، سبب نزول یا شان نزول، تنزیل و تاویل، استفاده فقهی از شان نزول و تنزیل و تاویل، تعداد سوره ها و آیات قرآن و همچنین حل تناقض بدوی میان شب مبعث یعنی شب ۲۷ رجب که بالطبع به معنای آغاز نزول قرآن است و شب قدر که بنا به تصریح قرآن کریم شب نزول قرآن است.

• صرفه یا «باز داشتن خداوند از آوردن مانند قرآن بوسیله مخلوق (جن و انس)» یکی از وجوه اعجاز قرآن است. این نظریه از اوائل قرن سوم تا قرن ششم دارای طرفدارانی بوده است، اما غالب اندیشمندان قرن چهارم تا کنون با آن مخالفت نموده اند.

• صرفه [به این معناست که] خداوند اعراب را از معاوضه قرآن منصرف نموده است و خرد و اندیشه آنها را زدوده است. [معاوضه با قرآن] برای آنان مقدور و دستیاب بودن ولی مانع خارجی (صرفه) آنان را منع نموده و از این روی قرآن مانند سایر معجزات شد (سیوطی، ج ۴/۷) خداوند می فرماید: «ثُمَّ أَنْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهِ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (توبه، ۱۲۷)

• آیت الله معرفت در جلد چهارم التمهید - به بحث اعجاز پرداخته مفهوم اعجاز، مراحل تحدی، ابعاد اعجاز قرآنی و مباحث دیگری را ذکر و قول به «صرفه» را که در کلمات برخی از بزرگان آمده، نقد و ارزیابی می‌کنند؛ ایشان اعتقاد دارند قول به «صرفه» می‌تواند معنای صحیحی

- داشته باشد و مراد آن باشد که آنقدر این کتاب در ادب و فصاحت و دیگر ابعاد اعجاز برتری یافته که انسانها عاجز از هم‌آوردی با آن شده و منصرف از تلاش در این زمینه شده‌اند؛ و یا آن‌که اصولاً در طاق‌ت انسان‌ها نیست که علمی را تحصیل کنند که بتوانند متنی نظیر قرآن بیاورند
- کتاب شبهات وردود حول القرآن الکریم پس از مقدمه‌ای کوتاه در پنج بخش تنظیم شده است: آیا برای قرآن مصادری وجود دارد، قرآن و فرهنگ‌های معاصر نزول، توهم اختلاف و تناقض، آیا در قرآن مطالب مخالف علم، تاریخ یا ادبیات والا وجود دارد؛ قصه‌های قرآنی. قرآن کریم، از همان آغاز نزول مواجه با شبهه افکنی معاندان و مکذبان شد که از سوی خدای متعال و رسول مکرّم اسلام (ص) پاسخ‌های درخوّر و شایسته داده می‌شد
 - آیت الله معرفت در بخش اول کتاب «شبهات وردود حول القرآن الکریم» به پاسخ شبهه مشهور شرق‌شناسان مبنی بر وجود مصادری برای قرآن، پرداخته‌اند.
 - مستشرقان به دلیل تشابه برخی موضوعات کتاب‌های مقدس و قرآن مدعی شده‌اند که قرآن با استفاده از مطالب کتاب مقدس تألیف شده و وحی آسمانی نیست.
 - آیت الله معرفت در خصوص شبهات ایجاد شده از سوی مستشرقان عقیده دارد که، وحی الهی را تنها مصدر قرآن شمرده و با بیان این نکته که شرایع ابراهیمی ریشه واحدی دارند، علت توافق و تشابه برخی موضوعات را در همین ریشه واحد - وحی الهی - تحلیل می‌کنند. ایشان با مقایسه‌ای اجمالی میان قرآن و عهدین موجود در همین موضوعات مشترک، به امتیازات عدیده قرآن اشاره کرده و اشتباهات و انحرافات موجود در کتب آسمانی تحریف شده را یادآور می‌گردند.
 - آیت الله معرفت بر این باورند که قرآن هر چند با عرب معاصر پیامبر اکرم (ص) سخن گفت و مسائل و آلام و دردهای آنها را درمان کرد، اما زبان عربی و خطاب به عرب معاصر نزول، مانع رسالت جهانی و سخن با انسان در هر سطحی و فرهنگی نیست.
 - در میان شبهات اعجاز بیانی، شبهه تکرار به کمک دستاوردهای علوم بلاغی پاسخ می‌یابد. هدفمندی تکرارها و اثرگذاری آنها در ابعاد تربیتی و هدایتی قرآن از سویی و ارائه قابلیت اعجازی بیانات قرآن در گونه‌گون آوردن عبارات از سوی دیگر، از فواید بلاغی تکرار در قرآن محسوب می‌شود.

- از دیگر شبهات اعجاز بیانی شبهات تحدی است که با شمول قلمرو تحدی قرآن نسبت به فصحا و بلیغانی مانند امیرالمؤمنین، به مقایسه قرآن و سخنان آنها پرداخته اند. اما مقایسه های بلاغی میان آن سخنان و قرآن، برتری مطلق سخن الهی و وحیانی را بر آن گفته ها نمود می دهد.
- شبهات اعجاز هماهنگی قرآن از قبیل تحلیل هماهنگ حصر در قرآن، ناسازگاری بدوی برخی تشبیهات در قرآن و تقدیم و تأخیر واژگان آیات، با توجه به نکات بلاغی قابل رفع است. دستاوردهای بلاغی، وجود هماهنگی کامل میان چنین مواردی را آفتابی می کند.
- شبهه وجود متشابهات در قرآن که شبهه ای محتوایی محسوب می شود نیز در پرتو یافته های بلاغت عربی پاسخ می یابد. در میان اقسام متعدد متشابهات قرآنی، تشابه موجود در اسماء و صفات الهی با این تحلیل بلاغی رفع می شود که بخشی از این تشابه، بر اثر مجازی یا کنایی بودن تعابیر مربوط به این اسماء و صفات خداوندی است.
- حکمت کاربرد متشابهات در قرآن نیز با لحاظ این نکته بلاغی تبیین می یابد که با توجه به ناتوانی و ناکارآمدی الفاظ عرفی بشر برای ارائه اسماء و صفات خداوند، راهکار کاربرد زبان مجازی، کنایی و استعاری مسیر را برای نزدیک ساختن برخی از حقایق آن آیات به ذهن بشر، آماده می کند.
- تلاش گسترده آیت الله معرفت در شاخه های متعدد علوم قرآنی و غور در آرا و نظریات پیشیان و ارائه دیدگاه های جدید، مانع از توجه استاد به مباحث نوین نمی شد از این روی سراسر آثار ایشان از معارف و موضوعات نوآکنده است. این روند در این مجموعه نیز به وضوح دیده می شد.

ب: پیشنهادات:

- به منظور فهم دقیق مضامن قرآنی از قبیل اعجاز بیانی، تحدی، نزول قرآن، همچنین جهت پی بردن به انواع اعجازهای نهفته در قرآن کریم، لازم است که علاوه بر مطالعه آراء پیشینیان فراتر از مباحث کلامی و مذهبی، موارد زیر نیز در نظر گرفته شود:
- توجه عمیق هدفمند به مباحث نوین علوم قرآنی. به ویژه روشی که آیت الله معرفت در مباحث علوم قرآنی که در پیش داشتند.
- اهتمام به آراء مختلف صاحب نظران نحله های متفاوت و رد و یا قبول آن آراء به روش علمی و استدلالی.

- داشتن صبغه نقد و نوآوری در مباحث قرآنی که پاسخگوی نیازهای کنونی ذهن انسان ها باشد.
- اهتمام به مباحث میدانی در کنار مباحث مبنایی و نظری.
- تلاش جهت اتقان علمی مباحث قرآنی و پرهیز از تعصبات مذهبی
- تبیین جایگاه و نقش دانش بلاغت و صرف و نحو و دانش زبان شناسی در عرصه علوم قرآنی.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شهرآشوب، مازندرانی، محمد بن علی، متشابهات القرآن و مختلفه، قم، بیدار، ۱۳۶۹ش.
۲. همو، مازندرانی، محمد بن علی: مناقب آل طالب، مکتبه الحیدریه، نجف الاشرف، ۱۳۷۶ق.
۳. ابن ضریس بجلی، محمد ابن ایوب، فضائل قرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه، دمشق: دار الفكر، ۱۴۱۷ ق.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۱م.
۵. همو، البدايه و النهايه فی التاريخ، بیروت: دار المعرفه ط ۲، ۱۴۰۷ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۷. ابن هشام حمیری، عبد الملک بن هاشم: السیره النبوی، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۲.
۸. أخطل، غیاث بن غوث، دیوان الأخطل، شرحه: مجید طراد، بیروت: دار الجیل، ۱۹۹۵م.
۹. بابایی، علی اکبر، و دیگران، رو شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده ی حوزه و دانشگاه، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۰ش.
۱۰. باقلانی، محمد بن طیب، اعجاز القرآن. تحقیق احمد صقر قاهره: دارالمعارف، بی تا.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی، قم: مؤسسه بته، ۱۳۷۳ش.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الفكر، بی تا.
۱۳. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ه ق.
۱۴. بنت الشاطی، عایشه، اعجاز بیانی، ترجمه، مترجم: صابری حسن، تهران: شرکت انتشاراتی علمی فرهنگی، ۱۳۷۶ش.
۱۵. بیضاوی عبد الله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی) بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۱۶. تفتازانی، سعد الدین، شرح المطول، قم: مکتبه الداوری، ط ۴، ۱۴۱۶ق.
۱۷. همو، مختصر المعانی، قم: دار الفكر، ۱۴۱۱ ق.

۱۸. جرجانی، الشریف، علی بن محمد، تعریفات، منشورات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، دلائل الإعجاز، محقق: هندای، عبدالحمید، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م.
۲۰. همو، کتاب اسرار البلاغ، هندای، عبدالحمید، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. همو، الرسالة الشافیة فی اعجاز القرآن، طبع ضمن ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، (مصر، دارالمعارف)
۲۲. الجندی، أنور، الفصحی لغة القرآن، بیروت: الجندی، أنور، الفصحی لغة القرآن، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. جوادی آملی، قرآن در قرآن، قم: اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. همو، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم: اسراء، ۱۳۸۳ هـ ش.
۲۵. جوان آراسته، حسین؛ درسنامه علوم قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، مقل بن هادی الوادعی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
۲۷. حاکم حسکانی، عبید الله احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلہ فی أهل البيت (ع)، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ ق.
۲۸. حجتی، سید محمد باقر، تاریخ قرآن کریم، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی)
۲۹. حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۳۰. حسینی تهرانی، سید هاشم، علوم العربیہ، تهران: نشر مفید، چ پنجم، ۱۳۶۴ ش.
۳۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعہ، محقق: مؤسسہ آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسہ آل البيت (ع)
۳۲. حکیم باشی، حسن، معرفی توصیفی کتاب شبہات و ردود حول القرآن الکریم، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره ۳۳ بهار ۱۳۸۲ ش.
۳۳. الحمصی نعیم، فکره اعجاز القرآن منذ البعثه النبویه حتی صرنا الحاضر، بیروت: مؤسسہ الرساله،

۳۴. خانی رضا، حشمت الله ریاض، ترجمه بیان السعادة، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش.
۳۵. خرقانی حسن، اعجاز بیانی از دیدگاه آیت الله معرفت، سایت معارف وحی و خرد، maref.ir
۳۶. خرمشاهی، بهاء الدین: قرآن پژوهی، تهران، دوستان، ۱۳۷۴ش.
۳۷. همو، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: شر: دوستان، ۱۳۸۲ش.
۳۸. الخطیب عبدالکریم، الاعجاز فی دراسات السابقین، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۷۵ق.
۳۹. خوبی، سید ابوالقاسم الموسوی، البیان فی تفسیر القرآن قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۹۴ ه ق.
۴۰. دراز عبدالله، النبا العظیم، بیروت: مطبعة السعادة، ۱۳۸۹ق.
۴۱. رادمش، محمد، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، علوم نوین: ۱۳۷۴ش.
۴۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالعلم دارالشایه، ۱۴۱۲ق
۴۳. راقعی مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، بیروت، دارالکتب العلمیه: ۱۴۲۱ق.
۴۴. زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فط علوم القرآن، قاهره دار احیاء الکتب العربیه بی تا.
۴۵. زرکشی، محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق دکتر یوسف عبد الرحمن مرعشلی و...، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۸ق.
۴۶. زنجانی، ابو عبدالله؛ تاریخ القرآن، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، چ اول، ۱۴۰۴ق.
۴۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۴۸. سکاک، یوسف بن ابی بکر، مفتاح العلوم، محقق: هندای، عبدالحمید، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۴۹. سید قطب، تصویر فنی، نمایش هنری در قرآن، ترجمه محمد علی عابدی، تهران مرکز نشر انقلاب،
۵۰. همو، فی ظلال القرآن، قاهره دارالشروق، ۱۴۰۸ق.

۵۱. همو، التصوير الفنى فى القرآن، قم: منشورات دار الأضواء، ۱۳۶۳ش،
۵۲. سيدمرتضى، أمالى، (غررالفوائد و درر القلائد)، تحقيق محمدابوالفضل ابراهيم، قاهره: داراحياء الكتب العرييه، ۱۳۷۳ق.
۵۳. همو، اجوبه المسائل الطرابلسيات الثالثة ضمن المجموعه الاولى من رسائل الشريف المرتضى؛ ص ۴۰۵-۴۰۳.
۵۴. سيوطى جلال الدين، معترك القرآن فى اعجاز القرآن، بيروت، دارالكتب العلميه،
۵۵. همو، الاتقان فى علوم، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، منشورات رضى، ۱۳۷۳ش.
۵۶. همو، الدر المثنورفى التفسير الماثور، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۱ق.
۵۷. شبر، سيد عبدالله بن سيد محمدرضا، تفسير القرآن الكريم (شبر)، بيروت: دار البلاغه للطباعه و النشر، ۱۴۱۲ق.
۵۸. شريعتى، محمدتقى، تفسير نوين، پژوهشكده باقر العلوم، مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل بيت (ع) ۱۳۹۲
۵۹. شهرستانى، هبه الدين، المعجزه الخالده، كاظمين، بغداد: مكتبه الجواديه، ۱۹۸۵م.
۶۰. شيخ طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى علوم القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا،
۶۱. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، وسايل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، چاپ ششم، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
۶۲. شيخ صدوق، محمد بن محمد، الاعتقادات، محقق: عبدالسيد، عصام، قم: كنگره شيخ مفيد، ۱۳۷۳ش.
۶۳. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، شرح اعتقادات الصدوق، مطبعه سروش، تبريز، ۱۳۷۱ق.
۶۴. شيخ صدوق، الخصال، قم: شيخ صدوق، الخصال، ۱۳۹۱ش.
۶۵. فيض كاشانى ملا محسن، تفسير صافى، تحقيق: حسين اعلم، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۶۶. صالحى نجف آبادى، حديث هاى خيالى در مجمع البيان، تهران: نشر كوير، 1387ش.
۶۷. طباطبايى، سيد محمد حسين، قرآن در اسلام، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۵۳

۶۸. همو، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۶۹. طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، به کوشش حسن سعید، تهران: مکتبه‌ی جامع چهل ستون، ۱۳۷۲ش.
۷۰. طباطبایی . محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن قم: دفتر انتشارات اسلامی ، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ه ق
۷۱. همو، قرآن در اسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.
۷۲. همو، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۷۳. طبرسی، مجمع البیان، مترجم: علی کرمی، نشر فراهانی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۷۴. همو، فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۷۵. همو، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
۷۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن (تفسیر طبری)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۷۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
۷۸. علم‌الهدی، علی بن حسین، رسائل مرتضی، اعداد: رجایی، مهدی، زیر نظر: حسینی اشکوری، احمد، قم: دار القرآن الکریم، ۱۳۷۲ش.
۷۹. عمری، احمد جمال، مفهوم الاعجاز القرآنی حتی القرن السادس الهجری دارالمعارف.
۸۰. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق: رسولی محلاتی، تهران: المکتبه‌ی العلمیه‌ی الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۸۱. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۸۲. فتحی گوش، فاطمه ، اعجاز بیانی قرآن کریم، حوزه علمیه خراسان، مدرسه علمیه حضرت زینب(س) - مشهد ۱۳۹۱ش.
۸۳. فیض کاشانی ، محمد بن محسن، تفسیر الصافی، بیروت: مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
۸۴. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵م.

۸۵. قرشی سید علی اکبر، تفسیر أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ش.
۸۶. قاضی زاده، کاظم، نگرشی به نظریه صرفه، فصلنامه نامه مفید، شماره ۳، ۱۳۸۸ش.
۸۷. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، جلوه های اعجاز معصومین (ع) مترجم: محرمی، غلامحسن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۸۸. القمی، ابو الحسن علی بن ابراهیم، تفسیر قمی بیروت: المؤسسة العلمیة للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۸۹. قرطبی انصاری، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۹۰. کاشف الغطاء، محمد حسین، الدین و الاسلام او الدعوه الاسلامیه، محقق، ساعدی، محمد، تهران: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۹۱ش.
۹۱. الكلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة،
۹۲. نصیری، علی، معرفت قرآنی، یادنگار آیت الله محمد هادی معرفت (ره) جلد سوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۹۳. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ق.
۹۴. نقیب زاده، محمد، کاربرد علوم بلاغی در تفسیر، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۹ش.
۹۵. نکونام، جعفر در آمدی بر تاریخ گذاری قرآن، قم: هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۹۶. نیشابوری، علی بن احمد واحدی؛ اسباب النزول مکة المکرمة، دار الباز للنشر و التوزیع، ۱۳۸۸ش.
۹۷. مارودی، علی بن محمد: السلطانیة، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۰ق.
۹۸. همو، النکت العیون، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۹م.
۹۹. مترجمان، ترجمه جوامع الجامع، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۱۰۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۲ش.
۱۰۱. محمدیان، محمد، الفهرست الموضوعی لآیات القرآن، تهران - ایران، مشکوة، ۱۳۸۳ش.
۱۰۲. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا

۱۰۳. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۵م.
۱۰۴. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چ اول،
۱۰۵. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید. ۱۳۸۹ش.
۱۰۶. همو، تفسیر و مفسران، قم: انتشارات تمهید، ۱۳۸۸ش
۱۰۷. همو، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۶ش.
۱۰۸. همو التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه التمهید، قم. ۱۳۸۶ش.
۱۰۹. همو، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، قم: مؤسسه التمهید، قم ۱۳۸۵ش.
۱۱۰. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، مکان چاپ: تهران، سال چاپ: ۱۳۷۴ ش.
۱۱۱. معلوف، لويس، فرهنگ أبجدی عربی - فارسی، متن، ترجمه کتاب المنجد، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲ش.
۱۱۲. همو، المنجد فی اللغة و الادب و العلوم، بیروت: المطبعة الكاثولیکية، ۱۹۸۳م،
۱۱۳. مؤدب، سید رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت ع و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۹ش.
۱۱۴. همو، نزول قرآن بر هفت حرف، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۷۸ش.
۱۱۵. مهدوی راد، محمد علی، مقاله: نگاهی گذرا به سیر نگارشهای قرآنی، فصلنامه بینات قم مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)
۱۱۶. میدی، محمد فاکر، علوم قرآنی از دیدگاه آیت الله معرفت، نشریات پیام جاویدان، ۱۳۹۱ش.
۱۱۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۱۸. یوسف، درة الحداد، دروس قرآنیة، بیروت: منشورات المكتبة البولسیة، لبنان، ۱۹۸۲م.
۱۱۹. یحیی بن حمزه علوی یمنی، کتاب الطراز المتضمن الاسرار البلاغه و علوم حقایق الاعجاز، ص ۵۸۱؛

الملخص

البحث هذا هو دراسة تحليلية و توصيفية حول إبداعات آية الله معرفت في العلوم القرآنية، منها في مجال الإعجاز البياني و التحدى و نزول القرآن و كذلك الشبهات الواردة في هذا الخصوص. المحاولة في هذا البحث هو تبين المباحث الهامة حول موضوع اعجاز البياني للقرآن الكريم و التحدى الوارد في القرآن و كذلك نزول القرآن و ذلك استناداً لما جاء في كتابي آية الله معرفت هذا الأستاذ الجليل و هما "التمهيد" و "العلوم القرآنية" و كذلك استناد لما جاء في تفسير المفسرين و آراء المذاهب الأخرى.

إن آية الله معرفت في كتاب التمهيد قد بحث بدقة تامة الإعجاز البياني للقرآن و قد ذكر وجهات نظر العلماء و المفسرين و الكتاب في العالم الإسلامي حول الإعجاز البياني مع ذكر الشواهد القرآنية و قد فصلت تلك المباحث الهامة و بينها بدقة تامة. وفي القسم الأخير من المجلد قد شرح عناصر الإعجاز البياني و فصاحة القرآن الكريم و كانت فيها ملاحظات قيمة من قبل المؤلف.

و حول التحدى الوارد في القرآن الكريم لقد بين آية الله معرفت التحدى و رسم له مراحل متوالية منها: التحدى في التفوق بالكلام و إثبات عشر سور أو سورة واحدة الجزم بالقول و العجز النهائي من قبل المعاندين و التحدى مع الجن و الإنس و في مجال السر الكامن في تحدى القرآن لقد أجاد و أفاد آية الله معرفت عن طريق اتيان الأدلة و البراهين و الحجج.

و حول نزول القرآن الكريم فإن آية الله معرفت بعد تبين مشكلة نزول القرآن، يذكر اول آية نزلت على قلب الرسول الأكرم (ص) ثم بين نزول الآيات و من ثم يتطرق إلى نزول القرآن في ليلة القدر و يذكر خمسة أقوال في هذا المجال. ثم يبين و يعلن بأن الحل الأفضل بين الاختلاف الموجود حول نزول القرآن في الآيات المتعددة هو أن نعتبر نزول القرآن في ليلة القدر و هذا العام ايضاً يعتبر بعد نزول القرآن بثلاث سنوات بعد البعثة و قد حدث هذا بعد فترة من انقطاع الوحي.

و حول الشبهات الواردة من قبل المستشرقين، فإن آية الله معرفت عالج هذا الشبهات في القسم الأول من كتابه. إن المستشرقين قد أوردوا بعض الشبهات حول مصادر القرآن و زعموا أن بعض مصادر القرآن هي مأخوذة من الكتب السماوية الأخرى لأن هناك تشابه بين موضوعات القرآن و ما جاء في الكتب السماوية الأخرى. و لهذا زعموا بأن القرآن ليس كتاب سماوي. فالأستاذ آية الله معرفت قد رد

هذه المزاعم و اعتبر أن الوحي هو المصدر الوحيد للقرآن الكريم و اثبت أن الشرائع الإبراهيمية كلها من معين واحد و من اصل واحد.

الكلمات الأصلية: القرآن الكريم، آية الله معرفت، الإعجاز البياني، التحدي، النزول، التفسير، التمهيد، العلوم القرآنية

Title:

(Ayatollah Marefat in innovations such as the miraculous expression of defiance and Quranic revelation corresponding quasi)

Abstract

This study is a cross-sectional study titled: "Ayatollah Marefat in innovations such as the miraculous expression of defiance and Quranic revelation corresponding quasi". Where efforts have been made by focusing on two major books "primer" and "Quranic" miracle issues related to expressive effect. Grasng this wise professor and challenging others and the Koran and the words and ideas of other commentators cite numerous schools studied be.

Ayatollah Marefat in primer and in pursuit of the miracle, the miracle of the Quran and theoretical scientists and authors engage the Muslim world on the subject of the miracle of words with examples and detailed explanation of the Qur'an effectively explain the miraculous words.

In the final section of the volume of the (brief and detailed) Rabrrsy eloquence of the Qur'an and valuable comments on this issue have stated.

Ayatollah Marefat about challenging others with regard to the content Quran verses of the Quran to challenging others is also considered steps, including: challenge the superiority of words, absolutely nothing like the Quran, ten chapters, one chapter like the Koran, decisiveness as possible, frustration and their ultimate failure, challenge with all the jinn and humankind, and of the miracle lies in challenging others have mentioned reasons.

Ayatollah Marefat about various topics mentioned in the beginning of the revelation after revelation, the first and last verses and chapters of the Koran was revealed to the grand night out and to declare mentioned in the issue of five words of The best solution between verses of the Quran at night so understands and signs of its decline during the 20 year count, that the beginning of the revelation of the Quran on the Night of Power, and the first three years after the Prophet Muhammad (PBUH) and to Following intermission revelation phenomenon happened.

Ayatollah Marefat to answer the first part of the book that there is a doubt famous Orientalist sources for Quran-focused. Orientalists because of the similarity of issues scriptures and the Quran have claimed that the Qur'an was written using the contents of the Bible is divine revelation! but the professor, the only source of the Qur'an is considered a divine revelation, and stated that the Abrahamic religions have the same roots.

Keyword: Quran, Ayatollah Marefat, the miraculous expression, challenge, revelation, interpretation, primer, Quranic sciences.



USUL ALDEEN COLLEGE

Dezful Branch

Department of The QURAN Scienes And Hadith

M.A

Title:

(Ayatollah Marefat in innovations such as the miraculous expression of defiance and Quranic revelation corresponding quasi)

Advisor

Seyyed Muhammad Hossein miri

By:

Gholamreza Momenzadeh

Summer

2015